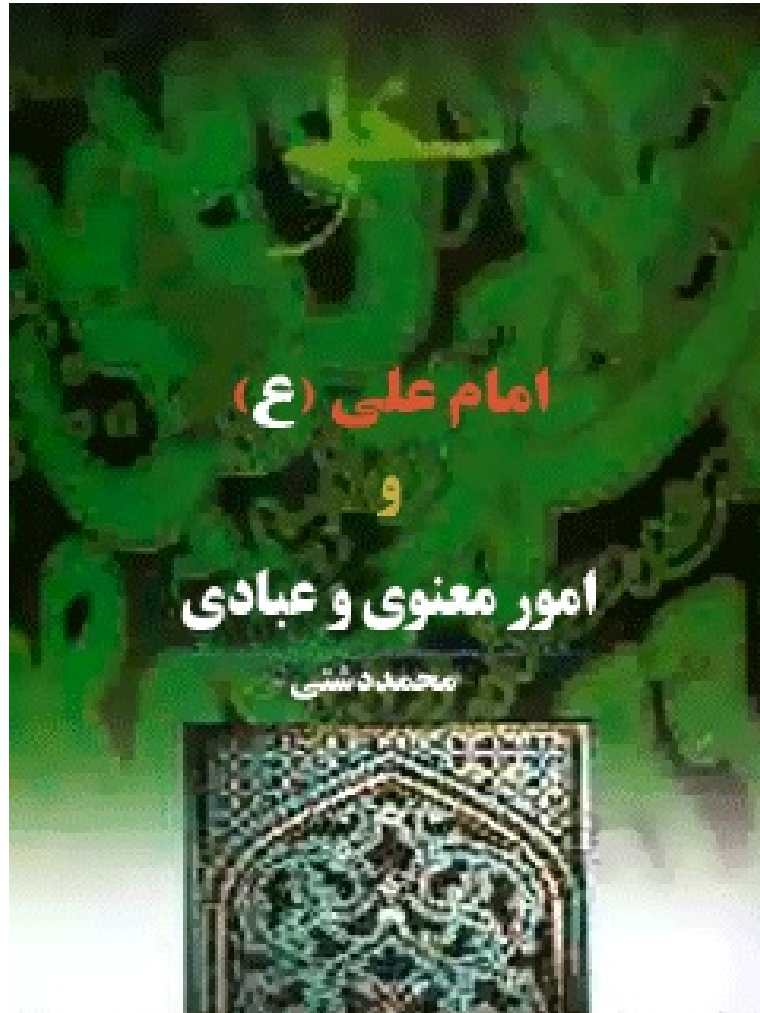


سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی (ع) و مباحث معنوی و عبادی

نویسنده:

محمد دشتی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	امام علی(ع) و مباحث معنوی و عبادی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	سرآغاز
۱۲	الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان
۱۳	اقسام الگوهای رفتاری
۱۳	ضرورت ها
۱۳	انسان و ارزش ها
۱۳	ضرورت شناخت ارزش ها
۱۵	رشد و تکامل تمایلات و غرائز انسانی
۱۶	رشد و رعایت اعتدال غرائز و تمایلات مشترک بین انسان و دیگر موجودات
۱۶	مبارزه با تمایلات دروغین و آفات رشد
۱۶	اشاره
۱۶	ارزش ها
۱۶	اولویت دادن به تربیت خویشتن
۱۷	شناخت ارزش ها
۱۷	اشاره
۱۷	همت و خویشتن داری
۱۷	علم و ادب
۱۷	عقل و ادب و مشورت
۱۸	تقوا و پرهیزگاری
۱۹	نعمت عقل و تعقل صحیح
۱۹	صبر و استقامت

۱۹ نعمت آگاهی
۱۹ تربیت صحیح اسلامی
۲۰ احتیاط و تدبیر در امور
۲۰ تفکر صحیح
۲۰ شخصیت و بزرگواری
۲۰ راه مبارزه با آفت ها
۲۰ اشاره
۲۱ تعریف و اقسام غرائز و تمایلات
۲۱ راه کنترل غرائز و تمایلات مشترک
۲۱ غریزه خشم (عصبانیت)
۲۲ غریزه جنسی (شهوت)
۲۲ غریزه عادت
۲۲ آزادی طلبی
۲۳ غریزه ترس
۲۴ غریزه برتری طلبی
۲۴ روح تقلید از دیگران
۲۵ هوس و خواهش ها
۲۵ دوست یابی و علاقه به دیگران
۲۶ غریزه خوردن و آشامیدن
۲۷ نماز و تکامل انسان ها
۲۷ اشاره
۲۷ شرایط پیمودن راه تکامل
۲۸ هدفداری
۲۹ روح امیدواری

۳۱	سیستم رابطه و جهت یابی
۳۱	فلسفه حج از دیدگاه نهج البلاغه
۳۱	اشاره
۳۲	قبله گاه نیایش
۳۲	اشاره
۳۳	ره آورد حج
۳۳	اهمیت حج
۳۳	تجلی گاه وحدت
۳۴	جایگاه آزمودن ها، سنجش ها
۳۶	دعا و نیایش
۳۶	دعا و نیایش در میدان جنگ
۳۶	طرح شکوه ها
۳۷	محو جمال دلدار
۳۸	مدهوش در عبادت
۳۸	عبادت در کودکی
۳۸	ذکر همیشگی حضرت امیرالمؤمنین
۳۹	سجده برای موفقیت ها
۳۹	امام علی و نماز شب
۴۰	توجه به مستحبات
۴۰	پیاده به سفر حج رفتن
۴۰	اشک های فراوان
۴۱	ترویج فرهنگ اذان
۴۱	اذان گفتن امام
۴۱	تشویق به اذان رایگان

۴۲	ترویج فرهنگ نماز
۴۲	اشاره
۴۲	اولین نمازگذار
۴۲	اهمیت دادن به نماز اول وقت
۴۲	نماز امانتی بزرگ
۴۳	بخشنامه برای نماز اول وقت
۴۳	عبادت بی همانند
۴۳	هزار رکعت نماز
۴۴	داشتن نمازخانه در منزل
۴۵	نماز پس از پیروزی در جنگ
۴۵	نماز قبل از آغاز نبرد
۴۵	نماز با اشاره در میدان جنگ
۴۵	نماز در میدان جنگ
۴۵	جنگ بخاطر نماز
۴۵	نماز باران (استسقاء)
۴۷	روانشناسی نیایش
۴۷	روانشناسی و نماز
۴۷	احترام به کعبه و قبله
۴۷	ترویج فرهنگ قرآن
۴۷	قرآن گرایی
۴۹	جایزه مالی به قاریان قرآن
۴۹	فضیلت قرائت قرآن
۵۰	هدفداری
۵۰	شهادت طلبی

۵۰	اشاره
۵۰	درخواست شهادت
۵۰	روح فرهنگ شهادت طلبی
۵۱	گریه شوق برای شهادت
۵۱	جستجوی شهادت
۵۲	سخنان لحظه شهادت
۵۲	معجزات و کرامات
۵۲	اشاره
۵۲	پیمودن راه های طولانی «طی الارض»
۵۳	بازگشت خورشید برای نماز عصر امام علی
۵۳	درمان چشم نابینا
۵۴	خبر از چگونگی قبر و دفن خویش
۵۴	اعتراف حیوانات
۵۵	اعتراف اژدها
۵۶	در چشمه سار نهج البلاغه
۵۶	دعا در میدان جنگ
۵۶	دعایی که حضرت همواره می خواند
۵۶	شکوه ها با خدا از ظلم قریش
۵۷	اشاره
۵۷	مناقشه فی یوم الشوری
۵۷	معاتبه علی قریش
۵۷	معاتبه علی الناکثین
۵۸	سیمای پرهیزکاران
۵۸	اشاره

۵۸	سیماء المتّقین
۵۸	لیالی المتّقین
۵۹	نهار المتّقین
۵۹	علامات المتّقین
۶۰	اوقات نماز پنجگانه
۶۱	فضیلت و جایگاه نماز
۶۱	اشاره
۶۱	التحذیر من الدّنیاء
۶۱	کیفیتۀ مواجهۀ الدّنیاء
۶۲	نماز باران
۶۲	اشاره
۶۲	الکون فی خدمۀ الإنسان
۶۲	الغایۀ من الامتحان
۶۳	الدعاء لنزول الغیث
۶۳	روانشناسی نیایش
۶۳	ارزش قرآن
۶۳	قسمتی از خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه
۶۴	قسمتی از خطبه ۰۰۱ نهج البلاغه
۶۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام علی(ع) و مباحث معنوی و عبادی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام علی (ع) و مباحث معنوی و عبادی / مولف محمد دشتی، ۱۳۳۰ - ۱۳۸۰. مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص. فروست: الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام؛ ج. ۱۲. شابک: ۱۶۰۰۰ ریال: ۲-۳۲-۶۴۲۲-۹۶۴ یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۵] - ۲۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - فضایل موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I -- Virtues موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - کرامات‌ها موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I -- Karamat موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - عبادات موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I -- Worships شناسه افزوده: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع) شناسه افزوده: الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام؛ ج. ۱۲. رده بندی کنگره: BP۳۷/۴/د۵الف۱۲۷. ج. ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱ شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۲۶۲۷

سر آغاز

نوشتار نورانی و مبارک و ارزشمندی که در پیش روی دارید، تنها برخی از «الگوهای رفتاری» آن یگانه بشریت، باب علم نبی، پدر بزرگوار امامان معصوم علیهم السلام، تنها مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به هنگام بعثت و دوران طاقت فرسای هجرت، و جنگ ها و یورش های پیاپی قریش، و نابود کننده خط کفر و شرک و نفاق پنهان، اول حافظ و جامع قرآن، و قرآن مجسم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. که همواره با قرآن بود، و با قرآن زیست و از قرآن گفت، و تا بهشت جاویدان، در کنار چشمه کوثر و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، وحدتشان جاودانه است. مباحث ارزشمند آن در حال تکامل و گسترش است، نورانی است، نور نور است، عطر آگین از جذبه های عرفانی و شناخت و حضور است، که با نام های مبارک زیر، در آسمان پُر ستاره اندیشه ها خواهد درخشید مانند: ۱- امام علی علیه السلام و اخلاق اسلامی الف- اخلاق فردی ب- اخلاق اجتماعی ج- آئین همسر داری ۲- امام علی علیه السلام و مسائل سیاسی ۳- امام علی علیه السلام و اقتصاد الف- کار و تولید ب- انفاق و ایثار گری ج- عمران و آبادی د- کشاورزی و باغداری ۴- امام علی علیه السلام و امور نظامی الف- اخلاق نظامی ب- امور دفاعی و مبارزاتی ۵- امام علی علیه السلام و مباحث اطلاعاتی و امنیتی ۶- امام علی علیه السلام و علم و هنر الف- مسائل آموزشی و هنری ب- مسائل علمی و فرهنگی ۷- امام علی علیه السلام و مدیریت ۸- امام علی علیه السلام و امور قضائی الف- امور قضائی ب- مسائل جزائی و کیفری ۹- امام علی علیه السلام و مباحث اعتقادی ۱۰- امام علی علیه السلام و مسائل حقوقی ۱۱- امام علی علیه السلام و نظارت مردمی (امر به معروف و نهی از منکر) ۱۲- امام علی علیه السلام و مباحث معنوی و عبادی ۱۳- امام علی علیه السلام و مباحث تربیتی ۱۴- امام علی علیه السلام و مسائل بهداشت و درمان ۱۵- امام علی علیه السلام و تفریحات سالم الف- تفریحات سالم ب- تجمل و زیبایی مطالب و مباحث همیشه نورانی مباحث یاد شده، از نظر کاربردی مهم و سرنوشت سازند، زیرا تنها جنبه نظری ندارند، بلکه از رفتار و سیره و روشهای الگویی امام علی علیه السلام نیز خبر می دهند، تنها دارای جذبه «قال» نیست که دربردارنده جلوه های «حال» نیز می باشد. دانه های انگشت شماری از صدف ها و مروارید های همیشه درخشان دریای علوم نبوی است از رهنمودها و راهنمایی های جاودانه علوی است از محضر حق و حقیقت است و از زلال و جوشش همیشه جاری واقعیت هاست که تنها نمونه هائی اندک از آن مجموعه فراوان و مبارک را در این جزوات می یابید و با مطالعه مطالب نورانی آن،

از چشمه زلال ولایت می نوشید که هر روز با شناسائی منابع جدید در حال گسترش و ازدیاد و کمال و قوام یافتن است. (۱). و در آینده به عنوان یک کتاب مرجع و تحقیقاتی مطرح خواهد بود تا: چراغ روشنگر راه قصه پردازان و سناریو نویسان فیلم نامه ها و طراحان نمایشنامه ها و حجت و برهان جدال احسن گویندگان و نویسندگان متعهد اسلامی باشد، تا مجالس و محافل خود را با یاد و نام آن اول مظلوم اسلام نورانی کنیم. که رسول گرامی اسلام فرمود: *تَوَرُّوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ* (جلسات خود را با نام و یاد علی علیه السلام نورانی کنید) با کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام» حقیقت «چگونه بودن؟!» برای ما روشن می شود و آنگاه چگونه زندگی کردن؟! نیز مشخص خواهد شد. پیروی از امام علی علیه السلام و الگو قرار دادن راه و رسم زندگی آن بزرگ معصوم الهی، بر این حقیقت تکیه دارد که با مطالعه همه کتب و منابع و مآخذ روایی و تاریخی و سیاسی موجود کشف کنیم که: «امام علیه السلام چگونه بود؟» آنگاه بدانیم که: «چگونه باید باشیم» زیرا خود فرمود: *أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَأَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا* (۲). (ای مردم! همانا سوگند به خدا من شما را به عمل پسندیده ای تشویق نمی کنم جز آنکه در عمل کردن به آن از شما پیشی می گیرم، و شما را از گناهی باز نمی دارم جز آنکه پیش از نهی کردن، خود آن را ترک کرده ام) پس توجه به الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام برای مبارزان و دلاوران که با نام او جنگیدند، و با نام او خروشدند، و هم اکنون در جای جای زندگی، در صلح و سازندگی، در جنگ و ستیز با دشمن، در خودسازی و جامعه سازی و در همه جا بدنبال الگوهای کامل روانند، بسیار مهم و سرنوشت ساز است تا در تداوم راه امام رحمه الله بجوشند، و در همسوئی با امیر بیان بکوشند، که بارها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آنانکه از علی پیروی کنند اهل نجات و بهشتند» و به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «این علی و پیروان او در بهشت جای دارند» (۳). و امیدواریم که کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام» آغاز مبارکی باشد تا این راه تداوم یابد، و به کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری» دیگر معصومین علیهم السلام بیانجامد. در اینجا توجه به چند تذکر اساسی لازم است. الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان اقسام الگوهای رفتاری **** تاکنون هزاران فیش تحقیقاتی از حدود ۷۰۰ عنوان در یک هزار جلد، کتاب پیرامون حضرت امام علی علیه السلام فراهم آمده است. خطبه ۶ / ۱۷۵، نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. ینابیع الموده ص ۴۰، قالت فاطمه (س): *نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى عَلِيٍّ (ع) وَقَالَ: هَذَا وَشِيعَتُهُ فِي الْجَنَّةِ.*

الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان

رفتارهای امام علی علیه السلام برخی اختصاصی و بعضی عمومی است، که باید در ارزیابی الگوهای رفتاری دقت شود. گاهی عملی یا رفتاری را امام علی علیه السلام در شرائط زمانی و مکانی خاصی انجام داده است که متناسب با همان دوران و شرائط خاص قابل ارزیابی است، و الزامی ندارد که دیگران همواره آن را الگو قرار داده و به آن عمل کنند، که در اخلاق فردی امام علی علیه السلام نمونه های روشنی را جمع آوری کرده ایم، و دیگر امامان معصوم علیه السلام نیز توضیح داده اند که: شکل و جنس لباس امام علی علیه السلام تنها در روزگار خودش قابل پیاده شدن بود، اما هم اکنون اگر آن لباس ها را بپوشیم، مورد اعتراض مردم قرار خواهیم گرفت. یعنی عنصر زمان و مکان، در کیفیت ها تأثیر بسزائی دارد. پس اگر الگوهای رفتاری، درست تبیین نگردد، ضمانت اجرائی ندارد و از نظر کار بُردی قابل الگو گیری یا الگو پذیری نیست، مانند: - غذاهای ساده ای که امام علی علیه السلام میل می فرمود، در صورتی که فرزندان و همسران او از غذاهای بهتری استفاده می کردند. - لباس های پشمی و ساده ای که امام علی علیه السلام می پوشید، اما ضرورتی نداشت که دیگر امامان معصوم علیهم السلام بپوشند. - در برخی از مواقع، امام علی علیه السلام با پای برهنه راه می رفت، که در زمان های دیگر قابل پیاده شدن نبود. امام علی علیه السلام خود نیز تذکر داد که: *لَنْ تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ* (شما نمی توانید همانند من زندگی کنید، لکن در پرهیزکاری و تلاش برای خوبی

ها مرا یاری دهید(۱). وقتی عاصم بن زیاد، لباس پشمی پوشید و به کوه ها می رفت و دست از زندگی شُست و تنها عبادت می کرد، امام علی علیه السلام او را مورد نکوهش قرار داد، که چرا اینگونه زندگی می کنی؟ عاصم بن زیاد در جواب گفت: قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا أَنْتَ فِي حُشُونِهِ مُلْبَسِكَ وَجُشُونِيَهُ مَا كَلِمَتِكَ! (عاصم گفت، ای امیر مؤمنان، پس چرا تو با این لباس خشن، و آن غذای ناگوار بسر میبری؟) امام علی علیه السلام فرمود: قَالَ: وَيَحْكُكَ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُنْمَهُ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ! (۲). وای بر تو، من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشانند. **** نامہ ۵/۴۵ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. خطبه ۳/۲۰۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

اقسام الگوهای رفتاری

بعضی از رفتارهای امام علی علیه السلام زمان و مکان نمی شناسد، و همواره برای الگو پذیری ارزشمند است مانند: ۱- ترویج فرهنگ نماز ۲- اهمیت دادن به نماز اول وقت ۳- ترویج فرهنگ اذان ۴- توجه فراوان به باز سازی، عمران و آبادی و کشاورزی و کار و تولید ۵- شهادت طلبی و توجه به جهاد و پیکار در راه خدا ۶- حمایت از مظلوم و... زیرا طبیعی است که کیفیت ها متناسب با زمان و مکان و شرائط خاص فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی در حال دگرگونی است. گرچه اصول منطقی همان کیفیت ها، جاودانه اند، یعنی همواره ساده زیستی، خودکفائی، ساده پوشی ارزشمند است، اما در هر جامعه ای چهار چوب خاص خودش را دارد، پس کمیّت ها و اصول منطقی الگوهای رفتاری ثابت، و کیفیت ها، و چگونگی الگوهای رفتاری متغیر و در حال دگرگونی است. ****

ضرورت ها

انسان و ارزش ها ضرورت شناخت ارزش ها رشد و تکامل تمایلات و غرائز انسانی رشد و رعایت اعتدال غرائز و تمایلات مشترک بین انسان و دیگر موجودات مبارزه با تمایلات دروغین و آفات رشد ارزش ها اولویت دادن به تربیت خویشتن شناخت ارزش ها همت و خویشتن داری علم و ادب عقل و ادب و مشورت تقوا و پرهیزگاری نعمت عقل و تعقل صحیح صبر و استقامت نعمت آگاهی تربیت صحیح اسلامی احتیاط و تدبیر در امور تفکر صحیح شخصیت و بزرگواری راه مبارزه با آفت ها تعریف و اقسام غرائز و تمایلات راه کنترل غرائز و تمایلات مشترک غریزه خشم (عصبانیت) غریزه جنسی (شهوت) غریزه عادت آزادی طلبی غریزه ترس غریزه برتری طلبی روح تقلید از دیگران هوس و خواهش ها دوست یابی و علاقه به دیگران غریزه خوردن و آشامیدن نماز و تکامل انسان ها شرایط پیمودن راه تکامل هدفداری روح امیدواری سیستم رابطه و جهت یابی فلسفه حج از دیدگاه نهج البلاغه قبله گاه نیایش ره آورد حج اهمیت حج تجلی گاه وحدت جایگاه آزمودن ها، سنجش ها ****

انسان و ارزش ها

ضرورت شناخت ارزش ها

همه می پرسند: چرا در تربیت و کمال انسان، ارزش های اخلاقی را مطرح می کنند؟ و چرا جاذبه های معنوی و عبادی نقش تعیین کننده در تربیت انسان دارد، و چرا سنین جوانی را دوران بسیار مهم و حساس زندگی انسان می دانند؟ چرا در آیات و روایات اسلامی این همه تأکید بر اهمیت سنین جوانی، و توجه به شخصیت جوانان شده است؟ چرا انبیاء عظام و امامان معصوم علیهم السلام

این اندازه به جوانان عنایت داشتند، و نسبت به دوران جوانی، فراوان توصیه کرده اند؟ چرا اندیشمندان در طول تاریخ بشر دوران جوانی را بسیار مهمّ معرّفی می کرده اند؟ و نیز می پرسند: چرا روانشناسان، دوران جوانی را دوران اضطراب ها، تزلزل ها و احساسات تند نامیده اند؟ چرا سرنوشت انسان به این دوران پرنشیب و فراز - که سراسر آمیخته است با شادی ها و غم ها، سختی ها و آسانی ها، زیبایی ها و زشتی ها، کامیابی ها و ناکامی ها و پیروزی ها و شکست ها - بستگی تنگاتنگ دارد؟ و چرا رشد فکری، کمال معنوی و ترقی علمی انسان در بهار جوانی شکوفه می زند و درخت وجود انسان را معطر می سازد؟ راستی چرا؟ آیا شما پاسخی برای این سؤال ها دارید؟ قدری بیاندیشید. آیا تا کنون سؤالاتی از این قبیل ذهن شما را به خود مشغول داشته است؟ و یا دوستان و آشنایان نظیر چنین سؤال هایی را برای شما مطرح کرده اند؟ چه پاسخی به آنها داده اید؟ قدری بیاندیشید. با توجهی دقیق به واقعیت های نهفته در وجود انسان و با مطالعه در روانشناسی جوان در کتاب پراج نهج البلاغه پاسخ این پرسش ها و پرسش هایی از این قبیل داده خواهد شد. حضرت علی علیه السلام به همین مسئله عنایت داشته و فرمود: *فَمَثَلَتْ اِنْسَانًا ذَا اَذْهَانٍ يُجِلُّهَا... مَعْجُونًا بِطَيْبِهِ اَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ وَالْاَلَاءِ شَبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ وَالْاَلَاءِ ضِدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ وَالْاَلَاءِ خِلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ* (با قدرت و نظارت خداوند در آغاز آفرینش، خاک، آرام آرام به صورت انسانی در آمد که دارای نیروی عقل بود تا او را به تکاپو و تلاش و کوشش وادارد... انسان مجموعه ای از رنگ های گوناگون و موادّ و عناصری موافق و نیروهائی متضادّ و اخلاط مختلف می باشد، تا بتواند در تمام زمینه های رشد و کمال موقّق باشد). (۱). و می دانیم که بسیاری از غرائز و تمایلات گوناگون انسان در دوران نوجوانی و جوانی رشد می کنند و آینده و حال انسان را می سازند و شخصیت انسانی انسان را تحقّق می بخشند. اگر نسبت به غرائز گوناگون کوتاهی کنیم ممکن است غرائز و تمایلات حیوانی در انسان بارور شده و هر گونه عواطف و صفات انسانی را تحت الشعاع خود قرار دهد و انسان تبدیل به موجودی درنده خو و حیوان صفت گردد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: *فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ، وَالتَّاهِبِ، وَالْاِسْتِعْدَادِ، وَالتَّزْوُدِ فِي مَثَرِ الزَّادِ* (پس بر شما باد که با تلاش و کوشش پی گیر و با هوشیاری این مایه های هستی را شکوفا ساخته و آمادگی لازم را به دست آورید تا در آن زندگی جاوید «که سر منزل حقیقی و محل بهره برداری واقعی است» نتیجه کوشش این جهانی خود را در یابید). (۲). اگر در این دوران بحرانی جان و دل نسل جوان برای جوانه زدن و رشد کردن غرائز و تمایلات و عواطف بشری آبیاری لازم نشود و به روشنائی نور ایمان و حقیقت آراسته نگردد، ممکن است ارزش های انسانی از بین رفته و هرگز قدرت رشد و تکامل را پیدا نکنند. اگر در این دوران حسّاس روان انسان، بدرستی تربیت و راهنمایی نگردد، ممکن است انواع انحرافات و نادرستی ها دامنگیر او شود. بر این اساس امام علی علیه السلام هشدار می دهد: *وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ اَسْبِرَّ تَحْتَ هَوَى اَمِيرٍ* (چه بسیارند عقل هایی که اسیر و برده هوا و هوس ها می باشند و خواهش های شیطانی نفس به آنها حکومت می کنند). (۳). اگر به همه جوانب روح انسانی و به متفاوت بودن تمایلات و احساسات بشری توجه کامل نکنیم، انسان تبدیل به موجودی تک بُعدی و ناقص خواهد شد و همه زوایای روح بشری سیراب نشده و جوانه نخواهد زد. و با توجه به اینکه غرائز مشترک بین انسان و حیوان خودرو می باشند، احتیاج به تربیت و نظارت دارند، اگر در این دوران بحرانی جوانی، از تربیت و کنترل و تکامل آن غفلت کنیم؛ با سیر انحرافی غرائز و تمایلات، همه ارزش های انسانی سقوط می کنند. از این رو باید هرچه بیشتر به خودسازی و مسائل تربیتی توجه کامل داشته و ارزش های متکامل تری را به دست آوریم. که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: *مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِبْحًا، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرًا، وَمَنْ خَافَ اَمِنَ، وَمَنْ اَعْتَبَرَ اَبْصَرَ*، (کسی که به محاسبه نفس خود و بازسازی روح و روان خویش پردازد سود می برد و کسی که از خودش غفلت کند زیانکار است و کسی که عبرت بیاموزد و از پایان کار دیگران اندرزه های لازم را فراگیرد به بصیرت و آگاهی خواهد رسید). (۴). اگر در این دوره حساس و سرنوشت ساز، آفات شخصیت انسانی را نشناسیم و آنها را در آغاز مرحله جوانی از سر راه تکاملی ریشه کن نسازیم در برابر آفات و موانع فراوان، انتظار رشد و تکامل مطلوب را نمی توان داشت. اگر رشد غرائز و تمایلات انسان در مراحل اولیه کمال، «دوران جوانی و نوجوانی»

در کنار سمبل ها و الگوهای کاملی قرار نگیرند، نسل جوان با بحرانهای زیادی روبرو خواهد شد. امام علی علیه السلام نسبت به روح سمبل خواهی و ضرورت وجود الگوهای کامل می فرماید: **أَلَمْاَ وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا، يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ... أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكُمْ، وَلَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، وَعَفَّةٍ وَسَدَادٍ.** (آگاه باشید که هر پیرو و مأمومی، امام و پیشوایی دارد که باید از او پیروی نماید و از نور دانش او بهره گیرد... آگاه باشید که شما توانائی آن را ندارید که همانند من عمل کنید اما با پرهیزگاری و تلاش فراوان و با عفت و پاکدامنی مرا یاری دهید). (۵). بنابر این سلامت روان آدمی و کمال او در گرو ملاک ها و چیزهایی است که حضرت علی علیه السلام بدان اشاره دارد؛ و هر نوجوان و جوانی که صلاح خویش را بخواهد و به سعادت خود علاقمند باشند باید آنها را بکار گیرد؛ و استعدادهای درونی را شکوفا سازد تا هر روز بهتر و بیشتر از روز قبل پیشرفت کند. مباحثی که بهداشت روانی نسل جوان ارتباط دارد در سه بخش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. رشد و تکامل تمایلات و غرائز انسانی رشد و رعایت اعتدال غرائز و تمایلات مشترک بین انسان و دیگر موجودات مبارزه با تمایلات دروغین و آفات رشد ارزش ها اولویت دادن به تربیت خویشتن شناخت ارزش ها همت و خویشتن داری علم و ادب عقل و ادب و مشورت تقوا و پرهیزگاری نعمت عقل و تعقل صحیح صبر و استقامت نعمت آگاهی تربیت صحیح اسلامی احتیاط و تدبیر در امور تفکر صحیح شخصیت و بزرگواری راه مبارزه با آفت ها تعریف و اقسام غرائز و تمایلات راه کنترل غرائز و تمایلات مشترک غریزه خشم (عصبانیت) غریزه جنسی (شهوت) غریزه عادت آزادی طلبی غریزه ترس غریزه برتری طلبی روح تقلید از دیگران هوس و خواهش ها دوست یابی و علاقه به دیگران غریزه خوردن و آشامیدن * * * * * خطبه ۲۷/۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰هـ) ۲- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۱ ص ۹۷ و ۳۱۲ و ج ۲ ص ۲۹۷: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸هـ) ۴- منهاج البراعه ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸هـ). نهج البلاغه المعجم المفهرس، خطبه ۹/۲۳۰، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۹ و ۱۹۷ ح ۶: کلینی (متوفای ۳۲۸هـ) ۲- مروج الذهب ج ۲ ص ۴۲۴: مسعودی (متوفای ۳۴۶هـ) ۳- اثبات الوصیه ص ۱۰۳: مسعودی (متوفای ۳۴۶هـ) ۴- تاریخ دمشق ج ۳ ص ۳۶۹ ح ۱۴۲۷: ابن عساکر شافعی (متوفای ۵۷۳هـ) ۵- کتاب وافی ج ۲ ص ۸۰: فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱هـ) ۶- کتاب خرائج ص ۱۸: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳هـ). حکمت ۳/۲۱۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۹۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ) ۲- روضه کافی ص ۲۲ ج ۸: کلینی (متوفای ۳۲۸هـ) ۳- أدب الدنيا والدین ص ۱۶۲ و ۱۷۳ و ۲۷۵: ماوردی (متوفای ۴۵۰هـ) ۴- سراج الملوک ص ۱۸۵: طرطوشی (متوفای ۵۲۰هـ) ۵- غرر الحکم ج ۱ ص ۹۱ و ۹۵ و ۹۷ و ۱۷۱ و ۲۴۵: آمدی (متوفای ۵۸۸هـ) ۶- دستور معالم الحکم ص ۱۵: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴هـ). نهج البلاغه المعجم المفهرس، حکمت ۲۰۸، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- غرر الحکم ص ۲۶۶ و ۲۶۵: آمدی (متوفای ۵۸۸هـ) ۲- کنز الفوائد ص ۲۵۵: کراچکی (متوفای ۴۴۹هـ) ۳- منهاج البراعه ج ۳ ص ۳۴۰: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۴- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۷۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰هـ) ۵- دعائم الاسلام ج ۱ ص ۳۴۲: قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳هـ) ۶- حلیه الاولیاء ج ۵ ص ۱۰: ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۰۲هـ). نامه ۵/۴۵ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- الخرائج و جرائح ج ۲ ص ۵۴۲ ح ۲ فصل ۲: قطب الدین راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۲- کتاب مناقب ج ۲ ص ۱۰۱: ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۳ ص ۲۴۱ ح ۲۱۵ ب ۴۴: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸هـ) ۴- روضه الواعظین ص ۱۲۷: ابن قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸هـ) ۵- استیعاب ج ۲ ص ۲۱: عبدالبر مالکی (متوفای ۳۳۸هـ).

رشد و تکامل تمایلات و غرائز انسانی

مانند: ۱- وجدان اخلاقی و دیگر ارزشهای معنوی ۲- فطرت خدا جو ۳- غرائز و تمایلات ممتاز انسانی ۴- عزت نفس و خویشتن داری ۵- علم گرائی *****

رشد و رعایت اعتدال غرائز و تمایلات مشترک بین انسان و دیگر موجودات

مانند: ۱- عصبانیت ۲- غریزه جنسی ۳- تعدیل خواهش های نفسانی ۴- ترس ۵- تخیلات شاعرانه جوانی ۶- زیبا پسندی و زینت گرائی *****

مبارزه با تمایلات دروغین و آفات رشد

اشاره

از قبیل: ۱- خودخواهی «غرور» ۲- انتقام جوئی ۳- عیب جوئی (غیبت) ۴- یأس و نومیدی ۵- افراط و تفریط ۶- تکبر و خود بزرگ بینی (عجب) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به تربیت پذیری نسل جوان و آمادگی روانی او اشاره می کند و می فرماید: *وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ*. (همانا قلب و جان و روان جوان مانند زمین خالی آماده ای است که هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد و با او رشد می کند). (۱). گفتیم که رشد تمایلات حیوانی، غریزی و طبیعی بوده و بدون مراقبت های آموزشی، تربیتی رشد می کند، جوانه می زند و همه وجود انسان را فرا می گیرد، مانند: شهوت، غضب، درنده خوئی و... در نتیجه تنها راه صحیح تربیت، ایجاد اعتدال و میانه روی، است که: ابتداء به رشد و تکامل غرائز انسانی همت نمائیم و سپس غرائز و تمایلات مشترک را تعدیل و کنترل کرده، و به مبارزه با آفات رشد پردازیم، که هرگونه سستی و مسامحه کاری زیان های جبران ناپذیری را بهمراه خواهد داشت. امام علی علیه السلام با اولویّت دادن به مسائل تربیتی نسل جوان، خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می فرماید: *فَبَدَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ، وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ، لِتَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ* (پسرم من در تعلیم و تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه قلب تو سخت گردد و عقل و فکر به امور دیگری مشغول گردد تا با تربیت و آموزش های ضروری با تصمیمی جدی و استوار به استقبال امور زندگی اجتماعی بشتابی). (۲). ***** نامه ۲۲/۳۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب رسائل: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۲- کتاب زواجر و مواعظ: حسن بن عبدالله بن سعید (متوفای قرن ۳ ه) ۳- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۲ و ۳۸۶: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- تحف العقول ص ۹۷/۵۲ و ۹۹/۶۸ و ۷۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۵- کتاب وصایا: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه) ۶- کتاب کشف المحجّه (فصل ۱۵۴) ص ۲۲۰: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه) ۷- فروع کافی ج ۵ ص ۳۳۸ و ۵۱۰ ح ۳: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه). نامه ۲۲/۳۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف (مدارک گذشته).

ارزش ها

اولویّت دادن به تربیت خویشتن

قبل از هرچیز ابتدا باید به اصل «تربیت» و بازسازی نفس خویش توجه کامل داشت، و مسائل تربیتی را بدرستی شناخت، و اصلاح و تربیت خویش را در سه مرحله اساسی یاد شده در اولویّت قرار داده و به تکامل آن همت کرد، زیرا تا ندانیم که چرا باید تربیت شویم به خودسازی و بازسازی روحيات خویش نمی پردازیم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: *أَيُّهَا النَّاسُ، تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا، وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا*. (ای مردم خودتان عهده دار تربیت نفس خویش باشید و به اصلاح

روحیات خود پردازید و آن را از کشش ها و عادت های دروغین باز دارید.(۱). ***** حکمت ۲/۳۵۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب النهایة ج ۳ ص ۳۵ (ماده صرف): ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ ه) ۲- غرر الحکم ص ۱۵۴ و ۳۵۹ / ج ۳ ص ۲۹۵: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۳- منهاج البراعة ج ۳ ص ۳۹۹: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۷۳ ذح ۲۷ ب ۴۵: مجلسی متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- غرر الحکم ج ۶ ص ۴۵۹: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه).

شناخت ارزش ها

اشاره

پس از روی آوردن به تربیت و اصلاح نفس خویش حال باید ارزش های اخلاقی را شناسائی و آنها را در روان و جان خویش زنده کرد و آبیاری نمود، نهج البلاغه در یک دیدگاه کلی به برخی از آنها اشاره می کند، مانند:

همت و خویشتن داری

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به ارزش والای همت بلند فرمود: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرْوَأَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ (میزان و ارزش هر انسانی به اندازه والائی همت او و راستگویی و صداقت هر کس به میزان جوانمردی و تعهد و شخصیت او و شجاعت هر فردی به اندازه زهد و بی اعتنائی او به دنیا است).(۱). ***** حکمت ۴۷ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- مجمع الامثال ج ۲ ص ۴۵۰: میدانی (متوفای ۵۱۸ ه) ۲- مطالب السؤل ج ۱ ص ۱۶۴: ابن طلحة شافعی (متوفای ۶۵۲ ه) ۳- غرر الحکم ص ۲۳۵ / ج ۴ ص ۸ و ۱۸۰ و ۵۰۰: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۴- سراج الملوك ص ۳۷۷: طروشی (متوفای ۵۲۰ ه) ۵- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۴ ح ۲ ب ۴۰: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۶- غرر الحکم ج ۶ ص ۲۰۳: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه).

علم و ادب

امام علی علیه السلام نسبت به نقش علم و ادب در تکامل انسان فرمود: اَلْعِلْمُ وَرَاسِمَةُ كَرِيمَةٍ، وَالْمَادَابُ حُلُلٌ مُجِيدَةٌ، وَالْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ. (علم میراث گران بهائی است و ادب و تربیت درست زینت و آرایش روح آدمی است و فکر و تفکر صحیح آئینه ای صاف و روشن است که بدی ها و خوبی ها را به انسان نشان می دهد).(۱). ***** حکمت ۵ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کثر الفوائد ص ۲۸۸: کراچکی (متوفای ۴۴۹ ه) ۲- غرر الحکم ص ۲۴۶ و ج ۱ ص ۴۰ و ۱۴۴: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۳- امتاع والمؤانسه ج ۲ ص ۳۱: ابو حیان توحیدی (متوفای ۳۸۰ ه) ۴- عدد القویة: ابن مطهر حلّی (متوفای ۳۵۵ ه) ۵- البیان والتبیین ج ۲ ص ۹۷: جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه) ۶- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۲۳۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۷- کتاب أمالی ج ۱ ص ۱۱۳: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه).

عقل و ادب و مشورت

امام علی علیه السلام ارزش والای عقل را در بی نیازی انسان اینگونه مطرح فرمود که: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ؛ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ؛ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ؛ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمَشَاوِرَةِ. (هیچ ثروت و بی نیازی چون عقل نیست و هیچ فقری همانند جهل و نادانی نمی باشد و هیچ میراثی مثل ادب نخواهد بود و هیچ پشتیبانی مانند مشورت کردن نیست.) (۱). در نتیجه با تربیت صحیح خویش ارزش های یادشده را باید در جان و روان خود بارور کنیم از قبیل: ۱- همت والا داشتن ۲- راستگویی و جوانمردی ۳- شجاعت و پرهیز از هرگونه وابستگی ۴- زهد و بی اعتنائی به جلوه های دروغین دنیا ۵- علم و دانش ۶- ادب و تربیت نفس ۷- پرورش فکر و تفکر صحیح ۸- تعقل صحیح ۹- جمع گرائی و توجه به ارزش مشورت با مردم بدیهی است که همه بدبختی ها و فرار و انکار از واقعیت ها، همه به نادانی و جهل ما از ارزش های خدادادی مربوط می شود، که خداوند بزرگ چه نعمت های گران بهایی در جان و روان ما نهاده است، اگر ما درست تربیت شویم، به عنوان اشرف مخلوقات از همه موجودات عالم برتر خواهیم بود. امام علی علیه السلام نیز به این واقعیت اشاره می فرماید که: هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ (آن کس که قدر و ارزش خود را نشناخت هلاک گردیده و سقوط خواهد کرد.) (۲). و از جهل زدگی هشدار داد که: وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ. (در نادانی و گمراهی انسان همین بس که قدر و ارزش خویش را نشناسد.) (۳). **** حکمت ۵۴ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است:

۱- تحف العقول ص ۲۰۱ و ۸۹ و ۹۴: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۲- اصول کافی ج ۱ ص ۲۶ ح ۲۵: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- کتاب أمالی ص ۱۹۳: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- دستور معالم الحكم ص ۱۷ الباب الاوّل: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴ ه) ۵- غرر الحكم ج ۳ ص ۴۳۸: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۶- کتاب بصائر و ذخائر: ابو حیان توحیدی (متوفای ۳۸۰ ه) ۷- عقد الفرید ج ۲ ص ۲۵۲: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ ه). حکمت ۱۴۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است:

۱- کتاب أمالی ص ۴۹۴ م ۱۷ ح ۵۱/۱۰۸۲: شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه) ۲- کتاب خصال ج ۱ ص ۴۶ و ج ۲ ص ۴۸۸ و ۴۲۰: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۳- کتاب طراز ج ۱ ص ۱۶۷: سید یمانی ۴- کتاب أمالی (مجلس ۶۸) ص ۲۶۲ حدیث ۹: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۵- عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۸۲ ح ۲۰۴ باب ۳۱: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه). خطبه ۹/۱۶ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است:

۱- البیان والتبیین ج ۲ ص ۵۲: جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه) ۲- غرر الحكم ج ۲ ص ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۵۹۶: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۳- النهایه ج ۱ ص ۱۳۲: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ ه) ۴- الارشاد ص ۱۲۳ و ۱۲۶ ج ۱ ص ۲۲۵ و ۲۳۳: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه).

تقوا و پرهیزگاری

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ارزش و برتری تقوا را بر دیگر ارزش های اخلاقی تذکر می دهد که: التَّقَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ. (پرهیزگاری و نگهداری خویش از زشتی ها برترین اخلاق انسانی است که همه ارزشها به آن مربوط می شود.) (۱). و استدلال فرمود که: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ابْتَدَأَ خَلْقَكُمْ... فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ (ای مردم من شما را به تقوی و پرهیزگاری و ترس از خدائی دعوت کنم که آفرینش شما را آغاز کرد... زیرا تقوی و پرهیزگاری داروی بیماری های جان و روان شماست.) (۲). **** حکمت ۴۱۰ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است:

۱- مجمع الامثال ج ۲ ص ۴۵۴: میدانی (متوفای ۵۱۸ ه) ۲- غرر الحكم ج ۱ ص ۱۹۴ و ج ۵ ص ۳۸۴: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۳- منهاج البراءه ج ۳ ص ۴۱۷: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۲۸۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- ربیع الابرار ج ۲ ص ۲۳۸ ح ۱۸ ب ۲۵: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه). خطبه ۴/۱۹۸ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است:

۱- تحف العقول ص ۱۲۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۴۹ ح ۱: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- ذیل الامالی

ص ۱۷۱: ابو علی قالی (متوفای ۳۵۶ هـ) ۴- قوت القلوب ج ۱ ص ۳۸۲: ابوطالب مکی (متوفای ۳۸۲ هـ) ۵- حلیة الاولیاء ج ۱ ص ۷۴ و ۷۵: ابو نعیم اصفهانی (متوفای ۴۰۲ هـ).

نعمت عقل و تعقل صحیح

امیرالمؤمنین علیه السلام به ارزش عقل و نقش بکارگیری آن در زندگی اشاره فرمود که: **الْحِلْمُ غَطَاءٌ سَاتِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلْمَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ.** (حلم و بردباری نیروئی است که انسان را از ارتکاب زشتی ها محافظت و عقل شمشیری است برنده که شک و تردید را از میان بر می دارد، بنابر این عیوب و نابسامانی های اخلاقی را با حلم و بردباری بیوشان و هوس های سرکش و طغیان گر را با عقلت بمیران). (۱). از دیدگاه نهج البلاغه با حلم و بردباری و با تقویت عقل و تحقق تعقل صحیح در زندگی اجتماعی، می توانیم روان خود را سالم و جامعه خود را از آلودگی ها پاک سازیم. **** حکمت ۴۲۴ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- اصول کافی ج ۱ ص ۲۰ ح ۱۳: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۲- منهاج البراعه ج ۳ ص ۴۲۴: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۳- بحار الانوار ج ۱ ص ۹۵ ح ۳۳ ب ۱: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۴- غرر الحکم ج ۱ ص ۲۰۶: آمدی (متوفای ۵۸۸ هـ) ۵- روضة الواعظین ص ۴۲۰: ابن فقیال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ هـ) ۶- بحار الانوار ج ۶۸ ص ۴۲۸ ذح ۷۶ ب ۹۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ).

صبر و استقامت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به تقویت قدرت تحمیل در برابر مشکلات فرمود: **وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَّا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا فِي إِيْمَانٍ لَّا صَبْرَ مَعَهُ.** (بر شما باد که صبر و استقامت را در هر کاری پیشه کنید که صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به تن آدمی، همانگونه که جسم بدون سر فایده ای ندارد ایمان بدون صبر و استقامت نیز نتیجه ای نخواهد داشت). (۱). و بدیهی است که بدون صبر و استقامت، در دوران بحران جوانی نمی شود از یک بهداشت روانی مطلوبی برخوردار بود. **** حکمت ۳/۸۲ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- صحیفه امام رضا علیه السلام ص ۲۵۰ ح ۱۷۸ ۲- تاریخ ج ۲ ص ۲۰۶: یعقوبی (متوفای ۲۹۲ هـ) ۳- دعائم الاسلام ج ۱ ص ۸۰: قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳ هـ) ۴- کتاب خصال ج ۱ ص ۳۱۵ ح ۹۶۹۵: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۵- عقد الفرید ج ۳ ص ۸۲: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۶- کتاب محاسن ج ۱ ص ۲۲۹ و ۲۳۳ و ۲۰۷: علامه برقی (متوفای ۲۷۴ هـ).

نعمت آگاهی

(به حدیث ۲ - علم و ادب، مراجعه کنید) ****

تربیت صحیح اسلامی

(به حدیث ۲ - علم و ادب، مراجعه فرمائید) ****

احتیاط و تدبیر در امور

امام علی علیه السلام نسبت به احتیاط و بکارگیری تدبیر در امور فرمود: **الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَالرَّأْيُ بِتَخَصُّصِ الْأَسْرَارِ.** (سعادت و پیروزی در پرتو تدبیر و احتیاط است، و تدبیر و احتیاط به تفکر صحیح بستگی دارد و تفکر صحیح به حفظ ارزش ها و اسرار مربوط می گردد.) (۱). **** حکمت ۴۸ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- نهایتاً الارب ج ۶ ص ۶۲: نویری شافعی (متوفای ۷۳۲ هـ) ۲- منهاج البراعه ج ۳ ص ۲۷۸: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۳- غرر الحکم ج ۱ ص ۲۱ و ۲۶۹ و ۲۷۱: آمدی (متوفای ۵۸۸ هـ) ۴- بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۴۱ ح ۱۴ ب ۸۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۵- نزهة الناظر ص ۴۶ ح ۱۳: حسین بن محمد (متوفای قرن ۵ هـ).

تفکر صحیح

(در رابطه با فکر و تفکر به احادیث ۲ - علم و ادب، مراجعه شود.) ****

شخصیت و بزرگواری

یکی از راه های تحقق بهداشت روانی و بازسازی جان و روان از پلیدی ها، شخصیت و بزرگواری است، کسی که ارزش های وجودی خود را می شناسد و برای آنها ارزش قائل است تن به هرگونه زشتی ها و پلیدی ها نمی سپارد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ.** (کسی که برای خود شخصیت قائل است، تمایلات پست حیوانی و شهوات در پیش روی او خوار و ذلیل می باشند.) (۱). یکی دیگر از راه های رسیدن به بهداشت روانی، زنده کردن حیا و عفت و پاکدامنی در انسان است، صفت عفت و حیا، نیروی بازدارنده ای است که انسان را از ارتکاب زشتی ها باز می دارد، که امام علی علیه السلام فرمود: **مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ، لَمْ يَرَ النَّاسُ عَيْبَهُ.** (کسی که لباس حیا و عفت، او را بپوشاند، مردم عیب او را نمی بینند.) (۲). **** حکمت ۴۴۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- مجمع الامثال ج ۲ ص ۴۵۳: میدانی (متوفای ۵۱۸ هـ) ۲- دستور معالم الحکم ص ۲۸: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴ هـ) ۳- عقد الفرید ج ۳ ص ۱۰۸: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۴- منهاج البراعه ج ۳ ص ۴۲۹: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۵- غرر الحکم ج ۵ ص ۱۶۱ و ۳۵۷ و ۱۹۵ و ۴۳۲: آمدی (متوفای ۵۸۸ هـ). حکمت ۲۲۳ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۹۸: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۲- روضه کافی ج ۸ ص ۲۳/۲۰ ح ۴: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۲ ص ۳ ح ۱۱۹۲۱: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ هـ) ۴- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۱: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۵- منهاج البراعه ج ۳ ص ۳۴۲: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۶- غرر الحکم ج ۵ ص ۳۱۱: آمدی (متوفای ۵۸۸ هـ).

راه مبارزه با آفت ها**اشاره**

بهداشت روانی و بازسازی روح آدمی به ۳ مرحله اساسی تربیتی پرورشی نیازمند است: اول - رشد و باروری ارزش ها و غرائز و

تمایلات ممتاز انسانی دوم - تربیت و تعدیل غرائز مشترک بین انسان و حیوان سوم - مبارزه با تمایلات دروغین شیطانی «آفت زدائی» اگر در تربیت خود و جامعه انسانی مراحل یاد شده را به دقت رعایت کنیم و ابتداء ارزشهای انسانی را شناخته و بارور سازیم و همزمان با رشد ارزشهای انسانی، تمایلات دروغین شیطانی را سرکوب، و از جان و دل خود ریشه کن کنیم، اگر غرائز و تمایلات را تعدیل کنیم، به بهداشت روانی مطلوبی نائل می گردیم، و جان و جهان رنگ دیگری خواهد گرفت و آینده انسان به گونه مطلوب و صحیحی، رقم خواهد خورد و بسیاری از مفسد و انحرافات فکری، اجتماعی، دامنگیر انسان، مخصوصاً نسل جوان نخواهد شد.

تعریف و اقسام غرائز و تمایلات

برخی از غرائز و تمایلات انسانی، از ویژگی های روح آدمی بوده و در سایر حیوانات یافت نمی شوند، که به آنان غرائز ممتاز انسانی، الهی نیز می گویند. مانند: علم گرائی، عشق به کشف حقائق، نعمت عقل و فکر و تفکر صحیح، تدبیر و احتیاط، آینده نگری، حیا و عفت و پاکدامنی، فطرت خدا جو، وجدان اخلاقی و... که در فصل اول به برخی از آنان اشاره گردید. بعضی دیگر از غرائز و تمایلات، اختصاص به انسان ندارد، بلکه در حیوانات نیز وجود دارد که به آنها غرائز مشترک بین انسان و حیوان می گویند. مانند: غریزه جنسی، غریزه خشم و عصبانیت، غریزه برتری طلبی، غریزه تقلید و دنباله روی، غریزه علاقه به فرزند، غریزه حب بقاء و حیات، غریزه خود دوستی، غریزه عادت و تربیت پذیری و... و دسته ای دیگر، تمایلات و خواهش های دروغین شیطانی می باشد که باید آنها را سرکوب و از جان و روان انسان ریشه کن نمود، مانند: حسد کینه ورزی انتقام گیری دروغگوئی نفاق و دورویی بُز دلی ذلت پذیری غرائز و تمایلات مشترک بین انسان و حیوان دارای جنبه های گوناگونی بوده و از نظر تربیت و مسائل اخلاقی اهمیت فراوانی دارند، که باید آنها را شناسائی و با رشد و باروری آنها تداوم نسل انسان و نیازمندی های مادی و معنوی و اجتماعی را تحقق بخشید. و هم باید آنها را کنترل و تعدیل کرد تا طغیان نکنند و وجود انسان را در اختیار خویش نگیرند. بنابر این در صورتی که این سلسله غرائز مشترک پس از رشد و تبلور تعدیل نگردند و در کنترل عقل و دین و ارزش های اخلاقی قرار نگیرند، تبدیل به موجودی ناقص و یک بُعدی و شرور و فساد گر و درنده خو خواهد شد. هم بدون آنها نمی شود زندگی کرد، و هم بدون تعدیل و کنترل آنها نمی شود رنگ آرامش و تکامل و تمدن و عدالت و سعادت را دید. شهوت و غضب و حب مال و فرزند و خود دوستی مانند آب موج و سیلاب های ارزشمند هستند که اگر نباشند زندگی و حیات و کشاورزی در خطر جدی است، و اگر باشند و در پشت سدهای مستحکم کنترل و تعدیل نگردند ویرانگردند و خانمان سوز، در نتیجه برای تحقق بهداشت روانی، باید به تربیت و کنترل و تعدیل این دسته از غرائز و تمایلات توجه کامل داشته باشیم. ****

راه کنترل غرائز و تمایلات مشترک

غریزه خشم (عصبانیت)

در زندگی اجتماعی انسان و در جهان حیوانات طبیعی است که حمله و هجوم وجود دارد و باید هر موجود زنده ای دارای قدرت دفاعی و ابزار و وسائل حفظ و نگهداری خویش، و پاسخگوئی به تهاجم دشمن را داشته باشد، که خداوند حکیم جهان آفرین به هر موجود زنده ای متناسب با نوع نیاز و چگونگی دفاع، آن وسائل دفاعی لازم به همه آنها داده است که غریزه خشم یکی از آنهاست، پس غریزه خشم، در رابطه با دفاع از جان و مال و ناموس فرد و جامعه، مقدس و ارزشمند است و به کارگیری آن نوعی جهاد و پیکار بحساب می آید. اما اگر تعدیل نشود و در مسیر خدائی و دفاع از فرد و جامعه قرار نگیرد ویرانگر و نشانه جنون و

دیوانگی است. که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ، فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُشْتَبِحٌ بِكُمْ.** (تند خوئی و عصبانیت بیهوده، نوعی جنون و دیوانگی است چرا که صاحبش زود پشیمان می گردد، امّا اگر پشیمان نشود جنونش کامل است.) (۱). بنابراین غریزه خشم یکی از نعمت های الهی است که می توان پس از تربیت و کنترل و تعدیل در جهت انسانی از آن بهره مند گردید، و دفاع مقدّس را سامان داد. **** حکمت ۲۵۵ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- غرر الحکم ص ۵۲ / ج ۲ ص ۱۱۷: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۲- الحکم المنثور ص ۵۶۳: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶ ه) ۳- منهاج البراءة ج ۳ ص ۳۴۷: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲۶۶: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه).

غریزه جنسی (شهوت)

تداوم و بقاء هر موجود زنده ای به غریزه جنسی بستگی کامل دارد، امّا اگر غریزه شهوت تربیت و کنترل و تعدیل نگردد، فرد و جامعه را به سقوط می کشاند. که امام علی علیه السلام رهنمود داد: **فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً نَزَعَتْ عَنْ شَهْوَتَيْهِ، وَقَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ** (پس رحمت خداوند بر کسی باد که تسلیم شهوت خویش نشود و هوس های سرکش نفس را ریشه کن سازد.) (۱). **** خطبه ۳/۱۷۶ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- ربیع الابراج ج ۲ ص ۲۵۷ و ۱۳۰ ج ۳ ص ۳۱۶: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۴۴۳ ح ۱ و ج ۱ ص ۱۳۹: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- کتاب محاسن ص ۶ ح ۱۸ ب ۱ باب الثلاثة: برقی (متوفای ۲۸۰ ه) ۴- کتاب أمالی ص ۲۰۹ (مجلس ۴۴ ح ۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۵- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۶۲: عیاشی (متوفای ۳۰۰ ه) ۶- تحف العقول ص ۷۱ و ۲۹۳: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه).

غریزه عادت

یکی از حکمت های شگفتی آفرین پروردگار هستی، خلق غریزه «عادت» در موجودات زنده است، زیرا موجودات با این غریزه مقدس، تربیت پذیر می گردند، و زود بر مشکلات غلبه می کنند، و قادر به انجام کارهای سخت و توان فرسا می شوند، اگر غریزه عادت نبود، سیستم زندگی انسان ها و دیگر موجودات زمینی با نظمی ایده آل تحقق پیدا نمی کرد، امّا اگر تعدیل و راهنمایی نگردد، انسان به انواع زشتی ها و بدی ها خُو می کند و خطرناک ترین و زشت ترین عمل، برای او به صورتی معمولی جلوه می نماید و انواع اعتیاد دامنگیر او می شود، در این رابطه نقش مذهب، و وجود الگوهای کامل مانند پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و ارزش های اخلاقی در سعادت و تکامل بشر روشن می گردد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه هشدار داد: **كَلِمَةٌ أَلَمْتُ بِهَا نَفْسِي، وَأَعْدَلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا** (ای مردم خود عهده دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشش عادت ها باز دارید که به هر چیز بدی معتاد نگردد.) (۱). **** حکمت ۲/۳۵۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف (مدارک گذشته).

آزادی طلبی

میل به آزادی و استقلال، ریشه تمام خوبی ها، و راه صحیح رسیدن به سعادت و تکامل، و مبارزه با ظلم و ستم و استبداد است، امّا نباید فراموش کنیم که سوءاستفاده از آزادی نیز محکوم است، نباید با بهانه میل به آزادی، از اجرای قوانین الهی و اجتماعی سرپیچی نمود و یا از پدر و مادر و اساتید و مربیان دلسوز روی گردان شد، و یا به بهانه آزادی، انواع برده گی ها و فساد زدگی ها

را به جان خرید که مخالف آزادی واقعی انسان است. امام علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید: یا مالک فأمّ لک هَوَاکَ وَشَحَّ بِنَفْسِکَ عَمَّا لَا یَحِلُّ لَکَ (ای مالک عنان هوا و هوس را در دست گیر و از آزادی بی بند و بار بپرهیز و از آنچه حلال نیست دوری کن). (۱). در جای دیگری به کمیل بن زیاد دستور می دهد که خانواده خود را با نظارت و سرپرستی صحیح به سوی خوبی ها رهنمون باشد. که حضرت فرمود: یَا کَمِیلُ، مُرْ أَهْلَکَ أَنْ یُرُوْحُوا فِی کَسْبِ الْمَکَارِمِ، وَیُدْلِجُوا فِی حَاجِیْهِ مِنْ هُوَ نَائِمٌ! (ای کمیل! خویشان و بستگان خود را وادار کن که روزها به دنبال کسب مکارم و فضائل اخلاقی بروند و شب ها در پی بر آوردن حاجت کسانی که در خوابند باشند). (۲). و به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: وَلَا تَکُنْ عَیْدَ غَیْرِکَ وَقَدْ جَعَلَکَ اللَّهُ حُرّاً (فرزندم، بنده و برده دیگری مباش چرا که خداوند تو را آزاد آفریده است). (۳). **** نامه ۷/۵۳ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۱۲۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۲- دعائم الاسلام ج ۱ ص ۳۵۰: قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳ ه) ۳- نهیة الارب ج ۶ ص ۱۹: نویری شافعی (متوفای ۷۳۲ ه) ۴- فهرست نجاشی ص ۷: نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه). حکمت ۱/۲۵۷ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- غرر الحکم ص ۳۱۴ / ج ۳ ص ۳۱۱: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۲- کتاب مستطرف ج ۱ ص ۱۱۴: ابشهی (متوفای ۵۸۰ ه) ۳- ربیع الابرار ج ۳ ص ۱۹۴ ح ۱۴۰ ب ۴۳: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۴- منهاج البراعه ج ۳ ص ۳۴۷: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۵- غرر الحکم ج ۶ ص ۱۰۸: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۶- بحار الانوار ج ۱ ص ۲۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). نامه ۸۷/۳۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب رسائل: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۲- کتاب زواجر و مواعظ: حسن بن عبد الله بن سعید (متوفای قرن ۳ ه) ۳- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۲ و ۳۸۶: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- تحف العقول ص ۹۷/۵۲ و ۹۹/۶۸ و ۷۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه).

غریزه ترس

ترس به اندازه ای که روح احتیاط و تدبیر را در ما ایجاد کند، و از عواقب گناهان و زشتی ها و سقوط شخصیت و ارزش ها بترساند خوب است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى، وَدُعِيَ إِلَى رِشَادٍ فَدَنَا، وَأَخَذَ بِحُجْرَةٍ هَادٍ فَتَجَا. رَاقِبَ رَبِّهٖ، وَخَافَ ذَنْبَهُ، (خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه ای بشنود فراگیرد... و از نظارت و مراقبت خدا بر اعمالش غفلت نکند و همواره از گناهانش بترسد). (۱). اما اگر غریزه ترس، کنترل و تعدیل و راهنمایی نشود انسان را به انزوا طلبی و زبونی و سستی و شک و تردید و بُردلی می کشاند، که باید با آن مقابله شود. امام علی علیه السلام در این رابطه فرمود: إِذَا هَبَّتْ أَمْرًا فَفَقِعْ فِيهِ، فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ. (هنگامی که نسبت به چیزی دچار ترس موهوم و بیهوده شدی، خود را در آن بیفکن و همان کار را شروع کن زیرا گاهی ترس از آن چیز سخت تر از انجامش می باشد). (۲). یعنی اگر ترس می خواهد ما را به سستی و مسامحه کاری و تبلی بکشاند راه مبارزه با آن شجاعت و بی باکی در انجام کارهای مثبت است. **** خطبه ۱/۷۶ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۱۵۱: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۲- کنز الفوائد ص ۱۶۲: کراجکی (متوفای ۴۴۹ ه) ۳- مطالب السؤول ج ۱ ص ۵۹: ابن طلحه شافعی (متوفای ۶۵۲ ه) ۴- عیون الحکم والمواعظ ص ۲۶۱ ط جدید: واسطی (متوفای ۶۰۰ ه) ۵- ربیع الابرار ج ۱ ص ۲۳۱: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه). حکمت ۱۷۵ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- غرر الحکم ص ۱۴۲ / ج ۳ ص ۱۷۲: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۲- کتاب طراز ج ۱ ص ۱۶۸: سیدیمانی ۳- منهاج البراعه ج ۳ ص ۳۳۰: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۶۲ ح ۶ ب ۸۹: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- ربیع الابرار ج ۵ ص ۳۱۱ ح ۲۲: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۶- المستطرف ج ۱ ص ۲۱۹ ب ۳۲: ابشهی (متوفای ۸۵۲ ه).

غریزه برتری طلبی

این که هر موجود زنده ای علاقه دارد از دوستان و هم نوعان خود جلو باشد، و به پیش بتازد، صفت سازنده ای است، اما اگر این غریزه تربیت و تعدیل نشود و به خودسری و خودخواهی، برتری طلبی و زور گوئی و طرد و محکوم کردن دیگران بیانجامد، فاجعه آمیز و ویرانگر خواهد شد، و ریشه هر گونه استبداد و استثمار و استعمار اقتصادی فرهنگی است و باید با آن مبارزه نمود و در چهارچوب حرکت تکاملی نگهداشت تا منشأ مسابقات و سرعت عمل در خوبی ها شود و از حدود خود تجاوز نکند. در این رابطه، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر نوشت: يَا مَالِكُ، وَإِيَّاكَ وَالْإِسْتِثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ... فَإِنَّهُ مَاخُوذٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ (ای مالک از امتیاز خواهی برای خود در آنچه را که مردم با تو مساوی هستند بپرهیز... چرا که به زودی محاکمه و بازخواست خواهی شد و همه چیز از تو گرفته می شود). (۱). و تفوق طلبی را در چهره پسندیده اش چنین توصیف می فرماید که: اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ، وَسَمِعَ وَأَجَابَ، لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بِالصَّلَاةِ. (بار خدایا تو می دانی که من نخستین کسی هستم که به سوی تو بازگشته و ندای تو را شنیده و اجابت کردم، و هیچ کس جز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در نماز خواندن بر من سبقت نگرفت). (۲). **** نامه ۱۴۹/۵۳ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف (مدارک گذشته). خطبه ۴/۱۳۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تذکره الخواص ص ۱۱۴ ب ۶: ابن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ ه) ۲- دعائم الاسلام ص ۵۳۱ ج ۲ ح ۱۸۸۶: قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳ ه) ۳- کتاب النهایة ج ۵ ص ۲۷۰: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ ه) ۴- کتاب مناقب: ابن جوزی حنفی (متوفای ۵۶۷ ه) ۵- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۱۱۱: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه).

روح تقلید از دیگران

روح تقلید و پیروی از دیگران اگر در مسیر سمبل خواهی و انتخاب الگوهای کامل بوده و در جهت خوبی ها و ارزشهای اخلاقی و مسیر تکاملی باشد، پسندیده و مطلوب است، زیرا پیروی جاهل از عالم، غیر متخصص از متخصص، اساس تکامل فرد و جامعه انسانی است، که امام علی علیه السلام می فرماید: أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزُمُوا سَمَتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى (به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بنگرید و از آن سمت که آنها گام بر می دارند بروید و منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید، آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند). (۱). اما اگر روح تقلید و اطاعت، تعدیل و رهنمون نگردد، ممکن است جای آن را تقلید کورکورانه گرفته و انحرافات و بدبختی های اجتماعی دامنگیر جوامع انسانی بشود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وَلَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ، وَخَلَطْتُمْ بِصَحْتِكُمْ مَرَضَهُمْ، وَأَدْخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ، وَهُمْ أَسَاسُ الْفُسُوقِ (از آن دعوت کنندگانی که قلب پاکشان را در اختیار آب تیره نفاق و دورویی قرار داده اند اطاعت نکنید، آنها که تندرستی خویش را با بیماری آنها آمیخته اید و باطلشان را در حق خود راه داده اید، زیرا آنها اساس و ریشه گناهانند). (۲). مانند غرب زدگی جوامع عقب مانده و فساد گرائی آنان، که مولوی می گوید: خلق را تقلید شان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد **** خطبه ۱۲/۹۷ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- البیان و التبيين ج ۲ ص ۵۳ خطبه علی علیه السلام: جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه) ۲- عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۳۶: ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ه) ۳- اخبار الطوال ص ۲۱۱: دینوری حنفی (متوفای ۲۹۰ ه) ۴- الغارات ج ۲ ص ۴۷۴ و ۴۷۵: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ ه) ۵- الکامل ج ۱ ص ۱۳ و ۲۳: مبرد (متوفای ۲۸۵ ه). خطبه ۳۲/۱۹۲ نهج البلاغه المعجم

المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب الیقین ص ۱۹۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه) ۲- فروع کافی ج ۴ ص ۱۹۸ الی ۲۰۱ ح ۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۵۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- ربیع الابرار ص ۳۳۳ ج ۱ و ج ۵ ص ۱۷۵: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه).

هوس و خواهش ها

در هر موجود زنده ای بر اساس رشد و بارور شدن غرائز گوناگون، تمایلات و خواهش های متفاوتی نیز وجود دارد، و تا حدودی طبیعی و لازم است. باید خواسته های طبیعی، شهوت و میل به آزادی و علاقه به همسر داری و بچه داری و مال دوستی را در حدود قوانین دینی و ضوابط و مقررات صحیح جوامع بشری پاسخ مثبت داد، اما اگر تمایلات و خواهش های نفسانی کنترل و تعدیل نگردند، و بر انسان غلبه کنند، انواع انحرافات و کج روی ها را به دنبال خواهند داشت، که امام علی علیه السلام فرمود: وَمَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ. فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً نَزَعَ عَنْ شَهْوَتِهِ (هیچ گناه و زشتی یافت نمی شود جز اینکه از تمایلات و خواهش های نفس انسان پدید می آیند، پس خدا رحمت کند کسی را که از شهوات و خواهش های دل دوری کند). (۱). و در کلام ارزشمند دیگری فرمود: إِنَّ الْجَنَّةَ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ النَّارَ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ (به درستی که بهشت سعادت در تحمل ناراحتی ها و مشکلات نهفته است و دوزخ و عذاب الهی در لابلای تمایلات و خواهش های نفس قرار دارد). (۲). و ادامه داد که: فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلِمًا عَنِ الشَّهَوَاتِ؛ وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ اجْتَنَّبَ الْمُحَرَّمَاتِ (کسی که مشتاق بهشت باشد از شهوات و تمایلات سرکش دوری می کند و آنکس که از آتش جهنم بیمناک باشد از کارهای حرام پرهیز می نماید). (۳). **** خطبه ۳/۱۷۶ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- ربیع الابرار ج ۲ ص ۲۵۷ و ۳۰ و ج ۳ ص ۳۱۶: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۴۴۳ ح ۱ و ج ۱ ص ۱۳۹: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- کتاب محاسن ص ۶ ح ۱۸ ب ۱ باب الثلاثه: برقی (متوفای ۲۸۰ ه) ۴- کتاب أمالی ص ۲۰۹ (مجلس ۴۴ ح ۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۵- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۶۲: عیاشی (متوفای ۳۰۰ ه) ۶- تحف العقول ص ۷۱ و ۲۹۳: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه). خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف (مدارک گذشته). حکمت ۲/۳۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- عیون الاخبار ج ۲ ص ۳۲۹: ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ه) ۲- البیان والتبیین ج ۲ ص ۱۴۸: ابو عثمان جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه) ۳- کتاب محاسن و اصداد ص ۱۳۲: ابو عثمان جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه) ۴- مروج الذهب ج ۲ ص ۴۱۹: مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه) ۵- محاسن و مساوی ص ۳۵۸: بیهقی شافعی (متوفای ۵۶۹ ه) ۶- تاریخ یعقوبی (ابن واضح) ج ۲ ص ۲۰۸: یعقوبی (متوفای ۲۹۲ ه).

دوست یابی و علاقه به دیگران

هر موجود زنده ای با هموعان و کسانی که با آنها در ارتباط است، علاقه و محبت پیدا می کند و با آنان دوست می گردد، مانوس می شود و آنها را مورد توجه قرار می دهد. روح دوست یابی و علاقه به دیگران در انسان، از دیگر انواع موجودات، بیشتر و دارای ویژگی ها و امتیازات ارزشمندی است و باید این غریزه را رشد داد و بارورش کرد، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنِ عَجَزَ عَنِ الْمَاءِ خَوَانٍ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنِ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ (عاجز ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز باشد و از او عاجز تر کسی است که دوستان به دست آمده را از دست بدهد). (۱). امّا اگر این علاقه و غریزه انسانی تعدیل نگردد، و بر اساس ضوابط و شرایط عاقلانه ای نباشد، بسیاری از دوست یابی ها، دروغین و شیطانی خواهد شد و همه ارزش های فردی و خانوادگی انسان را بر باد خواهند داد، خصوصاً دوستی هایی که بر اساس عشق ها و علاقه های کاذب و

زودگذر بنیان گردد. که امام علی علیه السلام هشدار دادند: وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعْشَى بَصَرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَحِيحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ (کسی که به چیزی بیهوده عشق می ورزد آن عشق و علاقه دروغین نابینایش می کند، و قلبش را بیمار می سازد، دیگر او با چشمی معیوب می نگرد و با گوشه غیر شنوا می شنود و خواسته های دل، عقل او را نابود می سازد.) (۲). و آنگاه راه تعدیل دوست یابی را معرفی فرمود که: أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا (دوست خود را به عقل و درایت در حد اعتدال دوست بدار چرا که ممکن است روزی دشمن تو گردد «پس همه اسرار را به دوستان منتقل نکن» (۳). **** حکمت ۱۲ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- ذیل الامالی ص ۱۱۰: ابو علی قالی (متوفای ۳۵۶ ه) ۲- الحکم المنثور: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶ ه) ۳- کتاب الموشی ج ۱ ص ۱۹: و شاء (متوفای ۳۲۵ ه) ۴- عیون الاخبار ج ۳ ص ۱: ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ه) ۵- بحار الانوار ج ۷۱ ص ۲۷۸ ح ۱۲ ب ۱۸: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). خطبه ۱۴/۱۰۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- عقد الفرید ج ۴ ص ۱۴۲ کتاب الواسطه: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ ه) ۲- ربیع الابرار (باب الملائکه): زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۳- غرر الحکم فصل شرح حال پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۴- منهاج البراعه ج ۱ ص ۴۶۱: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۵- بحار الانوار ج ۴ ص ۳۱۷ و ج ۶ ص ۱۶۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). حکمت ۲۶۸ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب الظرف و الظرفاء ص ۳۲: ابن و شاء (متوفای ۳۲۵ ه) ۲- تحف العقول ص ۲۰۱: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه) ۳- کتاب الصدیق والصدیقه: ابو حیان توحیدی (متوفای ۳۸۰ ه) ۴- قوت القلوب ج ۲ ص ۳۶۴ فصل ۴۴: ابو طالب مکی (متوفای ۳۸۲ ه).

غریزه خوردن و آشامیدن

هر موجود زنده ای برای تداوم حیات و بقاء خود باید بخورد و بیاشامد و طبیعی است که در خوردن و آشامیدن از انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها لذت می برد، استراحت می کند و انسان نیز از این قانون حیاتی جدا نمی تواند باشد، اما باید توجه داشت، که خوردن و آشامیدن هم از نظر بهداشت تن باید مورد دقت و توجه باشد تا به انواع آلودگی ها مبتلا نشد و هم از نظر بهداشت روانی باید کنترل و تعدیل شود که هر غذائی را مصرف نکرد و به حریم جان و مال مردم تجاوزی صورت نگیرد، خوردن و آشامیدن نباید برای انسان اصل باشد و هدف قرار گیرد تا در این راه همه ارزش های انسانی خود را فدا کند، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هشدار داد که: وَلَمَّا تَدْخَلُوا بُطُونَكُمْ لَعَقَ الْحَرَامِ، فَإِنَّكُمْ بَعَيْنٍ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ، وَسَيَهْلَ لَكُمْ سَبِيلَ الطَّاعَةِ. (لقمه های حرام را وارد شکم خویش نسازید زیرا شما در پیشگاه خداوندی هستید که گناهان را بر شما حرام کرده است و راه های اطاعت و سعادت را برای شما آسان ساخته است.) (۱). و آنگاه در یک مقایسه اساسی فرمود: إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّهَا بُطُونُهَا؛ وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا (به درستی که حیوانات تمام همیشان برای شکم آنهاست و درندگان تمام تلاش و همیشان تجاوز و خشم به دیگران است.) (۲). بنابر این انسان که اشرف مخلوقات و خلیفه خدا در زمین است، باید اینگونه تمایلات مادی را نیز کنترل و تعدیل کرده و به ارزش های اخلاقی خود بیشتر توجه کند تا بتواند بر مشکلات غلبه کند و به سعادت واقعی رسیده و چهره زیبای حقیقت را نظاره گر باشد. **** خطبه ۱۶/۱۵۱ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب طراز ج ۱ ص ۳۳۴: سید یمانی ۲- بحار الانوار ج ۳۴ ص ۲۲۶ ح ۹۹۶: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۳- منهاج البراعه ج ۲ ص ۷۹: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۳۷: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶ ه) ۵- فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۹: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه). خطبه ۱۲/۱۵۳ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۹ ح ۴ و ص ۸۱ ح ۵: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۲- غرر الحکم ص ۲۳۲ / ج ۴ ص ۴۸۲: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه)

۳- منهاج البراعه ج ۲ ص ۸۷ و ج ۳ ص ۳۷۸: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۴- کتاب توحید ص ۴۱ ح ۳ و ص ۵۷ ح ۱۴: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۵- تحف العقول ص ۱۵۴/۱۰۸ و ۱۵۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۶- فروع کافی ج ۵ ص ۸۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ).

نماز و تکامل انسان ها

اشاره

اگر انسان باید به تکامل برسد و همه ارزش انسان در پیمودن راه کمال است، پس به نماز نیازمند است، زیرا یکی از عوامل پُر جاذبه پیمودن راه تکامل، نماز است، نماز در میان دیگر جاذبه های معنوی و عبادی، نقش مهم و ارزشمندی را دارد. هم جان را صفا و شادابی می بخشد و هم زمینه پرواز در ملکوت را فراهم می کند و انسان را تا سر منزل مقصود رهنمون می گردد، با بال های نیرومند نماز، هرگز انسان سقوط نخواهد کرد و از راه تکامل باز نخواهد ایستاد، البته اگر به شرایط آن توجه داشته باشد.

شرایط پیمودن راه تکامل

نیازمندی ها و شرایط پیمودن راه تکامل را می شود در موارد زیر به ارزیابی گذاشت، مانند: از دیدگاه نهج البلاغه همه در راهند، همه در حال پیمودن راه تکامل می باشند، و همه انسان ها باید برای پیمودن راه تکامل تلاش کنند، تا دچار سیر ارتجاعی و سقوط در مسیرهای انحرافی نگردند. که امام علی علیه السلام فرمود: وَأَنْتُمْ بَنُو سَبِيلٍ، عَلَى سَفَرٍ مِنْ دَارٍ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَقَدْ أُودِئْتُمْ مِنْهَا بِالْإِزْتِحَالِ، وَأَمْرُكُمْ فِيهَا بِالزَّادِ. وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِهَذَا الْجِلْدِ الرَّقِيقِ صَبْرٌ عَلَى النَّارِ، فَارْحَمُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنَّكُمْ قَدْ جَزَبْتُمُوهَا فِي مَصَائِبِ الدُّنْيَا. (مردم! شما چونان مسافران در راهید، که در این دنیا فرمان کوچ داده شدید، که دنیا خانه اصلی شما نیست و به جمع آوری زاد و توشه فرمان داده شدید. آگاه باشید! این پوست نازک تن، طاقت آتش دوزخ را ندارد پس به خود رحم کنید، شما مصیبت های دنیا را آزمودید.) (۱). و همه می دانیم که: پیمودن راه تکامل بدون جهت یابی و هدفداری مداوم امکان پذیر نیست، اگر روند گاه راه تکامل، راه مستقیم هدایت را نشاناسند، به سر منزل مقصود نخواهند رسید، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: أَلَيْمِينَ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَأَثَارُ التُّبُوَّةِ، وَمِنْهَا مَنَفَذُ السُّنَّةِ، وَإِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ. هَلَكَكَ مَنْ ادَّعَى، وَخَابَ مَنْ افْتَرَى. مَنْ أَبْدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلَكَكَ. وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ. لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخٌ أَصْلٍ، وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعٌ قَوْمٍ. فَاسْتَبْرُوا فِي بَيوتِكُمْ، وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ، وَالتُّبُوَّةُ مِنْ وَرَائِكُمْ، وَلَا يَحْمَدُ حَامِدٌ إِلَّا رَبَّهُ، وَلَا يَلْمُ لَائِمٌ إِلَّا نَفْسَهُ. «چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است که قرآن و آثار نبوت، آن را سفارش می کند، و گذرگاه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است، و سرانجام بازگشت همه بدان شو است. ادعا کننده باطل نابود شد، و دروغگو زیان کرد، هر کس با حق در افتاد هلاک گردید، نادانی انسان همین بس که قدر خویش نشناسد. آن چه بر اساس تقوی پایه گذاری شود، نابود نگردد، کشتاری که با تقوی آبیاری شود، تشنگی ندارد. مردم! به خانه های خود روی آورید، مسائل میان خود را اصلاح کنید، توبه و بازگشت پس از زشتی ها میسر است، جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکنید، و جز خویشن خویش دیگری را سرزنش ننمایید.» (۲). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به ضرورت پیمودن راه تکامل و ویژگی «عمومی بودن» آن، به روندگانی که با آگاهی و شناخت و اصالت و سلامت راه هدایت و کمال را پیمودند، بشارت گونه فرمود: فَطُوبَى لِيذِي قَلْبٍ سَلِيمٍ، أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ، وَتَجَنَّبَ مَنْ يُؤْدِيهِ، وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ بَصِيرٌ مَنْ بَصَّرَهُ، وَطَاعَهُ هَادٍ أَمَرَهُ، وَبَادَرَ الْهُدَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِقَ أَبْوَابُهُ، وَتُقَطَعَ أَسْبَابُهُ، وَاسْتَفْتَحَ التَّوْبَةَ، وَأَمَاطَ الْحُوبَةَ، فَقَدْ أُفِيمَ عَلَى الطَّرِيقِ، وَهَدِيَ نَهْجَ السَّبِيلِ. «خوشا به حال کسی که قلبی سالم دارد، خدای هدایتگر را اطاعت می کند، از شیطان

گمراه کننده دوری می‌گزیند، با راهنمایی مردان الهی با آگاهی به راه سلامت رسیده، و به اطاعت هدایتگرش بپردازد، و به راه رستگاری پیش از آن که درها بسته شود، و وسائش قطع گردد بشتابد، در توبه را بگشاید، و گناهان را از بین ببرد. پس به راه راست ایستاده، و به راه حق هدایت شده است.» (۳). زیرا سلامت و تداوم حرکت تکاملی فرد و جامعه، و سیر از خاک تا هستی جاویدان، و کسب ارزش های الهی، انسانی، بدون شرائط و امکانات لازم تحقق نخواهد یافت، مانند: الف - هدفداری ب - روح امیدواری ج - سیستم رابطه و ارتباط با مبدأ هستی و جهت یابی هدفداری روح امیدواری سیستم رابطه و جهت یابی **** خطبه ۱۴/۱۸۳ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک خطبه ۱۸۳ به شرح زیر است: ۱- ربیع الابرار ج ۱ ص ۵۳ (باب الثار): زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری) ۲- کتاب النهایة ج ۵ ص ۲۹۹ (ماده یفن): ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ هجری) ۳- تفسیر برهان ج ۱ ص ۹ ح ۱۵: علامه بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ هجری) ۴- منهاج البراعة ج ۲ ص ۱۹۳: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۵- بحار الانوار ج ۸۹ ص ۲۰ و ۲۱ ح ۲۰ ب ۱: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۶- غرر الحکم ج ۴ ص ۱۵۱ و ج ۳ ص ۲۱۷: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری). خطبه ۷/۱۶ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک خطبه ۱۶ به شرح زیر است: ۱- البیان والتبیین ج ۲ ص ۵۲: جاحظ (متوفای ۲۵۵ هجری) ۲- غرر الحکم ج ۲ ص ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۵۹۶: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری) ۳- النهایة ج ۱ ص ۱۳۲: ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ هجری) ۴- کنز العمال ج ۱۶ ص ۱۹۷ ذش ۴۴۲۲۰: متقی هندی ۵- مسند احمد ج ۲ ص ۱۹۱: احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری) ۶- احتجاج ج ۱ ص ۳۹ و ۱۶۲: مرحوم طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری). خطبه ۸/۲۱۴ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک خطبه ۲۱۴ به شرح زیر است: ۱- غرر الحکم: مرحوم آمدی (متوفای هجری) ۲- شرح ابی الحدید ج ۳ ص ۲۳: ابی الحدید (متوفای ۶۵۶ هجری) ۳- منهاج البراعة ج ۲ ص ۳۴۰: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۴- بحار الانوار ج ۳۰ ص ۴۲ و ۴۱ ح ۲ ب ۱۶: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- کشف المحجبه ص ۲۷۶ فصل ۱۵۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه).

هدفداری

اگر رهروان راه تکامل بدون اهداف ارزشمند حرکت نمایند، و اهداف صحیح و تکاملی را نشناسند، نمی‌توانند در این حرکت فردی، اجتماعی موفق باشند و با موانع و مشکلات راه، مبارزه کنند. هدفداری، توان لازم و شایسته ای به انسان می‌دهد تا هم ابزار و وسائل پیمودن راه را فراهم کنند و هم در برابر مشکلات فراوان، دچار یأس و ناامیدی و اضطراب نگردند، و می‌دانیم که اصولاً هر حرکت و تلاشی بدون هدفداری ارزشمند نبوده و تحقق خارجی نخواهد یافت. از نظر اسلام، انسان، تنها در پرتو معیارها و ارزش های معنوی نماز به هدفداری صحیحی نائل می‌گردد، زیرا روزی چند بار با «نیایش» و «دعا» با پروردگار خود به راز و نیاز پرداخته و خود را در رابطه با نظام آفرینش و آفریدگار این نظام هماهنگ می‌نگرد، و باور می‌کند که: «تنها نیست» و در برابر مشکلات و سختی ها کمک کننده مهربان و آگاهی، همه جا با اوست، و دست او را خواهد گرفت. اینجاست که با تفکر و ارزیابی لازم در عبارات نماز، هدفداری انسان شکل واقعی می‌گیرد. و هر انسانی در نیایش و نماز و ارتباط با پروردگار جهانیان در می‌یابد که: ۱- تمام موجودات و سراسر نظام احسن الهی تسلیم اراده خداوند بزرگ می‌باشند و همه از پروردگار همیشه ناظر و آگاه، اطاعت می‌کنند. پس ما هم فقط باید خدا را بپرستیم و بنده فرمانبردار او باشیم. (ایاک نعبد) ۲- چون همه نظام آفرینش با نظارت خدای بزرگ به حرکت منظم خود ادامه می‌دهند، ما هم باید فقط از خدا یاری بخواهیم. (ایاک نستعین) ۳- اگر همه موجودات جهان هستی با اراده خدای بزرگ به وجود آمدند و همه تسلیم فرمان خدا هستند و برای تکامل و سعادت دیگران تلاش می‌کنند، ما هم باید به فکر دیگران باشیم و همه کارهای خود را برای رضای پروردگار جهانیان انجام دهیم. که سعدی فرمود: همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری از این رو قبل از هر چیز باید «هدفداری انسان» مشخص گردد که: به کجا می‌رود؟ و چرا حرکت می‌کند؟ و برای چه چیزی تلاش می‌نماید؟ و می‌خواهد بکجا برسد؟ پس از روشن شدن اهداف

ارزنده تکاملی، آنگاه باید به حرکت و تلاش و انجام کارهای ضروری همت گماشت، زیرا عمل بدون هدف، یا اعمال و کردار بدون اهداف ارزشمند، فایده ای ندارد، و چون نماز و نیایش با پروردگار جهان نقش اساسی در هدفداری انسان دارد می تواند در سایر رفتار و کردار انسان اثر بسزائی داشته باشد، که امام علی علیه السلام فرمود: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْفَيْهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا، وَلَا تُعَجِّلْ وَفَتْهَا لِفِرَاقٍ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَفْتِهَا لِاسْتِعْجَالٍ. وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ. نماز را در وقت خودش به جای آر، نه اینکه در بیکاری زودتر از وقتش بخوانی، و به هنگام درگیری و کار آن را تأخیر بیاندازی، و بدان که تمام کردار خوبت در گرو نماز است. (۱). یعنی نماز معیار ارزش گذاری دیگر اعمال انسان است، که «هدفداری انسان» را تحقق می بخشد، و چون در جهت یابی و هدفداری انسان نقش تعیین کننده دارد، حقیقت دیگر آن است که تنها خودت نماز بخوانی کافی نیست، باید زن و فرزندان خود را به نماز وادار کنی، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سرنوشت خطرناک و عبرت آموز انسان های از کمال دور مانده را اینگونه بیان می دارد که: تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا. فَإِنَّهَا «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا». أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». وَإِنَّهَا لَتُنْحِتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ، وَتُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ، وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجْلِ، فَهَوَّ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَفْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ، وَلَا قَرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ. يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «رِجَالٌ لَمَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ». وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْجَنَّةِ، لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: «وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيَضْرِبُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. (۲). (مردم! نماز را بر عهده گیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. «نماز فریضه واجب است که در وقت های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است» (۳). آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی دهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند: چه چیز شما را بدوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نماز گذاران نبودیم» (۴). همانا نماز! گناهان را چونان برگهای پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردن ها می گشاید، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد، اگر روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. همانا کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز باز شان ندارد، و روشنایی چشمشان یعنی اموال و فرزندان مانع نمازشان نشود. خدای سبحان می فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و بر پا داشتن نماز، و پرداخت زکات باز نمی دارد» (۵). رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش» (۶). پس پیامبر صلی الله علیه وآله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکیا بود. (نام ۱۵/۲۷ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک نامه ۲۷ به شرح زیر است: ۱- کتاب الغارات ج ۱ و ۲۳۰ و ۲۲۳ و ۲۳۵ و ۲۴۹: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هجری) ۲- تحف العقول ص ۱۷۶ و ۱۷۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هجری) ۳- کتاب المجالس ص ۲۶۰ م ۳۱ ح ۳: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری) ۴- کتاب أمالی ص ۲۵ - ۲۴ م اول ح ۳۱/۳۱: شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری) ۵- منیة المرید (به نقل بحار): شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ هجری). خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک این خطبه به شرح زیر است: ۱- بحار الانوار ج ۷۲ ص ۱۱۶ ح ۱۶ ب ۵۰: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۲- فروع کافی ج ۵ ص ۳۶ ح ۱ و ۳۸ (کتاب الجهاد): مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری) ۳- منهاج البراءة ج ۲ ص ۳۰۵: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۴- تفسیر برهان ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۵: مرحوم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه) ۵- مرآة العقول ج ۱۸ ص ۳۶۶: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). سوره نساء آیه ۱۰۳. سوره مدثر آیه ۴۳. سوره نور آیه ۳۷. سوره طه آیه ۱۳۲.

پیمودن یک راه طولانی تکاملی با آن همه مشکلات و گرفتاری های موجود، به «روح امیدواری» و «آینده نگری» صحیحی بستگی دارد زیرا قبل از حرکت، انسان از خود می پرسد که: الف - آیا حرکت و رفتن من به نتیجه خواهد رسید؟ ب - آیا مشکلات فراوان، حرکت مرا متوقف نخواهد کرد؟ ج - آیا انواع مشکلات و خطرات را از راه تکامل می توان برداشت؟ د - آیا توان و استعداد پیمودن راه تکامل را خواهیم داشت؟ و ده ها پرسش و آيا، آياهای ديگر، در آغاز حرکت، در برابر دیدگان ما سبز خواهند شد که برای پاسخگویی درست و پیدا کردن روحیه قوی و اراده مستحکم و خلل ناپذیر، به «روح امیدواری» نیازمندیم، امیدواری، همه سیاهی های دل را می زداید، و افق نورانی آینده را به درستی در جان انسان آشکار خواهد ساخت، و هر گونه یأس و شک و دودلی و اضطراب را از روان آدمی خارج می سازد، و بدیهی است که بدون «امیدواری» نمی توانیم حتی یک قدم مثبت و سازنده ای برداریم. همه می پرسند: حال که روح امیدواری نقش بسیار مهم و سازنده ای در حرکت های تکاملی دارد، راستی چگونه باید آن را به دست آورد؟ و همواره امیدوار و شاداب و مصمم به زندگی تداوم بخشید؟ پاسخ سوال یاد شده را باید در فلسفه «نماز» و «راز نیایش» انسان با خدای هستی آفرین، جستجو نمود، زیرا در فرهنگ نماز باورهای گوناگون و سازنده ای مطرح است، که حضرت فرمود: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ (۱). (نماز عامل تقرب و نزدیک شدن پرهیزکاران با خداست.) که چگونگی پیدایش «روح امیدواری» با توجه به فلسفه نماز به شرح زیر امکان پذیر است: الف - جهان و انسان آفریده خدای بزرگند و با نظارت دائمی پروردگار نظام آفرینش به حرکت منظم خود تداوم می بخشند. (الحمد لله رب العالمين) ب - امدادهای الهی و نظارت دائمی و عمومی خدا همواره در جهان آفرینش تحقق می پذیرد و هر گاه که انسان دعا کند و کمک بخواید دست او را خواهند گرفت، که می گوید: (و اياك نستعين). ج - انسان در نظام آفرینش و در برابر مشکلات و خطرات فراوان تنها نیست که با نماز و نیایش به قدرت مطلقه و بی نظیر پروردگار جهان متصل است و با او در ارتباط خواهد بود. در نتیجه با خواندن نماز در اوقات مشخص شبانه روز، و تکرار کلمه «اَيَاكَ نَعْبُدُ» و «اَيَاكَ نَسْتَعِينُ» (فقط تو را عبادت می کنم و فقط از تو یاری می طلبم) روح امیدواری، سراسر وجود ما را در بر می گیرد و همه زوایای جان آدمی را روشن می کند و انسان سراسر حرکت و تلاش می گردد که: برخیز، حرکت کن، تلاش و کوشش نما، و پیروزی از آن تو است که امدادهای الهی همواره دست گیر تو در مشکلات خواهد بود. از این رو در «فرهنگ نماز» انسان تنها نیست که در رابطه با خدا و نظام هستی تفسیر می گردد. امام علی علیه السلام با توجه به نقش نماز در ایجاد «روح امیدواری» رهنمود می دهد که: اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ، وَسَمِعَ وَأَجَابَ، لَمْ يَسْئَلْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالصَّلَاةِ. (خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد، و دعوت تو را شنید و اجابت کرد، در نماز، کسی از من جز رسول خدا صلی الله علیه وآله پیشی نگرفت.) (۲). ابن سینا، آن دانشمند بزرگ اسلامی نیز با استفاده از فرهنگ نماز و در خطب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: هر گاه در یکی از مسائل مشکل علمی کسی نبود مرا یاری کند وضوء گرفته و به مسجد می رفته و پس از خواندن دو رکعت نماز حل آن مشکل علمی را از خداوند بزرگ می طلبیدم در نتیجه مشکل علمی من بر طرف می گردید. **** حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک حکمت ۱۳۶ به شرح زیر است: ۱- تحف العقول ص ۲۲۱ و ۱۱۰: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هجری) ۲- کتاب خصال ج ۲ ص ۶۲۰: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری) ۳- منهاج البراعة ج ۳ ص ۳۰۹: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۴- غرر الحکم ج ۵ ص ۱۹: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری) ۵- فروع کافی ج ۵ ص ۹: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری) ۶- وسائل الشیعه ج ۸ ص ۱۵: مرحوم شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه) ۷- ربيع الابرار ج ۵ ص ۲۵۲ ح ۱۱۴: زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه) ۸- تيسير المطالب ص ۲۸۵ ب ۲۶: سيد ابوطالب (متوفای ۴۲۴ ه) ۹- بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۴۵: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). خطبه ۴/۱۳۱ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک خطبه ۱۳۱ به شرح زیر است: ۱- تذكرة الخواص ص ۱۱۴ ب ۶: ابن الجوزی (متوفای ۵۶۷ هجری) ۲- دعائم الاسلام ص ۵۳۱ ج ۲ ح ۱۸۸۶:

قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳ هجری) ۳- کتاب النهایه ج ۵ ص ۲۷۰: ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ هجری) ۴- کتاب مناقب: ابن الجوزی (متوفای ۵۶۷ هجری) ۵- بحارالانوار ج ۳۴ ص ۱۱۰ و ۱۱۱ ح ۹۴۹: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۶- مروج الذهب ج ۳ ص ۲۲۴: مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه).

سیستم رابطه و جهت یابی

می دانیم که پیمودن یک راه طولانی و حرکت مداوم تکاملی، به «سیستم رابطه» و «جهت یابی» دقیقی نیازمند است که بدون آن، انحراف و گمراهی دامنگیر انسان خواهد شد، یک اتومبیل بدون شناختن مسیر به مقصد نمی رسد، یک هواپیما بدون «جهت یابی» نمی تواند به راه خود ادامه دهد. انسان نیز بدون جهت یابی صحیح گمراه می شود، منحرف می گردد. نماز از آن جهت اهمیت پیدا می کند و مورد توجه دقیق رهروان راه تکامل قرار می گیرد که: سیستم رابطه را تأمین نموده و رونده راه تکاملی را از هر گونه تزلزل و انحراف و اضطرابی باز می دارد، که: ره آورد جهت یابی (ایناک نعبد) و شناخت مسیر اصلی حرکت (اهدنا الصراط المستقیم) انسان را به اهداف عالی انسانی، اسلامی، خواهد رساند، تا سعادت مند گردد، و شاهد پیروزی را در آغوش گیرد، و حرکت تکاملی را تداوم بخشد. امام علی علیه السلام نسبت به نقش تعیین کننده نماز می فرماید: وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. (خدا را! خدا را! دربار نماز، چرا که ستون دین شماست.) (۱). امام علی علیه السلام با توجه به نقش اساسی نماز در تداوم حرکت های تکاملی و تأمین «سیستم رابطه» با خدای جهانیان می فرماید: تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا. فَإِنَّهَا «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». (۲). مردم! نماز را بر عهده بگیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. «نماز فریضه واجب است که در وقت های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است.» (۳). و آنگاه با توجه به «حرکت تکاملی» و ویژگی «عمومی بودن» حرکت انسان ها به سوی کمال و تکامل، و نقش نماز در تداوم حرکت های فردی و اجتماعی مسلمین، نماز را نشانه «ملیت اسلامی» معرفی می کند، که در دیگر مکتب ها و حرکت های اجتماعی انسان ها، این ویژگی ارزشمند با این شرایط و آثار ارزنده، کمتر به چشم می خورد، که نماز می تواند حرکت های عمومی را سامان بخشیده به سر منزل کمال برساند، هم عامل وحدت جامعه اسلامی باشد، و هم حرکت های دسته جمعی را هدایت کند، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَلَمْلَةُ (بر پاداشتن نماز آیین ملت اسلام است). ***** نهج البلاغه المعجم المفهرس، نامه ۵/۴۷، اسناد و مدارک نامه ۴۷ به شرح زیر است: ۱- مقاتل الطالبيين ص ۵۲ ذح ۳: ابو الفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ هجری) ۲- معمرن و وصایا ص ۱۴۹ و ۱۵۰: ابوحاتم سجستانی (متوفای ۲۴۸ هجری) ۳- تاریخ ج ۴ ص ۱۱۰ و ۱۱۳: طبری (متوفای ۳۱۰ هجری) ۴- کتاب أمالی ص ۱۱۲: زجاجی (متوفای ۳۲۹ هجری) ۵- فروع کافی ج ۷ ص ۵۲ - ۵۱: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری). سوره نساء آیه ۱۰۳. خطبه ۱/۱۹۹ نهج البلاغه المعجم المفهرس (مدارک گذشته).

فلسفه حج از دیدگاه نهج البلاغه

اشاره

آنان که پیرامون انسان به بحث و بررسی های حساب شده پرداختند می دانند که: انسان موجودی مطلق گرا، خدا گرا و خدا جوست. در روانشناسی امروز نیز به این حقیقت رسیده اند که: انسان دارای «فطرت مذهبی» و «روح خدا جوئی» است. و نتیجه می گیرند که: انسان از مذهب و گرایشات معنوی و متافیزیکی جدا نیست و پیوند میان انسان و خدا ناگسستنی است. و اعلام داشته اند که: «روح مذهبی و خدا گرائی بعد چهارم روح آدمی است.» (۱). پس انسان موجودی مطلق گرا، خدا گرا و مذهبی است که اگر

آفات معرفتی نباشد، و موانع اجتماعی و سیاسی و تربیتی، راه حقیقت جویی را بر انسان مسدود نکنند، انسان بگونه ای طبیعی خدا گرا و مطلق جو است، که یکی از ضرورت های روح خدا جو، راز و نیاز کردن است، نیایش داشتن است، دعا کردن و با خدا حرف زدن است، که این روح تشنه را چیزی جز رابطه با خدا داشتن و دعا خواندن، سیراب نخواهد کرد، که خدای انسان آفرین فرمود: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (۲). (همانا تنها با یاد خدا دل ها آرام خواهند گرفت). **** کتاب فطرت مذهبی بُعد چهارم روح آدمی: مهندس بیانی. سوره رعد، آیه ۲۸.

قبله گاه نیایش

اشاره

اگر انسان دارای فطرت خدا جوست، و اگر انسان ها «خدا گرا» و «مطلق گرا» می باشند، و نیایش و راز و نیاز کردن، از نیازمندی های طبیعی روح آدمی است، و همه انسان ها باید به «دعا» و «نیایش» و «راز و نیاز» روی بیاورند، همه دعا بخوانند، همه خدا را عبادت کنند، اولین سئوالی که مطرح می شود آن است که: نیایش ها به کدام سمت و سو، سامان گیرند؟ و همه نیایش ها، راز و نیازها چگونه هماهنگ و یکسان شکل گیرند؟ و آیا نیایش و پرستش، عبادت و راز و نیاز بدون محور وحدت، بدون قبله گاه مشخص، امکان پذیر است؟ در پاسخ به اینگونه از سئوالات است که خداوند هستی، کعبه را مطرح فرمود، تا همه راز و نیازها، عبادت ها، پرستش و نیایش ها به سوی کعبه انجام پذیرد، و نیایش بر محور قبله، کعبه سامان یابد، چونان که هر کاری، محوری، مرکزی، جایگاه خاصی می طلبد، از این رو باید همه انسان ها به سوی یک جایگاه، یک قبله گاه، خدا را عبادت کنند، تا قبله گاه نیایش دل ها را به وحدت و هماهنگی سوق داده و نیایش را هدفدار سازد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **وَقَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، يَرُدُّونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ، وَيَأْتِيَهُنَّ إِلَيْهِ وَرُودَ الْحِمَامِ، وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِنَوَاضِعِهِمْ لِعِظَمَتِهِ، وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سَمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ، وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بَعْرَشِهِ. يُحَرِّزُونَ الْأَرْيَاحَ فِي مَنَجَّرِ عِيَادَتِهِ، وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ. جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا، وَلِلْعَالَمِينَ حَرَمًا، فَرَضَ حَقَّهُ، وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».** (۱). «خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه ای که آن را قبله گاه انسان ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن روی می آورند، و همانند کبوتران به آن پناه می برند. خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش، و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد، و در میان انسان ها، شنوندگانی را برگزید، که دعوت او را برای حج، اجابت کنند، و سخن او را تصدیق نمایند، و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند، همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند، و سود های فراوان، در این عبادتگاه و محل تجارت زائران، به دست آورند، و به سوی وعده گاه آمرزش الهی بشتابند. خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا، و برای پناهندگان خانه امن و آمان قرار داد، آدای حق آن را واجب کرد، و حج بیت الله را واجب شمرد، و بر همه شما انسان ها مقرر داشت، که به زیارت آن بروید، و فرمود: (آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است) (۲). که عناوین کلی فلسفه و ره آورد حج در خطبه ۱ نهج البلاغه به شرح زیر می باشد، مانند: ره آورد حج اهمیت حج **** خطبه ۵۰ / ۱ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک این خطبه به شرح زیر است: ۱- عیون المواعظ و الحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰هـ) ۲- بحارالانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰هـ) ۳- منهاج البراعه ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۴- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ) ۵- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸هـ). آل عمران آیه

ره آورد حج

۱- تحقّق قبله گاه انسان الذی جعله قبلهً للانام خ ۵۰ / ۲۱- جایگاه روابط اجتماعی یردونه ورود الانعام خ ۵۱ / ۳۱- جایگاه عشقو یألّهون الیه ولوه الحمام خ ۵۱ / ۴۱- علامت تواضع انسان هاعلامه لتواضعهم خ ۵۱ / ۵۱- اعتراف به عزّت خداوند و اذعانهم لعزّته خ ۵۱ / ۶۱- آزمایش در لیبک گفتن و اختار من خلقه سماعاً خ ۵۱ / ۱ الف- در جواب دادن به دعوت اجابوا الیه دعوته خ ۵۲ / ۱ ب- در تصدیق سخنان خدا و صدقوا کلمته خ ۵۲ / ۷۱- قرار گرفتن در جایگاه انبیاء وقفوا مواقف انبیائه خ ۵۲ / ۸۱- همانند فرشتگان شدن شبهوا بملائکته المطیفین خ ۵۲ / ۹- تحصیل سود های فراوان یحرزون الارباح خ ۵۲ / ۱۰۱- بدست آوردن مغفرت یتبادرون عنده موعده مغفرته خ ۵۳ / ۱۱- بلندی پرچم اسلام جعله سبحانه و تعالی للاسلام علماً خ ۵۳ / ۱۲- رسیدن به حرم امن الهی و للعائذین حرماً خ ۵۳ / ۱*****

اهمیت حج

۱- وجوب اداء حقّ خداوند فرض حقه خ ۵۳ / ۲۱- حج واجب الهی و اوجب حجه خ ۵۳ / ۳۱- واجب همگانی کتب علیکم وفادته خ ۵۳ / ۴۱- جایگاه انجام فرمان خدا والله علی الناس حج... خ ۵۴ / ۵۱- وعده عذاب برای ترک کنندگان حج و من کفر خ ۵۴ / ۱ با توجه به ضرورت «قبله گاه» که متناسب با روح خداجوی انسان است که به هنگام هبوط، حضرت آدم علیه السلام همراه با ۷۰ هزار فرشته، اولین خانه ای، جایگاهی که در زمین می سازد، خانه خداست، که خداوند بزرگ فرمود: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. زیرا انسان بدون «رابطه با خدا» به کمال نخواهد رسید و سرگردان و مضطرب خواهد بود، و رابطه با خدا، بدون «نماز» و «نیایش» و عبادت و پرستش، امکان نخواهد داشت، و پرستش و عبادت نیز بدون جایگاه روشن، قبله گاه مقدّس، تحقّق نخواهد یافت. پس پیش از ساخته شدن هر خانه ای، کعبه باید ساخته شود، تا محور و مرکز و جایگاه مطمئن برای عبادت و نیایش عموم انسان ها باشد، که اولین ساخت و ساز در زمین، ساختن و پرداختن به خانه خدا و معماری «کعبه» است. بنا نهادن پایه ها و بنیان های اساسی «قبله گاه» عمومی موحدان است، وقتی کعبه ساخته شد، و محور اصلی وحدت دل ها سامان یافت، و مرکز اصلی تجمّع خدا گرایان شکل گرفت، آنگاه آدم و حوا به سازندگی پرداخته و دیگر نیازمندی ها را پاسخ دادند. *****

تجلی گاه وحدت

می پرسند: درست است که انسان خدا جوست، و نیایش و عبادت یکی از ضرورت های روح آدمی است، امّا انسان ها آزاد و دارای اندیشه های گوناگون می باشند، و افکار و عقائد و آراء متفاوتی دارند، چگونه می توان همه انسان ها را به وحدت، به همدلی، به هماهنگی فراخواند؟ آیا راهی برای وحدت دل ها یافت می شود؟ تا همه انسان ها از تفرقه ها، جدائی ها، تضادها، رهایی یابند و به وحدت برسند؟ به راه روشن الهی باز گردند، و حرکت عمومی نورانی را تداوم بخشند؟ پاسخ قرآن و نهج البلاغه

روشن است که: رمز و راز وحدت دل ها، به هم پیوستن ها، هماهنگ شدن ها، در تجلی گاه نور و سرور، خانه خدا نهفته است. این قبله گاه مسلمین است که دل ها را به هم پیوند می دهد، همه را به یک جایگاه، به یک پایگاه، به یک مرکز تجمع فرا می خواند، تا انسان ها با تمام اختلافاتی که دارند در همه رنگ ها، در همه شکل ها، با همه انسان ها، اختلاف نژادها، زبان ها، فرهنگ ها، همه در یک مراسم هماهنگ خدا را بخوانند، و همه به گرد یک پایگاه طواف کنند، خدا را بچویند، و بین دو کوه به سعی و تلاش پردازند، و شور و نشور را در عرفات، و شعار و شعور را در مشعر، و عشق و ایثار و شور را در منی، و رمز و راز با هم بودن را، به وحدت رسیدن را در کوچ کردن ها، در طواف کردن ها، در یک رنگی و یک شکلی لباس إحرام یکجا بپايند، خدا گونه شوند و چونان قطرات پراکنده به اقیانوس عظیم انسان ها بپیوندند، خود را و حقیقت انسان بودن خود را بیابند، به خدا برسند و خدائی زندگی کنند. چه نیکو سرودند که: قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره دریا دریاست مراسم حج آنچنان مهم و سرنوشت ساز است، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وَاللَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَمَا تَخْلُوهُ مِآ بَقِيَّتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَاطِرُوا. (۱). خدا را! خدا را! درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی مگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود مهلت داده نمی شوید. **** نامه ۵ / ۴۷ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک این نامه به شرح زیر است: ۱- مقاتل الطالین ص ۵۲ ذح ۳: ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای ۳۵۶ ه) ۲- معمر و وصایا ص ۱۴۹ و ۱۵۰: ابوحاتم سجستانی (متوفای ۲۴۸ ه) ۳- تاریخ ج ۴ ص ۱۱۰ و ۱۱۳: طبری شافعی (متوفای ۳۱۰ ه) ۴- کتاب أمالی ص ۱۱۲: زجاجی (متوفای ۳۲۹ ه) ۵- فروع کافی ج ۷ ص ۵۲ - ۵۱: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۶- مروج الذهب ج ۲ ص ۴۱۳ - ۴۲۵: مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه) ۷- تحف العقول ص ۱۹۸: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ ه).

جایگاه آزمودن ها، سنجش ها

یکی دیگر از ضرورت های راه «رهائی» و پیوستن به نور و کاروان آشنائی خداپرستان، پاک شدن، خالص شدن، از خود و تعلقات مادی فاصله گرفتن است، که پاک شدن و خالص ماندن نیز راه و رسمی دارد، شیوه های روشن و دستورالعمل های مشخص دارد، و سنجش ها، آزمون ها، یکی از روش های پاک شدن هاست، که یکی از ره آوردهای آن خودشناسی و پند پذیری است. خدا انسان را می آزماید، تا او را پاک کند، روح او را پالایش دهد، از ناخالصی ها رهایی بخشد، سبک بار و سبک بال کند، تا بتواند با دیگر سبک بالان به پرواز درآید. آزمودن ها، سنجش ها، محک زدن ها، برای آن است که: انسان پاک شود، به میزان خلوص ایمان خود آگاه گردد، تا قدر و منزلت خود را دریابد، توانمندی روح و ایمان خود را باز شناسد، درجات و مراتب یقین را بداند، مراتب تواضع و فروتنی خود را بشناسد، و قدرت و مقاومت و استقامت خود را به ارزیابی گذارد. و گرنه آفریدگار هستی که انسان ها را می شناسد، و از درجات ایمان و مراتب یقین آنان آگاه است، نیازی به آزمودن ندارد، دیگران می آزمایند تا بدانند، اما خداوند آگاه می آزماید تا انسان ها خود را بشناسند و عبرت گیرند. آزمودن ها برای خودسازی یک ضرورت است، برای تداوم راه یک اصل است، تا آزمایش نگردیم از ضعف ها و توانمندی های خود آگاهی نداریم، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ، سُبْحَانَهُ، اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ؛ بِأَخْبَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ، فَجَعَلَهَا بَيْنَهُ الْحَرَامَ «الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا». ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا، وَأَقْلَّ تَنَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرَأً، وَأَضْبِقَ بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ قَطْرًا. بَيْنَ جِبَالٍ حَشِينَةٍ، وَرَمَالٍ دَمِيَّةٍ، وَعُيُونٍ وَشَلَمَةٍ، وَقَرَى مُنْقَطِعَةٍ؛ لَا يَزُكُّو بِهَا حُفًّا، وَلَا حَافِرًا وَلَا ظَلْفًا. ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَوَلَدَهُ أَنْ يَثْبُتُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ. فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ، وَغَايَةً لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ. تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْنَدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قِفَارٍ سَحِيقَةٍ وَمَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ، وَجَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ، حَتَّى يَهْزُوا مِنْ كِبِهِمْ ذُلًّا يَهْلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ، وَيَزْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْنًا غُبْرًا لَهُ. قَدْ نَبَذُوا السَّرَائِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ، وَشَوْهُوا بِأَعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنِ خَلْقِهِمْ، ابْتِنَاءً عَظِيمًا، وَامْتِحَانًا شَدِيدًا، وَاخْتِبَارًا مُبِينًا، وَتَمْحِصًا بَلِيغًا، جَعَلَهُ اللَّهُ

سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ، وَوَصِيْلَةً اِلَى جَنَّتِهِ. وَلَوْ اَرَادَ سُبْحَانَهُ اَنْ يَضَعَ بَيْنَهُ الْحَرَامَ، وَمَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ، بَيْنَ جَنَاتٍ وَاَنْهَارٍ، وَسَهْلٍ وَقَرَارٍ، جَمَّ الْأَشْجَارِ دَانِي الثَّمَارِ، مُلْتَفَّ الْبُنَى، مُتَّصِلَ الْقُرَى، بَيْنَ بَرَّةٍ سَيِّمَاءَ، وَرَوْضَةٍ خَضْرَاءَ، وَأَرْيَافٍ مُخَدِّقَةٍ، وَعِرَاصٍ مُغْدِقَةٍ، وَرِيَاضٍ نَاضِحَةٍ، وَطُرُقٍ عَامِرَةٍ، لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ. وَلَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا، وَالْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا، بَيْنَ زُمُرَدَةٍ خَضْرَاءَ، وَيَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، وَنُورٍ وَضِيَاءٍ، لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ، وَلَوْضَعَ مُجَاهَدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ، وَلَنَفَى مُعْتَلَجَ الرَّبِّ مِنَ النَّاسِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ، وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ، وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ، إِخْرَاجًا لِلتَّكْبَرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، وَإِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ، وَيَجْعَلُ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ، وَأَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ (۱). (آیا مشاهده نمی کنید که همانا خداوند سبحان، انسان های پیشین از آدم علیه السلام تا آیندگان این جهان را با سنگ هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می رسانند، و نه نفعی دارند، نه می بینند، و نه می شنوند، این سنگها را خانه محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری مردم گردانید. سپس کعبه را در سنگلاخ ترین مکان ها، بی گیاه ترین زمین ها، و کم فاصله ترین دره ها، در میان کوههای خشن، سنگریزه های فراوان، و چشمه های کم آب، و آبادیهای از هم دور قرار داد، که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچکدام در آن سرزمین در آسایش نیستند. سپس آدم علیه السلام و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند، و آن را مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و بار انداز شان گردانند، تا مردم با عشق قلبها، به سرعت از میان فلات و دشت های دور، و از درون شهرها، روستاها، دره های عمیق، و جزایر از هم پراکنده دریاها به مکه روی آورند، شانه های خود را بجنبانند، و گرداگرد کعبه لاله الا الله بر زبان جاری سازند، و در اطراف خانه طواف کنند، و با موهای آشفته، و بدنهای پر گرد و غبار در حرکت باشند، لباسهای خود را که نشانه شخصیت هر فرد است در آورند، و با اصلاح نکردن موهای سر، قیافه خود را تغییر دهند، که آزمونی بزرگ، و امتحانی سخت، و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن، که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد. اگر خداوند خانه محترمش، و مکانهای انجام مراسم حج را، در میان باغ ها و نهرها، و سرزمینهای سبز و هموار، و پر درخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه ها و کاخ های بسیار، و آبادیهای به هم پیوسته، در میان گندم زار ها و باغات خرّم و پر از گل و گیاه، دارای مناظری زیبا و پر آب، در وسط باغستانی شادی آفرین، و جاده های آباد قرار می داد، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک تر می شد. اگر پایه ها و بنیان کعبه، و سنگهایی که در ساختمان آن بکار رفت از زمرد سبز، و یاقوت سرخ، و دارای نور و روشنایی بود، دلها دیرتر به شک و تردید می رسیدند، و تلاش شیطان بر قلبها کمتر اثر می گذاشت و وسوسه های پنهانی او در مردم کارگر نبود، در صورتی که خداوند بندگان خود را با انواع سختی ها می آزماید، و با مشکلات زیاد به عبادت می خواند، و به اقسام گرفتاریها مبتلا می سازد، تا کبر و خودپسندی را از دلهایشان خارج کند، و به جای آن فروتنی آورد، و درهای فضل و رحمتش را بروی شان بگشاید، و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.) و در جای دیگری به فلسفه آزمایش ها اشاره فرمود که: فلسفه عبادات اسلامی وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِيَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ، وَمُجَاهِدَةَ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ، تَشِيكِنًا لِأَطْرَافِهِمْ، وَتَخْشِيْعًا لِأَبْصَارِهِمْ، وَتَذَلُّيلًا لِنُفُوسِهِمْ، وَتَخْفِيْضًا لِقُلُوبِهِمْ، وَإِدْهَابًا لِلْخِيَلَاءِ عَنْهُمْ، وَلِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ تَغْيِيْرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتُّرَابِ تَوَاضِعًا، وَالتَّضِيْاقِ كَرَامِ الْجَوَارِحِ بِالْمَأْرُضِ تَصَاغُرًا، وَلِحُوقِ الْبُطُونِ بِالْمُتُونِ مِنَ الصِّيَامِ تَذَلُّلًا؛ مَعَ مَا فِي الزَّكَاةِ مِنْ صِيْرِفِ تَمَرَاتِ الْأَرْضِ وَغَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرِ. انظُرُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الْأَفْعَالِ مِنْ قَمْعِ تَوَاجِمِ الْفَخْرِ، وَقَدْحِ طَوَالِعِ الْكِبْرِ! (۲). (خداوند بندگانش را، با نماز و زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است، تا اعضا و جوارحشان آرام، و دیدگانشان خاشع، و جان و روانشان فروتن، و دل هایشان متواضع باشد، کبر و خودپسندی از آنان رخت بریندد، و برای آن که در سجده، بهترین جای صورت را بخاک مالیدن فروتنی آورد، و گذاردن اعضا و پرارزش بدن بر زمین، اظهار کوچکی کردن است. و روزه گرفتن، و چسبیدن شکم به پشت، مایه تواضع کردن است، و پرداخت زکات، برای مصرف شدن میوجات زمین و غیر آن، در جهت نیازمندیهای فقرا و مستمندان است. به آثار عبادات بنگرید که چگونه شاخه های درخت تکبر را در هم می شکنند، و از رویدن کبر و خودپرستی جلوگیری می کنند.)

بنابر این حج، رمز و راز هستی است، تجلی گاه وحدت، و راز به هم پیوستن هاست، کعبه محور اصلی وحدت و به هم رسیدن هاست، خانه خدا مرکز وحدت دل ها، وحدت اندیشه ها، وحدت انسان هاست. باید انسان ها به مراسم حج روی بیاورند و در اقیانوس عظیم انسان ها غرق شوند، تا خود را بیابند، همراهان همراه را باز شناسند، همراهان کاروان نور و صفا را پیدا کنند، دل ها را شستشو دهند، پاک گردند، غبار از چهره دل کنار زنند و زنگار از روح بزدایند، و آنگاه در دل نورانی و روح شاداب، خدا را، جلوه حق را، نور زلال حقیقت را نظاره باشند. ***** خطبه ۵۳ / ۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس، اسناد و مدارک این خطبه به شرح زیر می باشد: ۱- کتاب الیقین ص ۱۹۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه) ۲- فروع کافی ج ۴ ص ۱۹۸ الی ۲۰۱ ح ۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۵۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- ربیع الا-برار ص ۳۳۳ ج ۱ و ج ۵ ص ۱۷۵: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۵- اعلام النبوة ص ۹۷: ماوردی (متوفای ۴۵۰ ه) ۶- غرر الحکم ج ۱ ص ۲۹۴ و ج ۲ ص ۱۱۰: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه). خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف (اسناد گذشته).

دعا و نیایش

دعا و نیایش در میدان جنگ

خدا گرائی و نیایش در تمام حالات زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حتی در میدان های نبرد جای توجه و الگو گیری دارد که با نام و یاد خدا زندگی می کرد، دوست می شد یا خشم می گرفت یا جهاد می کرد. امام علی علیه السلام همواره قبل از آغاز نبرد، دست به دعا و نیایش بر می داشت و به یاران خویش و حتی به دشمنان نیز دعا می کرد و می فرمود: **اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، يَا اللَّهُ، يَا أَحَدُ، يَا صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اللَّهُمَّ كُفِّ عَنَّا بِأَسْ ظَمَائِمِنَ.** و یا در آغاز نبرد حروف رمز آغازین سوره مریم «كهيعص» را با صدای بلند می خواند. (۱). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه در آغاز نبرد صفین آنگاه که شنید یاران او مردم شام را ناسزا می گویند، فرمود: **إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَائِينَ، وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ، كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ، وَأَبْلَغَ فِي الْعُذْرِ، وَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ: اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ، وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ، حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلَةٍ، وَيَرْعَوْا عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ.** اخلاق در جنگ «من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردار شان را تعریف، و حالات آنان را بازگو می کردید به سخن راست نزدیک تر، و عذر پذیر تر بودید، خوب بود به جای دشنام آنان می گفتید. خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند.» (۲). ***** ناسخ التواریخ ج ۲ ص ۱۷۸. خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- اخبار الطوال ص ۱۵۵: دینوری حنفی (متوفای ۲۸۲ ه) ۲- کتاب صفین ص ۱۰۲: نصر بن مزاحم (متوفای ۲۱۲ ه) ۳- تذکره الخواص ص ۱۴۲: ابن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ ه) ۴- بحار الانوار ج ۳۲ ص ۵۶۱: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- الفتوح ج ۲ ص ۴۴۸: ابن اعثم کوفی (متوفای ۳۱۴ ه) ۶- صحیفه علویة الأولى ص ۱۸۰: السماهيجی ۷- غرر الحکم ج ۲ ص ۱۵۰: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه).

طرح شکوه ها

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه قسمت حکمت ها رهنمود می دهد که مشکلات خود را در هر جا و پیش هر کس مطرح نکنید، گرچه می توانید نزد مؤمن درد دل کنید؛ اما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درد دل ها را با خدای خود می گفت. سر در

چاه کرده، اسرار نهران را مطرح می فرمود، و هر مشکل و دردی را با خدای خود در میان می گذاشت. خدا گرائی در همه حال، در غم و شادی، و در مشکلات و سختی ها، و در همه حالات زندگی، از ویژگی های امام علی علیه السلام بود، که در مشکلات مبارزه با سران بنی امیه و تحمل سختی ها می فرمود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ! فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحِمِي، وَصَيَّرُوا عَظِيمَ مَنَزَلَتِي، وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هَيَّو لِي. ثُمَّ قَالُوا: أَلَا إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ، وَفِي الْحَقِّ أَنْ تَتْرُكَهُ. معاتبه علی الناکثین فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا تَجُرُّ الْأُمَّةُ عِنْدَ شَرَائِهَا، مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ، فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا، وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِهَمَا وَلَغَيْرِهِمَا. فِي جَيْشٍ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَانِي الطَّاعِيَةَ، وَسَيَّمَحَ لِي بِالْبَيْعَةِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فَقَدِمُوا عَلَيَّ بِهَا وَخُزَّانِ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِهَا، فَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا، وَطَائِفَةً غَدْرًا. فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصَيِّرُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لَقَتَلْتَهُ، بَلَا جُزْمَ جَزْءِهِ، لَحَلَّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ، إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا، وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا بِيَدٍ. دَعَا مَا أَنْتُمْ قَدْ قَتَلْتُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ! «بار خدایا، از قریش و از تمامی آنها که یاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می کنم، زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند، و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند، و در غضب حق من، با یکدیگر هم داستان شدند، سپس گفتند: برخی از حق را باید گرفت و برخی را باید رها کرد. (یعنی خلافت حقی است که باید رها کنی) شکوه از ناکثین طلحه و زبیر و یارانسان بر من خروج کردند، و ناموس رسول خدا صلی الله علیه و آله را به همراه خود می کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می کشانند، به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگه داشتند. پرده نشین حرم پیامبر صلی الله علیه و آله را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. لشکری را گرد آوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده، و بدون اکراه، و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند، پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمین، و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه و گروه دیگر را با حيله کشتند. به خدا سوگند! اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند و او را عمداً بدون گناه می کشتند کشتار همه آنها برای من حلال بود، زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند، و از مظلوم با دست و زبان دفاع نمودند، چه رسد به اینکه ناکثین به تعداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.»(۱). * * * * * خطبه ۴/۱۷۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- الغارات ج ۱ ص ۳۰۸: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هـ) ۲- الغارات ج ۲ ص ۵۷۰ و ۷۶۷: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هـ) ۳- کتاب رسائل (طبق نقل سیدبن طاووس): کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۴- کشف المحجبه ص ۲۴۸ فصل ۱۵۵: سیدبن طاووس (متوفای ۶۶۴ هـ) ۵- الامامه والسیاسه ج ۱ ص ۱۵۶: ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ هـ) ۶- کتاب مسترشد ص ۴۱۶ ص ۸۰: طبری شافعی (متوفای ۳۱۰ هـ) ۷- کتاب جمل ص ۱۲۳ و ۱۷۱: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هـ) ۸- عقدالفرید ج ۲ ص ۲۲۷: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ هـ).

محو جمال دلدار

به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در گرفتن وحی بدون واسطه حالتی دست می داد که از خود، و جهان پیرامون خود، به گونه ای بی توجه بود که دیگران فکر می کردند، پیامبر بیهوش است، در حالی که مدهوش بود. (مدهوش بودن یعنی توجه کامل و شدید به چیزی داشتن، آنچنان که به چیز دیگری نپردازد.) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در سجده نماز شب، با توجه به عظمت خدا، مدهوش می شد که دیگران فکر می کردند، حضرت بیهوش شده است. در جنگ صفین که پیکان تیری در پای حضرت فرو رفته و مانده بود و جراح نمی توانست آن را بیرون بیاورد، و شکافتن پوست و گوشت پا، نیز عمیق بود تا پیکان تیر بیرون آید، و این گونه جراحی بسیار مشکل و دارای درد شدید و غیر قابل تحمل بود. امام مجتبی علیه السلام به طیب جراح فرمود: «صبر کن تا پدرم به نماز مشغول شود که در عبادت نیمه شب و در راز و نیاز عارفانه، حالتی به پدرم دست می دهد که به

چیزی جز خدا توجه ندارد و مدهوش بر زمین می افتد تو سعی کن در آن حالت، پیکان تیر شکسته را از پای پدرم بیرون بکشی.» طیب صبر کرد تا نیمه شب فرا رسید، و آنگاه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گرم عبادت شد، و مدهوش بر زمین افتاد، طیب با عملیات جراحی لازم، تیر را از پای حضرت بیرون کشید، وقتی امام علی علیه السلام به حال عادی بازگشت پرسید: این خون ها در اطراف سجاده برای چیست؟ پاسخ دادند: در حال نماز تیر را از پای شما بیرون کشیدیم.(۱).***انوارالنعمانیه ص ۳۴۲.

مدهوشی در عبادت

ابودرداء نقل می کند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در سحرگاهان در حال عبادت دیدم، به او نگاه می کردم که در سجده طولانی از خود بی خود شده، و خاموش بر زمین افتاده است، بالای سرش رفتم، او را حرکت دادم، دیدم تکان نمی خورد. فوراً به خانه فاطمه زهرا علیها السلام رفتم، در زدم، فرمود: کیستی؟ گفتم: ابودرداء خادم در گاه شما. فرمود: چه شده است؟ گفتم: ای بانوی اسلام، علی در حال عبادت وفات کرده است. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «او وفات نکرده است، بلکه از خوف خدا مدهوش است.»(۱).***امالی شیخ طوسی مجلس ۱۸.

عبادت در کودکی

در آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در آن روزهایی که مسلمانی وجود نداشت، همه مردم می دیدند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، خدیجه علیها السلام و کودکی به نام علی علیه السلام وارد خانه خدا می شوند، و نماز می گزارند. امام علی علیه السلام خود فرمود: «وَلَقَدْ صَيَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ وَ أَنَا أَوْلُ مَنْ صَلَّى مَعَهُ (و همانا من با پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم پیش از همه انسان ها نماز خواندم، در حالی که ۷ ساله بودم، من اول کسی هستم که با پیامبر نماز گزاردم.)»(۱). و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم هم فرمود: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَوْلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِيمَانًا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ (ای علی، تو اول فرد از این امت اسلام هستی، که به خدا و پیامبرش ایمان آوردی.)»(۲).***الغدیر ج ۳ ص ۲۲۲. بحارالانوار ج ۱۹ ص ۶۷.

ذکر همیشگی حضرت امیرالمؤمنین

یکی از ویژگی های امام علی علیه السلام آن بود که همواره به یاد خدا بود، و در هر حال ذکر می گفت، و ذکر همیشگی حضرت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بود، که مدام از زبان مبارکش جاری می شد. وقتی لباس نو می پوشید، آنگاه که سوار اسب می شد، الحمد لله می گفت، و می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَ حَمَلَنَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا (حمد خدا را که ما را کرامت بخشید و در صحرا و دریا وسیله سواری عطا کرد، و از روزی پاکیزه روزی داد و بر بسیاری از آفریده ها ما را برتری بخشید.)»(۱). و یا آیه ۱۳ سوره زخرف را می خواند که: «سَيَحْنَأُ الَّذِي سَيَحْرَلْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ (پاک و برتر است خدائی که این سواری را تسلیم من نمود که هرگز بر آن قدرت نداشتیم، و بازگشت ما به سوی خداست.) و بعد می فرمود: خدایا مرا ببخش که همانا بخشاینده گناهان، کسی جز تو نیست. و وقتی از خانه بیرون می آمد، می فرمود: بسم الله(۲). و بر سفره به هنگام صرف غذا می فرمود: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)(۳).*** صفین ابن مزاحم ص ۱۳۲ - و - جواهر المطالب ج ۱ ص ۲۶۹. صحیح ترمذی، و سنن نسائی، و الموافقات حافظ، و کتاب صفین ابن مزاحم ص ۱۳۲، جواهر المطالب ج ۱ ص ۲۶۹. امالی شیخ صدوق ص ۲۴۶.

سجده برای موقتیت ها

یکی دیگر از حالات معنوی و عبادی ارزشمند امیرالمؤمنین علیه السلام آن بود که: پس از شنیدن یک خبر شادی آفرین، یا به دست آوردن یک موقتیت سیاسی، اجتماعی، به سجده می رفت و خدا را سپاس می گفت. روزی در جمع یاران سجده شکر انجام داد. پرسیدند: چرا هم اکنون سجده شکر گذاردی؟ پاسخ فرمود: برای اینکه با یاری خداوند یکی از دستورات رسول خدا را انجام دادم و یک موقتیت مطلوب به دست آوردم. (۱). ***** بحارالانوار ج ۳۵ ص ۲۹، و جلاء العیون مجلسی.

امام علی و نماز شب

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نمازهای روزانه را در وقت خود می خواند. و برای نوافل و مستحبات اهمیت فراوان قائل بود، و نماز شب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هرگز ترک نمی شد، زیرا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید: صَلَوةُ اللَّیْلِ نُورٌ (نماز شب نور است) ابن الکَوَّاء نقل می کند: حَتَّى دَر «لِیْلَةُ الْهَرِيرِ» که کوفیان و شامیان از آغاز شب تا صبح می جنگیدند، در آن شب نیز نماز شب امام علی علیه السلام ترک نگردید. (۱). نَوْف بکالی، نسبت به حالات شبانه و نماز شب آن حضرت نقل می کند: یَا نَوْفُ، طُوبَى لِلزَّاهِدِیْنَ فِی الدُّنْیَا، الرَّاعِبِیْنَ فِی الْآخِرَةِ، أَوْلَیْکَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا، وَمَاءَهَا طِیْبًا، وَالْقُرْآنَ شِعَارًا، وَالِدُّعَاءَ دِنَارًا، ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْیَا قَرْضًا عَلَی مَنَہَاجِ الْمَسِیحِ. یَا نَوْفُ، إِنَّ دَاوُودَ عَلَیهِ السَّلَامُ قَامَ فِی مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّیْلِ فَقَالَ: إِنَّهَا لَسَّاعَةٌ لَا یَدْعُو فِیْهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتِجِیْبَ لَهُ، إِلَّا أَنْ یَكُونَ عَشْرًا أَوْ عَرِیفًا أَوْ شُرْطِیًّا، أَوْ صَاحِبَ عَرْطِیَّةٍ (وهی الطنبور) أَوْ صَاحِبَ کَوْبَةٍ. (در یکی از شب ها حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که برای عبادت از بستر برخاست، و نگاهی به ستارگان افکند، و به من فرمود: خوابی! یا بیدار؟ گفتم بیدارم، امام علی علیه السلام فرمود: (ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند، آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، و قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس رویین خود قرار دادند، سپس دنیا را همانند عیسی مسیح علیه السلام وا نهادند. ای نوف! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب برمی خواست، و می گفت: «این ساعتی است که دعای هر بنده ای به اجابت می رسد، جز باجگیران، جاسوسان، شب گردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر، یا نوازنده طنبور و طبل».) (۲). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف شب پرهیزکاران، و نماز شب آنان فرمود: أَمَّا اللَّیْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَالِیْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ یُرْتَلُونَهَا تَرْتِیلاً. یُحْزَنُونَ بِهِنَّ أَنْفُسُهُمْ وَیَسْتِثْبِرُونَ بِهِنَّ دَوَاءَ دَائِهِمْ. فِإِذَا مَرُّوا بِآیَةٍ فِیْهَا تَشْوِیْقٌ رَكَنُوا إِلَیْهَا طَمَعًا، وَنَطَلَعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَیْهَا شَوْقًا، وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْیُنِهِمْ. وَإِذَا مَرُّوا بِآیَةٍ فِیْهَا تَخْوِیْفٌ أَصْغَعُوا إِلَیْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ، وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهِیقَهَا فِی أَصُولِ آذَانِهِمْ، فَهَمَّ حَائِنُونَ عَلَی أَوْسَاطِهِمْ، مُفْتَرِشُونَ لِجِیَاهِهِمْ وَأَكْفِهِمْ وَرُكْبِهِمْ، وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ، یَطْلُبُونَ إِلَی اللَّهِ تَعَالَى فِی فَكَاكٍ رِقَابِهِمْ. «پرهیزکاران در شب برپا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند، وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پر شوق در آن خیره شوند، و گمان می برند که نعمت های بهشت در برابر دیدگانشان قرار دارد، و هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند، و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش، در گوششان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود از آتش جهنم را می طلبند.» (۳). ***** حلیه الابرار ج ۱ ص ۳۲۰. حکمت ۱۰۴ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب خصال ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۴۰ باب السنه: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۲- اکمال الدین: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۳- مروج الذهب ج ۴ ص ۱۰۶: مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه) ۴- حلیه الاولیاء ج ۶ ص ۵۳: ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۰۲ ه) ۵- تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۶۲ ح ۳۶۰۸: خطیب بغدادی شافعی

(متوفای ۴۶۳ هـ) ۶- دستور معالم الحکم ص ۳۵ و ۹۲: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴ هـ) ۷- غرر الحکم ص ۲۰۹ / ج ۴ ص ۲۶۸: آمدی (متوفای ۵۸۸ هـ). خطبه ۸/۱۹۳ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است.

توجه به مستحبات

نماز، صحبت کردن با خداست، و کسی که عاشق خداست و دوست دارد با خدا صحبت کند نماز می خواند و وقت و لحظات عمرش را بی حساب نمی گذرانند. امام صادق علیه السلام نقل کرد که: امام علی علیه السلام در امت اسلام تنها فردی بود که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و از نماز سیری نداشت. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَإِنَّ عَلِيًّا كَانَ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ «از ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که فرمود: علی علیه السلام نماز می خواند در شبانه روز ۱۰۰۰ رکعت نماز» (۱). ***** حلیه الابرار ج ۱ ص ۳۱۷.

پیاده به سفر حج رفتن

سفر حج یکی از بزرگترین سفرهای معنوی است، و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به سفر حج تشریف بردند، اما در بین راه، نعلین یا کفش خود را در می آورد و با پای برهنه سفر می کرد که بیشتر خدا را خشنود سازد و اجر فراوان به دست آورد. (۱). امام علی علیه السلام در وصف حجاج بیت الله فرمود: وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، يَرُدُّونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ، وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَوَلَوْهَ الْحِمَامِ، وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لَتَوَاضِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَوَقَّفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ، وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ. يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ، وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ. جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلإِسْلَامِ عِلْمًا، وَلِلْعَالَمِينَ حَرَمًا، فَرَضَ حَقَّهُ، وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ». فلسفه و ره آورد حج «خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه ای که آن را قبله گاه انسان ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن روی می آورند، و همانند کبوتران به آن پناه می برند. خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش، و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد، و در میان انسان ها، شنوندگانی را برگزید، که دعوت او را برای حج، اجابت کنند، و سخن او را تصدیق نمایند، و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند، همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند، و سوده های فراوان، در این عبادتگاه و محل تجارت زائران، به دست آورند، و به سوی وعده گاه آمرزش الهی بشتابند. خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا، و برای پناهندگان خانه امن و امان قرار داد، ادای حق آن را واجب کرد، و حج بیت الله را واجب شمرد، و بر همه شما انسان ها مقرر داشت، که به زیارت آن بروید، و فرمود: (آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است). (۲) (۳). ***** حلیه الابرار ج ۱ ص ۳۴۶. آل عمران آیه ۹۷. خطبه ۵/۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰ هـ) ۲- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۱ ص ۹۷ و ۳۱۲ و ج ۲ ص ۲۹۷: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ هـ) ۴- منهاج البراعة ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۷- احتجاج ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۲۰۹: طبرسی (متوفای ۵۸۸ هـ).

اشک های فراوان

آنان که با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی می کردند و فراوان با او بودند، و در سفر و حضر حالات گوناگون حضرت را مشاهده می کردند نقل کردند که: «امام علی علیه السلام فراوان در فکر فرو می رفت و بسیار اشک می ریخت.» (۱). زیرا خود در وصف مردان خدا فرمود: **فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشِيَّتُهُمُ التَّوَاضُعُ. عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ. نُزِلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِلَتْ فِي الرَّحَاءِ. وَلَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرَفَهُ عَيْنٍ، شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ، وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ. عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ، فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدَرَأَهَا، فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدَرَأَهَا، فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ. قُلُوبُهُمْ مَخْزُونَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَأَجْسَادُهُمْ نَجِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ. صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةٌ طَوِيلَةٌ. تِجَارَةٌ مُرِيحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ. أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا، وَأَسْرَبَتْهُمْ فَقَدُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا.** «اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است، چشمان خود را بر آن چه خدا حرام کرده می پوشانند، و گوش های خود را وقف دانش سودمند کرده اند، و در روزگار سختی و گشایش حالشان یکسان است. و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرمود، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدنها قرار نمی گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنم خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت های آن بسر می برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند. دل های پرهیزکاران اندوهگین، و مردم از آزارشان در امان، تن هایشان فربه نبوده، و درخواست هایشان اندک، و عقیف و پاکدامند. در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پر سود که پروردگارشان فراهم فرمود، دنیا می خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.» (۲). * * * * * حلیه الابرار ج ۱ ص ۳۳۹. خطبه ۲/۱۹۳ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب سلیم بن قیس ص ۸۴۹ حدیث ۴۳: از اصحاب امام سجاد علیه السلام (متوفای ۹۰ هـ) ۲- کتاب أمالی ص ۴۵۷ مجلس ۸۴ ح ۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۳- کتاب النهایه ج ۱ ص ۱۳۲: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ هـ) ۴- کتاب ارشاد ص ۱۳۹/ج ۱ ص ۳۰۱: شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هـ) ۵- عیون الاخبار ج ۲ ص ۶۰: ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ هـ) ۶- عقد الفرید ج ۲ ص ۱۶۲: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۷- تاریخ یعقوبی (ابن واضح) ج ۲ ص ۱۸۷: یعقوبی (متوفای ۲۹۲ هـ) ۸- روضه کافی ج ۸ ص ۶۷: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ).

ترویج فرهنگ اذان

اذان گفتن امام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرتب اذان می گفت. در کوفه بالای بام مسجد می رفت و اذان می گفت. حتی در شب ضربت خوردن (شب نوزدهم ماه مبارک رمضان) نیز اذان گفتن را ترک نفرمود. امام علی علیه السلام پس از خواندن نماز شب، به بالای بام مسجد کوفه می رفت و انگشتان مبارک بر گوش می نهاد و با صدای بلند، به گونه ای اذان می گفت که، صدای اذان آن حضرت به گوش تمام مردم کوفه می رسید. (۱). * * * * * ناسخ التواریخ ج ۴ ص ۲۷۹.

تشویق به اذان رایگان

شخصی خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد که اذان می گفت، و به مردم قرآن می آموخت، و از این راه حقوق دریافت می کرد و زندگی خود را اداره می نمود. به امام علی علیه السلام گفت: سوگند به خدا! ای امیرالمؤمنین، من تو را برای خدا

دوست دارم. حضرت در پاسخ او فرمود: اما من تو را در راه خدا دوست نمی دارم. آن شخص شگفت زده پرسید: چرا؟ مگر من چه عمل نا روائی را مرتکب شدم؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای اینکه اذان گفتن را راه کسب خود قرار دادی. و برای آموزش دادن قرآن از مردم حقوق دریافت می کنی. در حالی که از رسول خدا شنیدم که می فرمود: «هرکس در تعلیم قرآن از مردم اجرتی بگیرد، بهره او همان است و در قیامت اجری نخواهد داشت.» (۱). ***** وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۵۷، و من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۴۶۱/ ۱۰۹.

ترویج فرهنگ نماز

اشاره

نماز و نیایش، جان و روح شیدای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را تشکیل می دادند. نماز عشقِ امام علی علیه السلام بود، شور و نشاط حضرت در نماز شکل می گرفت، در نماز به پرواز در می آمد و تا آنجا پر می کشید که جز او، هیچ فرشته ای توان پرواز نداشت. در نماز مدهوش می شد و بر زمین می افتاد، و از غیر خدا می برید و به جان جانان وصل می گشت. به نمونه ها توجه کنید:

اولین نمازگذار

تمام دانشمندان اهل سنت و محققان شیعه، به این حقیقت اعتراف دارند که از مردان، اول کسی که ایمان آورد، علی علیه السلام بود، و سن او به هنگام ایمان آوردن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۷ سال بود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خود می فرماید: وَلَقَدْ صَيَّلْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ النَّاسِ بِسِتِّينَ وَ أَنَا أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعَهُ «و من در حالی که هفت ساله بودم قبل از همه مردم با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواندم.» (۱). این حدیث به گونه دیگری نیز نقل شد: که امام علی علیه السلام فرمود: عَيَّدْتُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سِتِّينَ قَبْلَ أَنْ يُعْبَدَهُ أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ (۲). (خدا را همراه با پیامبر عبادت کردم در حالیکه هفت ساله بودم پیش از آنکه کسی از این امت خدا را پرستد) ***** الغدير ج ۳ ص ۲۲۲، و سنن نسائی «أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ». الغدير ج ۳ ص ۲۲۱.

اهمیت دادن به نماز اول وقت

هرگاه وقت نماز پنجگانه می رسید، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حالت اضطراب و ناراحتی داشت، به گونه ای که رخسار حضرت سرخ می گردید. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می پرسیدند: شما را چه می شود، که اینقدر ناراحت و نگرانید؟ می فرمود: (وقت امانتی که خداوند آن را بر آسمان و زمین عرضه کرد و آنها نپذیرفتند، رسید.) (۱). در اینجا به برخی از نمونه ها توجه کنید: ***** انوار نعمانیه ص ۲۳۸، - بحار الانوار ج ۴۱ ص ۲۴ - ۱۷.

نماز امانتی بزرگ

ابودرداء نقل می کند: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَلَوْنَ وَ تَزَلُّزَ فَقِيلَ لَهُ مَالِكُ؟ فَيَقُولُ: جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةٍ عَرَضَهَا اللَّهُ تَعَالَى عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فِي صَنْعِهِ فَلَا أُدْرِي أَحْسِنُ إِذَا مَا حَمَلْتُ أَمْ لَا؟ (۱). (آنگاه که وقت نماز می رسید، امیرالمؤمنین رنگِ چهره اش دگرگون شده و مضطرب می شد، به حضرت می گفتند: چه شده

است شما را؟ پاسخ می داد: وقت انجام امانتی رسیده است که خدای بزرگ آن را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرد و آنها نتوانستند آن را بپذیرند، و انسان آن را پذیرفت در حالی که از همه ناتوان تر بود، پس من نمی دانم آیا این امانت سنگین را نیکو برداشتم یا نه؟ ***** انوار نعمائیه ص ۲۳۸، - و بحار الانوار ج ۴۱ ص ۲۴ - ۱۷.

بخشنامه برای نماز اول وقت

امام علی علیه السلام پس از آنکه محمد بن ابی بکر را برای فرمانداری مصر انتخاب کرد، دستور العملی نسبت به نماز اول وقت به او نوشت: صَبَلِ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَهَا الْمُؤَقَّتَ لَهَا، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفِرَاقٍ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا لِاسْتِغَالٍ وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ (نماز را در وقت اختصاصی خودش بخوان «اول وقت»، و چون بیکار شدی در انجام نماز شتاب نکن، یا چون به کاری مشغول هستی آن را تأخیر میانداز، و بدان که: تمام اعمال تو، در گرو قبولی نماز تو می باشد)(۱). و نامه ۵۲ نهج البلاغه را برای همه استانداران و فرمانداران جهت تعیین «اوقات نماز» به صورت بخشنامه می فرستد؛ (إلى أمراء البلاد في معنى الصلاة) اوقات الصلوات اليومية أما بعد، فصَلُّوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حَتَّى تَفِيءَ الشَّمْسُ مِنْ مَرْبِضِ الْعِزِّ، وَصَلُّوا بِهِمُ الْعُضَيْرَ وَالشَّمْسُ بَيْضَاءَ حَيْثُ فِي عَضْوٍ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يُسَارُ فِيهَا فَرْسَخَانِ. وَصَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرِبَ حِينَ يُفْطِرُ الصَّائِمُ، وَيَدْفَعُ الْحَاجُّ إِلَى مَنَى. وَصَلُّوا بِهِمُ الْعِشَاءَ حِينَ يَتَوَارَى الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، وَصَلُّوا بِهِمُ الْعِدَاءَ وَالرَّجُلُ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ، وَصَلُّوا بِهِمُ صِيْلَاءَ أَرْضِ عَفْهِمٍ، وَلَا تَكُونُوا فَتَانِينَ. (نامه به فرمانداران شهرها درباره وقت نماز) وقت های نماز پنجگانه «پس از یاد خدا و درود! نماز ظهر را با مردم وقتی بخوانید که آفتاب به طرف مغرب رفته، سایه آن به اندازه دیوار خوابگاه بُر گردد، و نماز عصر را با مردم هنگامی بخوانید که خورشید سفید و جلوه دارد، در پاره ای از روز که تا غروب می شود دو فرسخ راه پیمود. و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوانید که روزه دار افطار، و حاجی از عرفات به سوی منی کوچ می کند. و نماز عشاء را با مردم وقتی بخوانید که شفق پنهان می گردد تا یک سوم از شب بگذرد، و نماز صبح را با مردم هنگامی بخوانید که شخص چهره همراه خویش را بشناسد، و در نماز جماعت در حد ناتوان آنان نماز بگذارید، و فتنه گر مباحثید»(۲). ***** نامه ۱۵ / ۲۷ نهج البلاغه معجم المفهرس. نامه ۵۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب اعجاز و ایجاز ص ۳۲-۳۳: ابو منصور ثعالبی (متوفای ۴۲۹ هـ) ۲- بحار الانوار ج ۳۳ ص ۴۷۲ ح ۶۸۵: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۳- منهاج البراعة ج ۳ ص ۱۵۹: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۴- بحار الانوار ج ۷۹ ص ۳۶۵: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ).

عبادت بی همانند

امام باقر علیه السلام می فرماید: پدرم حضرت سجاد علیه السلام شب و روز در نماز و عبادت و گریه و مناجات بود تا آنجا که صورتش از شب زنده داری زرد، و چشم هایش از شدت گریه سرخ شد، و بر پیشانی حضرت از سجده های طولانی پینه بسته بود، و پاهای پدرم را دیدم که ورم کرده است، نتوانستم تحمل کنم، دلم سوخت و گریه کردم. پدرم صدای گریه مرا شنید و فرمود: «پسرم یکی از جزوه های عبادت علی بن ابیطالب علیه السلام را بیاور.» وقتی آن کتاب را آوردم، مقداری از آن را خواند و فرمود: مَنْ يَقْوَى عَلَى عِبَادَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (چه کسی قدرت دارد که مانند علی علیه السلام عبادت کند؟)(۱). ***** بحار قدیم ج ۱۱ ص ۲۳.

هزار رکعت نماز

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِ عُمْرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ أَلْفَ رَكَعَةٍ (همانا علی علیه السلام در پایان

عمر خود در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند»(۱). امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت نماز و جایگاه بلند آن فرمود: تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحِرَافُطُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا. فَإِنَّهَا «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سِئَلُوا: «مَا سَيَلِكُكُمْ فِي سَيَرِّ؟» قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». وَإِنَّهَا لَتُحْتِ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ، وَتُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ، وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَى يَابِ الرِّجْلِ، فَهِيَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ، وَلَا قَرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ. يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ». وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْحِجَّةِ، لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. ره آورد نماز (مردم! نماز را بر عهده گیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. «نماز فریضه واجب است که در وقتهای خاص بر مؤمنان واجب گردیده است»(۲). آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرامی دهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند: چه چیز شما را بدوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نماز گذاران نبودیم»(۳). همانا نماز! گناهان را چونان بر گهای پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردنهای می گشاید، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد، اگر روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. همانا کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنایی چشمشان یعنی اموال و فرزندان مانع نمازشان نشود. خدای سبحان می فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و بر پا داشتن نماز، و پرداخت زکات باز نمی دارد»(۴). رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکبیا باش»(۵). پس پیامبر صلی الله علیه وآله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکبیا بود»(۶). **** بحار الانوار ج ۴۱ ص ۲۴ - ۱۷، «اینکه مشهور است آن حضرت در یک شب هزار رکعت نماز می خواندند و برخی هم به زحمت افتادند تا آن را اثبات کنند، و در ساعات و دقائق شب های طولانی سرانجام موفق شدند تا هزار رکعت نماز بخوانند، مبنائی ندارد، و فقط امام علی علیه السلام در اواخر زندگی با برکت خود آن هم در یک شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند». نساء آیه ۱۰۳. مدثر آیه ۴۳. نور آیه ۳۷. طه آیه ۱۳۲. خطبه ۱/۱۹۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- بحار الانوار ج ۷۲ ص ۱۱۶ ح ۱۶ ب ۵۰: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۲- فروع کافی ج ۵ ص ۳۶ و ۳۸: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- منهاج البراعه ج ۲ ص ۳۰۵: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۴- بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۲۴ و ج ۸۲ ص ۲۲۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۵- تفسیر برهان ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۵: بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه) ۶- تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۴۵۹ و ج ۳ ص ۶۰۹: عبد علی حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ه) ۷- ربیع الابرار ج ۲ ص ۲۷۷ ح ۱۸۹ ب ۲۶: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۸- فروع کافی ج ۵ ص ۴۱ ح ۴: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه).

داشتن نمازخانه در منزل

انسان باید در جائی نماز بخواند که حال و هوای معنوی داشته و از زرق و برق دنیائی به دور باشد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در خانه خود اطاقی را برای نماز خواندن اختصاص دهید. و حضرت در اطاقی که در آن جز فرش و قرآن و شمشیری وجود نداشت، نماز می خواند. و به یکی از دوستان خود به نام «سَمْع» فرمود: «دوست دارم در خانه خود اطاقی را نمازخانه قرار دهی و با لباس مخصوص در آن مکان که اختصاص به نماز دارد، نماز بخوانی، و از خدا بخواهی که تو را از آتش جهنم نجات دهد و وارد بهشت فرماید. از خدا بترس و دعای نامشروع نداشته باش، و کسی را نفرین نکن»(۱). **** حلیه المتقین باب دوازدهم فصل پنجم.

نماز پس از پیروزی در جنگ

پس از پیروزی در جنگ جمل، وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شهر بصره شد، به مسجد جامع شهر بصره تشریف برده و دو رکعت نماز در آنجا خواند، سپس به سراغ کارهای مهم دیگر رفت.(۱).***** تاریخ طبری ج ۳ ص ۵۴۳.

نماز قبل از آغاز نبرد

امام علی علیه السلام قبل از آغاز نبرد با خوارج، از اردوگاه «حرواء» گذشت، و در برابر خیمه «یزید بن قیس» یکی از رهبران صاحب نفوذ خوارج قرار گرفت، پیاده شد و دو رکعت نماز در آن صحرا خواند و سپس به نصیحت آنان پرداخت.(۱).***** شرح ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۲۷۷.

نماز با اشاره در میدان جنگ

فرهنگ ارزشمند «نماز» آنقدر والا و برتر است که در هیچ شرائطی نمی توان از آن چشم پوشید. در شب آخر نبرد سرنوشت ساز صفین به نام (لیلۃ الهمیر) که از آغاز شب تا نیمه روز فردا مبارزه ادامه داشت، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب او در حالی که جنگ می کردند و غرق در اسلحه بودند، نماز مغرب و عشاء و صبح را در حالت سواره و پیاده خواندند، و رکوع و سجود را به صورت اشاره انجام می دادند.(۱).***** تاریخ طبری ج ۴ ص ۳۲.

نماز در میدان جنگ

امام علی علیه السلام همواره به نماز اول وقت توجه فراوان داشت و این اصل ارزشمند را از یاد نمی برد. در یکی از روزهای نبرد صفین، در گرما گرم جنگ و کشتار، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خورشید نگریست و فرمود: وقت نماز است. آنگاه دست از جنگ کشید، و در گوشه ای به نماز ایستاد، در حالی که انواع خطرات او را تهدید می کرد، و تیرهای فراوانی به سوی او پرمی کشید، اما امام علی علیه السلام سرگرم نماز بود، گویا در خانه خود نماز می خواند. نماز اول که تمام شد تیری به سوی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و سخت بران پایش فرو رفت، یاران حضرت با اضطراب پیرامون او را گرفتند، اما امام علی علیه السلام با همان حالت نماز دوم را خواند.(۱).***** انوار نعمانیه ص ۳۴۲، و نفایس الاخبار ص ۴۶۳.

جنگ بخاطر نماز

ابن عباس می گوید: در یکی از روزهای جنگ صفین، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که به آسمان نگاه می کند. پرسیدم: یا امیرالمؤمنین به آسمان زیاد نگاه دوخته اید؟ امام علی علیه السلام فرمود: نگاه می کنم که آیا ظهر شده و وقت نماز رسیده یا نه؟، که نماز بخوانم. گفتم: هم اکنون در جنگ قرار داریم. حضرت فرمود: ما با شامیان بر سر اقامه نماز می جنگیم، چرا خود در اول وقت نماز نخوانیم؟(۱).***** خصال ج ۱ ص ۳۱۱.

نماز باران (استسقاء)

در یکی از سال ها که خشکسالی آمده بود، و آسمان نبارید و همه از بی آبی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کردند. امام علی علیه السلام دستور داد که: همه مردم از شهر خارج شوند، فرزندان را از مادران جدا کنند، و در آفتاب سوزان با گریه و

انابه و توبه، نماز باران بخوانند. وقتی صف ها منظم شد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه «نماز باران» ابتداء فرمود: **أَلَا وَإِنَّ الْبَارِضَ الَّتِي تُقْلِكُمْ، وَالسَّمَاءَ الَّتِي تُظْلِكُمْ، مُطِيعَتَايَ لِرَبِّكُمْ، وَمَا أَصْبَحْنَا تَجُودَانَ لَكُمْ بَيْرَ كَتَيْهَمَا تَوْجَعًا لَكُمْ، وَلَا زُلْفَةً إِلَيْكُمْ، وَلَا لِحَيْرٍ تَرْجُوَانِهِ مِنْكُمْ، وَلَكِنْ أَمْرًا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعَتَا، وَأَقِيمَتَا عَلَى حُدُودِ مَصِيحِ الْحِكْمِ فَقَامَتَا. إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ، وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ، وَإِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ، وَيُقْلَعُ مُقْلَعٌ، وَيَتَذَكَّرُ مُتَذَكِّرٌ، وَيَزْدَجِرُ مُزْدَجِرٌ. وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْبَاسِئِغْفَارَ سَبَبًا لِتُدْرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةً الْخَلْقِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا».** فَحَرَّمَ اللَّهُ أَمْرًا اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ، وَاسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ، وَبَادَرَ مَيْتَتَهُ! (آگاه باشید، زمینی که شما را بر پشت خود می برد، و آسمانی که بر شما سایه می گستراند، فرمانبردار پروردگارند، و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی یا برای نزدیک شدن به شما، و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه آن دو، مأمور رساندن منافع شما می باشند، و اوامر خدا را اطاعت کردند، به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند. خداوند بندگان خود را که گناهکارند، با کمبود میوه ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنجهای خیرات، آزمایش می کند، برای آن که توبه کننده ای باز گردد، و گناهکار، دل از معصیت بکند، و پند گیرنده، پند گیرد، و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد، و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فروریختن روزی، و موجب رحمت مخلوقات قرار داد و فرمود: «از پروردگار خود آمرزش بخواهید، که آمرزنده است، برکات خود را از آسمان بر شما فرو می بارد، و با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شما را یاری می دهد، و باغستانها و نه‌های پر آب در اختیار شما می گذارد»(۱). پس رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه رود، و از گناهان خود پوزش طلبد، و پیش از آن که مرگ او فرا رسد، اصلاح می گردد»(۲). و سپس با حالت معنوی خاصی با خدای خود چنین گفت: **اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ مِنْ تَحْتِ الْأَسْتَارِ وَالْأَكْنَانِ، وَبَعْدَ عَجِيجِ الْبُهَائِمِ وَالْوُلْدَانِ، رَاغِبِينَ فِي رَحْمَتِكَ، وَرَاجِينَ فَضْلَ نِعْمَتِكَ، وَخَائِفِينَ مِنْ عَذَابِكَ وَنِقْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاسْقِنَا عَيْتَكَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا بِالسِّنِينَ، «وَلَا تَوَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ الشَّفَهَاءُ مِنَّا»؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ نَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَمَّا يَخْفَى عَلَيْكَ، حِينَ أَلْجَأْتِنَا الْمَضَائِقَ الْوَعْرَةَ، وَأَجَاءْنَا الْمَقَاحِطُ الْمَجْدِبَةَ، وَأَعْيَيْنَا الْمَطَالِبَ الْمُتَعَسِّرَةَ، وَتَلَاخَمَتْ عَلَيْنَا الْفِتْنُ الْمُسْتَصْرِجَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَلَّا تَزُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا تَقْلِبْنَا وَاجِمِينَ. وَلَا تُخَاطِبْنَا بِدُنُوبِنَا، وَلَا تُقَابِسْنَا بِأَعْمَالِنَا. اللَّهُمَّ انشُرْ عَلَيْنَا عَيْتَكَ وَبَرَكَتَكَ، وَرِزْقَكَ وَرَحْمَتَكَ؛ وَاسْقِنَا سِقْمِيَا نَاقِعَةً مَرْوِيَةً مُعْشِبَةً، تُثَبِّتُ بِهَا مَا قَدْ فَاتَ، وَتُحْيِي بِهَا مَا قَدْ مَاتَ، نَافِعَةً الْحَيَا، كَثِيرَةً الْمُجْتَنَى، تُرْوِي بِهَا الْفَيْعَانَ، وَتَسِيلُ الْبُطْنَانَ، وَتَسْتَوْرِقُ الْأَشْجَارَ، وَتُرْخِصُ الْأَشْعَارَ؛ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ».** (بار خداوند! ما از خانه ها، و زیر چادرها پس از شنیدن ناله حیوانات تشنه، و گریه دلخراش کودکان گرسنه، به سوی تو بیرون آمدیم، و رحمت تو را مشتاق، و فضل و نعمت تو را امیدواریم، و از عذاب و انتقام تو ترسناکیم. بار خداوند! بارانت را بر ما بیار، و ما را مایوس بر مگردان! و با خشکسالی و قحطی ما را نابود مفرما، و با اعمال زشتی که بی خردان ما انجام داده اند ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان، ای مهربانترین مهربان ها! بار خداوند! به سوی تو آمدیم از چیزهایی شکایت کنیم که بر تو پنهان نیست و این هنگامی است که سختی های طاقت فرسا ما را بیچاره کرده و خشکسالی و قحطی ما را به ستوه آورده، و پیش آمدهای سخت ما را ناتوان ساخته، و فتنه های دشوار کرد به استخوان ما رسانده است. بار خداوند! از تو می خواهیم ما را نوامید بر مگردانی، و با اندوه و نگرانی به خانه هایمان باز نفرستی، و گناهانمان را به رحمان نکشی، و اعمال زشت ما را مقیاس کیفر ما قرار ندهی. خداوند! باران رحمت خود را بر ما بیار، و برکت خویش را بر ما بگستران، و روزی و رحمت را به ما برسان، و ما را از بارانی سیراب فرما که سودمند و سیراب کننده و رویاننده گیاهان باشد، که آن چه را که خشک شده دوباره برویاند، و آن چه مرده است زنده گرداند، بارانی که بسیار پر منفعت، رویاننده گیاهان فراوان، که تپه ها و کوهها را سیراب، و در درّه ها و رودخانه ها، چونان سیل جاری شود، درختان را پربرگ نماید. نرخ گرانی را پایین آورد، همانا تو بر هر چیز که بخواهی توانایی.) پس از نماز باران و دعای امام علی علیه السلام ابرها آمدند و باریدند و مردم و حیوانات و زمین سیراب شدند. نقل کردند؛ آن

چنان باران بارید که آب ها در جویبارها چونان سیلاب روان شد. (۳). **** سوره نوح آیه ۱۰ و ۱۱. خطبه ۱۴۳. نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- اعلام النبوة: دیلمی (متوفای ۷۷۱ ه) ۲- مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۷۹ و ج ۶ ص ۱۸۹: محدث نوری (متوفای ۱۳۲۰ ه) ۳- کتاب النهایة ج ۱ ص ۱۳۷ (ماده بطن): ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ ه) ۴- منهاج البراعه ج ۲ ص ۶۳: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ ه) ۵- شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۷۶: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶ ه) ۶- شرح ابن میثم ج ۳ ص ۱۸۲: بحرانی (متوفای ۶۷۹ ه) ۷- خصال ج ۲ ص ۶۱۵ ح ۱۰ باب اربع مائه: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه). اعلام النبوة، دیلمی - و - کامل ابن اثیر ج ۱ ص ۱۳۷.

روانشناسی نیایش

روانشناسی و نماز

در «نیایش» و «دعا» چون ارتباط روانی انسان با مرکز ومبدأ آفرینش است، باید روح دارای «شادابی» و «پذیرش» باشد. یعنی اگر بین روان آدمی و نیایش، تناسب وجود داشته باشد، نیایش جایگاه شایسته خود را خواهد داشت. آنگاه در جان آدمی اثر می گذارد، درمان می بخشد، روح را دگرگون می سازد. شگفت آور آنکه در چهارده قرن قبل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ارتباط عمیق روانشناسی و نیایش توجه داشته و به روانشناسی نیایش، اشاره فرمود که: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا؛ فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَأَحْمِلُوهَا عَلَى التَّوَاتُلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَأَقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ.** (دل ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وا دارید، و آنگاه که پشت کرده بی نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید). (۱). **** حکمت ۳۱۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که اسناد آن به این شرح است: ۱- عقد الفرید ج ۶ ص ۲۷۹: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ ه) ۲- اصول کافی ج ۱ ص ۴۸ ح ۱: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- دستور معالم الحکم ص ۲۳: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴ ه) ۴- ربيع الابرار ج ۱ ص ۲۳ ب ۱: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۵- نهایة الارب ج ۸ ص ۱۸۱: نویری شافعی (متوفای ۷۳۲ ه) ۶- روضه الواعظین ص ۴۱۴: ابن قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ه) ۷- غرر الحکم ص ۱۱۳ / ج ۲ ص ۵۴۴: آمدی (متوفای ۵۸۸ ه) ۸- الحکمة الخالدة ص ۱۱۲: ابن مسکویه (متوفای ۴۲۱ ه).

احترام به کعبه و قبله

اول خانه ای که پس از هبوط آدم علیه السلام در زمین ساخته شد، کعبه، خانه خداست، که قبله گاه مسلمین جهان است. و نمازها همه باید رو به قبله باشد، و مستحب است انسان رو به قبله بخوابد، و به حالت رو یا پشت به قبله در دستشویی ننشیند. و از همه اینها مهمتر اوج ادب و عرفان امام علی علیه السلام است که فرمود: **«مؤمن حتی آب دهان را رو به قبله نیندازد، و اگر از روی بی توجهی آب دهان رو به قبله انداخت استغفار کند.»** و یاران آن حضرت نقل کرده اند که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن چنان به قبله گاه مسلمین احترام می گذاشت که آب دهان رو به قبله نینداخت. ****

ترویج فرهنگ قرآن

قرآن گرایی

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اول حافظ قرآن بود. اولین کسی بود که قرآن را حفظ کرد، و آنچه پیامبر علیه السلام از جبرئیل گرفت، او نیز فرا گرفت. امام علی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه وآله شاهد نزول وحی بود که فرمود: **وَلَقَدْ سَمِعْتُ**

رَنَّهُ الشَّيْطَانُ حِينَ نَزَلَ الوَحْيُ عَلَيْهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا هَذِهِ الزَّنَّةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيِّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ». (من هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید و فرمود: «علی! تو آن چه را من می شنوم می شنوی، و آن چه را که من می بینم، می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی».) (۱). امام اول کسی بود که قرآن را جمع آوری کرد و نوشت و آنگاه که به حضرت زهرا علیها السلام برخی از مهاجرین و انصار گفتند: چرا امام علی علیه السلام در خانه بود و به سقیفه نیامد تا به عنوان کاندید رهبری مطرح شود. پاسخ داد: مَا صَبَحَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَتَّبِعِي لَهُ (علی علیه السلام کاری انجام نداد جز آنکه سزاوار بود «مانند: مراسم کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و جمع آوری قرآن») (۲). اباذر غفاری نقل کرد: پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امام علی علیه السلام تمام آیات قرآن را در یک جلد قرآن جمع آوری کرده و آن را به مهاجرین و انصار عرضه کرد، و چون تمام رویدادهای مربوط به نزول آیات را در پاورقی همان آیه نوشته بود، خلیفه اول آن را نپذیرفت. و گفت: با این قرآن و ثبت تمام وقایع آن، چیزی برای دیگران باقی نگذاشته ای. (۳). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اول مفسر قرآن پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود، که ابن عباس می گوید: شبی تا صبح از علی علیه السلام از سوره حمد می پرسیدیم. حضرت تفسیر می فرمود. امام علی علیه السلام همواره قرآن می خواند، و پاسخ مردم را در مشکلات و سئوالات اجتماعی، با آیات قرآن می داد. و در قضاوت های سیاسی، مالی، نظامی، همه جا از آیات قرآن کمک می گرفت. (۴). و در افشاگری چهره منافقان و ناکثین و مارقین نیز از قرآن دلیل و شاهد می آورد، و همواره با قرآن محشور بود و خود در معرفی جامعیت قرآن فرمود: كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ: مُبَيَّنًّا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمُنْسُوخَهُ، وَرُحْصَهُ وَعَرَائِمَهُ، وَخَاصَّهُ وَعِيَائِمَهُ، وَعَجَبَهُ وَأَمْتَالَهُ، وَمُرْسَلَهُ وَمَخْدُودَهُ، وَمُحَكَّمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ، مُفَسَّرًا مُجْمَلَهُ، وَمُبَيَّنًّا غَوَامِضَهُ، بَيْنَ مَا خُوذَ مِيثَاقُ عَلَيْهِ، وَمَوْسَعٍ عَلَى الْعِبَادِ فِي جَهْلِهِ. وَبَيَّنَّ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرْضَهُ، وَمَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسِخَهُ، وَوَاجِبٍ فِي السُّنَّةِ أَخْذَهُ، وَمُرْخَّصٍ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ، وَبَيَّنَّ وَاجِبٍ بِوَقْتِهِ، وَزَائِلٍ فِي مَسْئَلِهِ. وَمُبَيَّنَّ بَيْنَ مَحَارِمِهِ، مِنْ كَبِيرٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ نِيرَانَهُ، أَوْ صَغِيرٍ أَرْصَدَ لَهُ غُفْرَانَهُ، وَبَيَّنَّ مَقْبُولٍ فِي أَذْنَاهُ، وَمَوْسَعٍ فِي أَقْصَاهُ. ویژگی های قرآن و احکام اسلام «کتاب پروردگار میان شماست، که بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثلها، مطلق و مقید، محکم و متشابه می باشد، عبارات مجمل خود را تفسیر، و نکات پیچیده خود را روشن می کند، و اجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت، و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست. قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، و بعضی از آن، در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است، بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته، که در آینده از بین رفته است، محرمات الهی از هم جدا می باشند، برخی از آنها، گناهان بزرگ است که وعده آتش دارد، و بعضی کوچک که وعده بخشش داده است، و برخی از اعمال که اندکش مقبول و در انجام بیشتر آن آزادند.» (۵). **** خطبه ۱۲۱ / ۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب الیقین ص ۱۹۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه) ۲- فروع کافی ج ۴ ص ۱۹۸ الی ۲۰۱ ح ۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ ه) ۳- من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۵۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه) ۴- ربیع الابرار ص ۳۳۳ ج ۱ و ج ۵ ص ۱۷۵: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ ه) ۵- اعلام النبوة ص ۹۷: ماوردی (متوفای ۴۵۰ ه) ۶- بحارالانوار ج ۱۳ ص ۱۴۱ و ج ۶۰ ص ۲۱۴ و ۲۶۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه). بحارالانوار ج ۲۸ ص ۳۵۲، و غایة المرام ص ۵۶۹. الامامة و السياسة ابن قتیبة ص ۱۲. احتجاج طبرسی و شرح نهج البلاغه خوئی ج ۲ ص ۲۰۸. به کتاب امام علی علیه السلام و امور قضائی، فصل «استفاده از قرآن»، از این مجموعه مراجعه شود. خطبه ۴۶/۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰ ه) ۲- بحارالانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه) ۳-

ربیع الابرار ج ۱ ص ۹۷ و ص ۳۱۲ و ج ۲ ص ۲۹۷: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ هـ) ۴- منهاج البراعه ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۷- احتجاج ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۲۰۹: طبرسی (متوفای ۵۸۸ هـ).

جایزه مالی به قاریان قرآن

برای رونق گرفتن «فرهنگ قرآن» یکی از روش های تبلیغ و تشویق، احترام کردن به حافظان و قاریان است، و روش دیگر اقتصادی و پرداخت جوایز نقدی است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هر دو روش را بکار می گرفت. هم به ارزش های معنوی قاریان قرآن احترام می گذاشت، و هم جوایز نقدی و حقوق ماهانه برای آنها تعیین می فرمود. از این رو، امام علی علیه السلام دستور فرمود تا به هر قاری قرآن ماهانه دو بیست دینار پرداخت کنند. (۱). ***** خصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۳۸۹، ترجمه کمره ای.

فضیلت قرائت قرآن

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خانه ای که در آن قرآن خوانده می شود، و یاد خدا در آن وجود دارد، برکت آن خانه بسیار می شود، و در آنجا فرشتگان حضور می یابند، و شیاطین دور می شوند و برای اهل آسمان روشنائی بخش است، چونان که ستارگان برای اهل زمین روشنئی دارند. در خانه ای که یاد خدا در آن نباشد و قرآن خوانده نشود، فرشتگان در آن راه ندارند و مرکز اجتماع شیاطین است.» (۱). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۹۸ به ارزش ها و علوم گسترده موجود در قرآن اشاره فرمود که: ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ، وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ، وَبَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ، وَمِنْهَاجًا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ، وَشُعَاعًا لَا يُظْلِمُ ضَوْؤُهُ، وَفِرْقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانَهُ، وَتَيْبَانًا لَا تُهْدِمُ أَرْكَانَهُ، وَشِفَاءً لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ، وَعِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ، وَحَقًّا لَا تُخْذَلُ أَعْوَانُهُ. فَهُوَ مَعِينٌ الْإِيمَانَ وَبُحْبُوحَتَهُ، وَيَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَبُحُورُهُ، وَرِيَاضُ الْعَيْدِلِ وَغُدْرَانُهُ، وَأَنْثَائِي الْإِسْلَامِ وَبُتْيَانُهُ، وَأَوْدِيَةُ الْحَقِّ وَغَيْطَانُهُ. وَبَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ، وَعَيْوُنٌ لَا يُنْصِبُهَا الْمَاتِحُونَ، وَمَنَاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ، وَمَنَازِلٌ لَا يُضِلُّ نَهْجَهَا الْمَسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَا يَعْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَأَكَامٌ لَمَّا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ. جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ، وَمَحَاجِّ لَطَّرِقِ الصُّلَحَاءِ، وَدَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَاءٌ، وَنُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ، وَحَبْلًا وَثِيقًا عَزُوتُهُ، وَمَعْقِلًا مَنِيعًا ذُرُوتُهُ، وَعِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ، وَسَلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ، وَهُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ، وَعِزًّا لِمَنْ اتَّخَلَّاهُ، وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ، وَحَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ، وَمَطِيَّةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ، وَآيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَهُ، وَجَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّامَ، وَعِلْمًا لِمَنْ وَعَى، وَحَدِيثًا لِمَنْ رَوَى، وَحُكْمًا لِمَنْ قَضَى. ارزش ها و ویژگی های قرآن «سپس قرآن را بر او نازل فرمود. نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله ای است که نور آن تاریک نشود، جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستونهای آن خراب نشود، شفا دهنده ای است که بیماریهای وحشت انگیز را بزدايد، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند، و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند. قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه های دانش و دریاهای علوم است، سرچشمه های عدالت، و نهروهای جاری عدل است، پایه های اسلام و ستون های محکم آن است، نهروهای جاری زلال حقیقت، و سرزمینهای آن است، دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتواند کشید، و چشمه هایی است که آبش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی یابد، منزلهایی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد، و نشانه هایی است که روندگان از آن غفلت نمی کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی گذرند. خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است، قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی شود، ریسمانی است که رشته های آن محکم،

پناهگاهی است که قلّه آن بلند، و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند، محل امنی است برای هر کس که آنجا وارد شود، راهنمایی است برای آن که از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد، برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند، نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند، و راهبر آن که آن را بکار گیرد، و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بپوشاند، و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد، و حدیث کسی است که از آن روایت کند، و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند.» (۲). ***** حلیه المتّقین باب دوازدهم، فصل پنجم. خطبه ۲۵/۱۹۸ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلّف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۱۲۶: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۴۹ ح ۱: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۳- ذیل الامالی ص ۱۷۱: ابو علی قالی (متوفای ۳۵۶ هـ) ۴- قوت القلوب ج ۱ ص ۳۸۲: ابوطالب مکی (متوفای ۳۸۲ هـ) ۵- حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۷۴ و ۷۵: ابو نعیم اصفهانی (متوفای ۴۰۲ هـ) ۶- کتاب خصال ج ۱ ص ۱۰۸: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۷- منهاج البراعه ج ۲ ص ۲۹۴: ابن راوندی (متوفای ۵۷۱ هـ) ۸- کتاب صفین ص ۲۲۳: نصر بن مزاحم (متوفای ۲۰۲ هـ).

هدفداری

شهادت طلبی

اشاره

هدفداری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در شهادت طلبی او باید جستجو کرد، ایمان و یقین بی همانند امام علی علیه السلام، او را شیدای شهادت در راه خدا کرده در تمام نبردها با یاد و نام خدا مبارزه می کرد، و از فراوانی دشمن نمی هراسید. در اینجا به برخی از نمونه ها توجه کنید.

درخواست شهادت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همواره در دعاهاى خود، از پروردگار جهان شهادت درخواست می فرمود و می گفت: **اللَّهُمَّ فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَ اغْصِرْنَا مِنَ الْفِتْنَةِ** «پروردگارا به ما شهادت در راه خودت را عطا فرما، و ما را از فتنه ها حفظ کن.» (۱). ***** خطبه ۴/۱۷۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلّف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب صفین ص ۲۳۲: نصر بن مزاحم (متوفای ۲۱۲ هـ) ۲- کتاب دعا و ذکر: حسین بن سعید (اهوازی از اصحاب امام سجاد علیه السلام) ۳- مهج الدعوات ص ۱۰۲: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ هـ) ۴- تاریخ طبری ج ۳ ص ۸۴: طبری شافعی (متوفای ۳۶ هـ) ۵- اصول کافی ج ۱ ص ۸۶ و ۱۴۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۶- منهاج البراعه ج ۲ ص ۱۵۱: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۷- بحار الانوار ج ۹۱ ص ۲۴۱ و ج ۳۲ ص ۴۶۲ و ۶۰۷: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ).

رواج فرهنگ شهادت طلبی

امام علی علیه السلام تلاش می کرد تا فرهنگ شهادت طلبی رواج شایسته ای پیدا کند، تا آزادی خواهان جهان از هرگونه مشکل و ترور و وحشتی نهراسند، و تن به ذلّت نسپارند، که در پایان نامه ها از شهادت طلبی می نوشت. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در پایان نامه به مالک اشتر نوشت: **وَأَنْ يُخْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ** (و از خدا می خواهم که پایان عمر من و تو را با سعادت و

شهادت پایان دهد. (۱). *****(۱). نامه ۱۵۷/۵۳ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

گریه شوق برای شهادت

در تمام ارتش های جهان سربازی وجود ندارد که برای شرکت در خط مقدم بی تابی کند، یا برای شهید شدن اشک بریزد و لحظه شماری کند، جز در ارتش اسلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای شهادت اشک شوق می ریخت، و چون در جنگ اُحد به شهادت نرسید ناراحت بود، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله علت آن را پرسید و خطاب به پیامبر فرمود: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْلَيْسَ قَدْ قُلْتَ لِي يَوْمَ أُحُدٍ حَيْثُ اسْتُشْهِدَ مِنْ اسْتُشْهِدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَحِزَّتْ عَنِّي الشَّهَادَةُ، فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَقُلْتَ لِي: «أَبَيْتَ، فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ؟» فَقَالَ لِي: «إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذْنُ؟» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ، وَلَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَالشُّكْرِ. «گفتم: ای رسول خدا مگر جز این است که در روز اُحد» که گروهی از مسلمانان به شهادت رسیدند، و شهادت نصیب من نشد و سخت بر من گران آمد، تو به من فرمودی، ای علی! مژده باد تو را که شهادت در پی تو خواهد آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: (همانا این بشارت تحقق می پذیرد، در آن هنگام صبر تو چگونه است؟) گفتم: ای رسول خدا چنین موردی جای صبر و شکیبایی نیست بلکه جای مژده شنیدن و شکر گذاری است. (۱). *****(۱). خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- تحف العقول ص ۱۶۲: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هـ) ۲- اصول کافی ج ۲ ص ۵۰ ح ۱: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۳- ذیل الامالی ص ۱۷۱: ابوعلی قالی (متوفای ۳۵۶ هـ) ۴- قوت القلوب ج ۱ ص ۹۲ و ۹۱ فصل ۱۶: ابوطالب مکی (متوفای ۳۸۶ هـ) ۵- حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۷۴ و ۷۵: ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۰۲ هـ) ۶- کتاب زهد ص ۸: حسین بن سعید اهوازی از اصحاب امام سجاد علیه السلام ۷- کتاب خصال ج ۱ ص ۳۲۹ ح ۲۵ باب الشَّهَادَةُ: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) ۸- مناقب ص ۲۶۸: خطیب خوارزمی حنفی (متوفای ۹۹۳ هـ).

جستجوی شهادت

چه کسی جز امام علی علیه السلام در تمام نبردها و مبارزات دوران زندگی، چونان تشنه ای که همواره به دنبال آب زلال باشد، در جستجوی شهادت است؟ و برای شهادت در راه خدا لحظه شماری می کند؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یک سخنرانی فرمود: وَاللَّهِ لَوْلَمَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعِدْوِ - وَلَوْ قَدْ حَمَّ لِي لِقَاؤُهُ - لَقَرَّبْتُ رِكَابِي ثُمَّ شَخَّصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ مَا اخْتَلَفَ جَنُوبٌ وَشَمَالٌ؛ طَعَانِينَ عَيَّابِينَ، حَيَّادِينَ رَوَّاعِينَ. إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلْبِهِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ. لَقَدْ حَمَلْتَكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الَّتِي لَا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا هَالِكٌ، مَنِ اسْتَتَمَّ فِإِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ زَلَّ فِإِلَى النَّارِ! (به خدا سوگند! اگر امیدواری به شهادت در راه خدا را نداشتیم، پای در رکاب کرده از میان شما می رفتیم، و شما را نمی طلبیدم چندان که باد شمال و جنوب می وزد زیرا شما بسیار طعنه زن، عیب جو، رویگردان از حق، و پر مکر و حيله اید. مادام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد، من شما را به راه روشنی بردم که جز هلاک خواهان، هلاک نگردند، آن کس که استقامت کرد به سوی بهشت شتافت و آن کس که لغزید در آتش سرنگون شد. (۱). *****(۱). خطبه ۱۱۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد آن به این شرح است: ۱- کتاب النهایه ج ۱ ص ۲۱۵ (ماده الثقله): ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ هـ) ۲- منهاج البراهه ج ۲ ص ۱۵: راوندی (متوفای ۵۷۳ هـ) ۳- شرح نهج البلاغه ج ۷ ص ۲۸۵: ابن ابی الحدید (متوفای ۶۵۶ هـ) ۴- الغارات ج ۲ ص ۶۲۵ و ۶۲۶: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هـ) ۵- انساب الاشراف ج ۱ ص ۴۲۳: بلاذری (متوفای ۲۷۹ هـ) ۶- بحار الانوار ج ۳۴ ص ۹۶: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۷- ارشاد ص ۱۴۵: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هـ).

سخنان لحظه شهادت

یکی از غریبان برای نشان دادن عظمت و هدفداری امام علی علیه السلام مقایسه ای را مطرح کرده و نوشته است که: «خلیفه دوم، خلیفه مسلمین بود، اما وقتی ترور شد، در آخرین لحظات عمرش داد زد: قَتَلَنِي الْمَجُوسِي (این گبر آتش پرست مرا کشت) که در کلمات آخرین او هم تأسف و اندوه وجود دارد، و هم دشنام دادن به دیگران.» حضرت علی علیه السلام هم خلیفه بود، وقتی در محراب عبادت مورد سوء قصد قرار گرفت فرمود: فُزْتُ وَ رَبُّ الْكُعبَةِ (به خدای کعبه رستگار شدم) در این کلمات ارزشمند هدفداری، خدا گرایی، شهادت طلبی وجود دارد، که نشانه یقین به مرگ و قیامت است. (۱). **** سرمایه سخن ص ۴۲۶.

معجزات و کرامات

اشاره

معجزات و کرامات امام علی علیه السلام فراوان است و خود احتیاج به کتابی مستقل دارد، زیرا حضرت شاهد ازل و آید است، و نسبت به کرامت نفس خویش در یک سخنرانی فرمود: وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهٖ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسِيلُكَ بِهٖ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ، وَمَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ. وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرُ أُمَّهٖ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْماً، وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهٖ. وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بَحْرَاءَ فَارَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ النُّبُوَّةِ. وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِي. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ». (از همان لحظه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد تا شب و روز، او را به راه های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند، و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود، و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم، پیامبر صلی الله علیه و آله چند ماه از سال را در غار حراء می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم، و کسی جز من او را نمی دید، در آن روزها، در هیچ خانه مسلمانی راه نیافت جز خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله که خدیجه هم در آن بود و من سوّمین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می دیدم، و بوی نبوت را می بویدم. من هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید و فرمود: «علی! تو آن چه را من می شنوم، می شنوی، و آن چه را که من می بینم، می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی.» (۲). امامی که نور وحی را می نگرد، و بوی رسالت را استشمام می کند، و ضجّه شیطان را می شنود و سراسر آفرینش و همه پدیده ها و موجودات تسلیم اراده او هستند. دارای معجزات و کرامات فراوانی است که بشر مادی با قلمی شکسته و در تاریکی جهالت مانده نمی تواند جلوه های آن را در کتابی گرد آورد، در ای قسمت تنها به برخی از نمونه ها بسنده می کنیم، مانند: پیمودن راه های طولانی «طَيُّ الْأَرْضِ» بازگشت خورشید برای نماز عصر امام علی درمان چشم نابینا خبر از چگونگی قبر و دفن خویش اعتراف حیوانات اعتراف ازدها **** اِتِّبَاعَ الْفَصِيلِ اَنْرَامَه (شتر بچه همواره با شتر است) وقتی می خواستند بگویند که آن دو نفر همیشه با هم بودند از این ضرب المثل استفاده می کردند. خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف (مدارک گذشته).

پیمودن راه های طولانی «طَيُّ الْأَرْضِ»

«طی الارض» و پیمودن راه های طولانی در چند لحظه، که فردی با جسم ۶۰ یا ۷۰ کیلوئی مسافت های طولانی را در چند لحظه درنوردد، و از جایی به جای دیگر با سرعت فوق العاده ای برود و برگردد، مبحثی فوق درک علم و فراسوی علم و عقل است، و جزو معجزه و مسائل مربوط به آن است که دانشمندان علم هنوز به مرزهای ناشناخته آن نرسیدند، در زندگی فردی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از واقعیت هایی که به چشم می خورد «طی الارض» است، که امام علی علیه السلام برای بر گذاری مراسم پس از فوت سلمان فارسی، از «طی الارض» استفاده فرمود. قبر می گوید: در مدینه با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که ناگهان گویا آن حضرت جواب کسی را می دهد، بلند شد و فرمود: سلمان فارسی در شهر مدائن که در حال احتضار است می آیی تا برویم؟ گفتم: ما هم اکنون در شهر مدینه قرار داریم، و سلمان فارسی در شهر مدائن یکی از شهرهای غربی ایران است، چگونه می توانیم در کنار او باشیم؟ حضرت فرمود: به این چیزها فکر نکن، هر جا که من قدم می گذارم قدم بگذار. قبر می گوید: پس از برداشتن چند قدم خود را در شهر مدائن کنار بستر سلمان دیدم. (۱). رهبران معصوم علیهم السلام همه از قدرت معجزه و «طی الارض» برخوردار بودند. از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل شد که: هرگاه می خواست از زندان بغداد به مدینه می رفت. از امام سجاد علیه السلام نقل شد که یکی از یاران زندانی خود را به زیارت مدینه و مکه و زن و فرزندانش بُرد. و امام تقی علیه السلام برای شرکت در مراسم تدفین امام رضا علیه السلام از همین معجزه استفاده کرد، و فاصله مدینه تا خراسان را در چند لحظه پیمود. نه تنها رهبران معصوم علیهم السلام بلکه بسیاری از دانشمندان و علمای اهل کرامت نیز از این قدرت اعجاز گونه برخوردار بوده و هستند. (۲). * * * * * اثبات الهداء ج ۵ ص ۶۰، حرّ عاملی. نشان از بی نشان ها، ص ۶۰ الی ۹۷.

بازگشت خورشید برای نماز عصر امام علی

آنچه که شاگردان و اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند، و خود شاهد بودند، همه این حقیقت را باور داشتند و می دیدند که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نماز اول وقت اهمیت فراوان می دهد، حتی امام علی علیه السلام در گرما گرم جنگ صفین، نگاه خود را به خورشید می دوخت که نماز ظهر را در اول وقت بخواند، و کسی یاد ندارد و نقل نکرده است که یکی از نمازهای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وقت مخصوص خودش اجرا نشده باشد. و خود، این دستورالعمل عبادی را به فرمانداران و کارگزاران حکومتی خود نوشت که: نمازهای پنجگانه را در وقت اختصاصی خود بخوانید؛ صلّ الصلوة لوقتها الموقّت لها (نماز را در وقت مخصوص خودش بخوانید). (۱). اما در یکی از جنگ ها چون رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مأموریت مهمی را به امام علی علیه السلام واگذار کرد، و می بایست در همان لحظه حسیّاس انجام گیرد، پس از انجام مأموریت، وقتی خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم رسید متوجّه شد که نماز عصر در حال قضا شدن است، با نگرانی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را متوجّه ساخت و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دعا کرد که خورشید در لحظه غروب بازگشت تا علی علیه السلام نماز عصر خود را خواند و پس از نماز عصر آن حضرت ناپدید شد. (۲). روزی امام علی علیه السلام برای محاکمه خلیفه اول و بیدار کردن وجدان های خفته، خطاب به او فرمود: تو رابه خدا سوگند می دهم که آیا خورشید برای تو بازگشت یا برای من؟ اگر برای خواندن نماز من بازگشت، پس چرا فضائل و کرامات مرا نادیده می انگارید؟ و همه چیز را فراموش کردید؟ (۳). * * * * * نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. اثبات الهداء ج ۴ ص ۴۴۶. اثبات الهداء ج ۴ ص ۴۸۱.

درمان چشم نابینا

شخصی از کوری، فراوان رنج می کشید، و بسیار مداوا کرد، اما بی حاصل بود، و یأس و ناامیدی چون خوره، جان او را به نابودی

می کشاند. روزی به یاد معجزات و کرامات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام افتاد، تصمیم گرفت خود را به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسانده، بینائی خود را از امام علی علیه السلام بگیرد. خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شد و سفره دل باز کرد و فراوان التماس دعا نمود، و بسیار در تقاضای خود کوشید تا آنجا که محبت امیرالمؤمنین علیه السلام جلوه کرد، بلند شد و دست مبارک را بر سر و روی آن فرد کشید که لحظه ای بعد چشمان آن کور بینا شد، یاران آن حضرت از این اعجاز آشکار شاد گشته و به یقین نائل آمدند. (۱). ***** اثبات الهداه ج ۵ ص ۵.

خبر از چگونگی قبر و دفن خویش

می دانیم که قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف یک قبر معمولی نیست، بلکه امام علی علیه السلام در کنار حضرت آدم علیه السلام و نوح پیامبر علیه السلام آرمیده است. و در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ابتداء به حضرت آدم علیه السلام و سپس حضرت نوح علیه السلام سلام عرض می کنیم: السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی صَاحِبَیْكَ آدَمَ وَ نُوحٍ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ (۱). (سلام بر تو ای امیر و رهبر مؤمنان و سلام بر آدم و نوح علیهما السلام که در دو طرف قبر شریف آرمیده اند). آنگاه که امام علی علیه السلام در بستر شهادت بود، چگونگی دفن و مدفن خود را اینگونه توضیح داد. خطاب به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: وقتی مرا غسل دادید و کفن کردید و در تابوت نهادید، به قسمت جلوی تابوت کاری نداشته باشید، شما قسمت عقب تابوت را بردارید که جلوی تابوت خود بلند شده، حرکت می کند، هر جا که سیر تابوت فرود آمد، توقف کنید که آنجا قبری آماده برای من وجود دارد، در کنار قبر حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام مرا به خاک بسپارید. امام حسن و امام حسین علیهما السلام پس از غسل و کفن، بدن خورشید ولایت را در تابوت گذاشتند، ناگاه دیدند که قسمت جلوی تابوت بلند شد، فوراً عقب تابوت را به دوش گرفتند و رفتند تا در سرزمین نجف که منطقه نیزاری بود، تابوت فرود آمد، مقداری خاک ها را که کنار زدند، قبری آماده دیدند و پدر را در آن قبر دفن کردند. محل دفن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر همه پنهان بود و کسی نمی دانست که امام در کجا دفن شده است، جز اهل بیت علیهم السلام و جمعی از یاران نزدیک که به زیارت حضرت می رفتند. (۲). تا دوران خلافت هارون، قبر امام علی علیه السلام مخفی بود. روزی «هارون» در اطراف کوفه به شکار رفت و واقعه شگفت آوری را مشاهده کرد. دید که شیر و پلنگ و آهو و گوزن و دیگر حیواناتِ ضِدُّ و نقیض به یک نیزاری پناه برده، در آنجا همه در کنار یکدیگر می آرمنند، در حالی که خارج از آن منطقه امن، یگدیگر را می خورند و می درند، و هر شکاری را که تعقیب می کنند، فوراً به همان نیزار پناه می برد تا در امان باشد. هارون شگفت زده شد، و بزرگان و پیرمردان کوفه را پنهانی احضار کرد و علت آن را پرسید. پاسخ دادند که: در این منطقه «نجف» و در داخل نیزارها قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد، و چون ما اجازه نداشتیم آن را افشاء کنیم، اکثر مردم از این حقیقت با خبر نیستند. از آن پس «قبر پنهان» حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار شد، و شیعیان توانستند ساختمان زیبا و گنبد و بارگاهی بر آن بنا کنند که زیارتگاه عموم شیعیان گردد. (۳). ***** بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۷۱ و ج ۱۰۰ ص ۲۸۶ و ۳۷۶. اثبات الهداه ج ۴ ص ۵۸۲ و ج ۵ ص ۲. اثبات الهداه ج ۴ ص ۵۸۳، حُرّ عاملی.

اعتراف حیوانات

در دوران زعامت مولای متقیان علی علیه السلام گروهی از یهودیان لجوج و کینه توز به حضور آن حضرت رسیده و به بحث و مناظره پرداختند. و امام علی علیه السلام در تمام زمینه ها آنان را مجاب و محکوم کرد، لکن با تمام عناد و پُر روئی زیر بار احتجاجات و دلائل محکم آن حضرت نمی رفتند! حضرت فرمود: «ای قوم یهود دست از لجاجت بردارید و دلائل و معجزات

روشن و مستدلّ ما را بپذیرید.» چون آنان زیر بار نرفتند، حضرت خطاب به شتران و مرکب های آنان فرمود: «ای شترها! در مورد نبوت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم و وصایت من شهادت دهید!» ناگهان دیدند که شتران یهود به سخن آمده و گفتند: صِدَقْتُ صِدَقْتُ يَا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَكَذِبَ هَؤُلَاءِ الْيَهُودُ «ای وصی پیامبر تو راست می گوئی و این یهودیان لجوج دروغ می گویند.» سپس علی علیه السلام خطاب کرد به لباس های آنان که پوشیده بودند و فرمود: «شما نیز شهادت دهید تا اینان معجزات ما را ببینند.» لباس های آنان به سخن آمده و چنین شهادت دادند: صِدَقْتُ يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ! نَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ حَقًّا وَأَنَّكَ يَا عَلِيُّ وَصِيُّهُ حَقًّا «حق با تو است یا علی علیه السلام! و تو راست می گوئی و ما شهادت می دهیم که محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیامبر خدا و تو وصی بر حق او هستی.» (۱).***** مدینه المعجز ص ۴۳، و اثبات الهداه ج ۲ ص ۴۱۰ حدیث ۲۷.

اعتراف ازدها

الف - جابر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت می فرمود: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه سرگرم سخنرانی بود، که ناگاه ملاحظه کرد، ازدهای بزرگی از درِ فیل وارد شد! مردم از دیدن آن به وحشت افتاده، و می خواستند آن را بکشند، ولی مولای متقیان از بالای منبر دستور داد: با او کاری نداشته باشید و راه را باز کنید تا او پیش من بیاید. مردم مشاهده کردند که ازدها مستقیم به حضور علی علیه السلام رفته و بر او سلام کرد. (۱). حضرت به او اشاره کرد که آرام باشد تا سخنرانی خود را به پایان رساند. چون علی علیه السلام از صحبت خود فارغ شد، از ازدها پرسید: تو کیستی و چه کار داری؟ او گفت: من «عمرو» خلیفه شما در میان جنّ ها هستم، و چون پدرم چندی پیش از دنیا رفت، به من وصیت کرد که به حضور شما مشرف شده و کسب تکلیف کنم، و اینک در حضور شما هستم و هر دستور و سفارشی دارید، بیان فرمائید. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَنْ تَتَصَرَّفَ فَتَقُومَ مَقَامَ أَبِيكَ فِي الْجَنِّ، فَإِنَّكَ خَلِيفَتِي عَلَيْهِمُ إمام علی علیه السلام به عمرو بن عثمان که به صورت ازدها بود، فرمود: «سفارش می کنم که پیوسته پرهیزگار بوده و در جای پدرت در میان جن ها به نمایندگی از سوی من انجام وظیفه کنی.» چون امام باقر علیه السلام این حدیث و داستان را نقل فرمود، جابر جعفی می گوید: من از آن حضرت پرسیدم: فدایت شوم! آیا عمرو در زمان شما نیز به حضور شما می رسد؟ و آیا آمدن او و کسب تکلیف برای او واجب است؟ آن حضرت در جواب من فرمود: بلی. (۲). ب - و در نقل دیگری آمده است که ازدهای بسیار بزرگی از درِ فیل (۳) وارد مسجد کوفه شد که مردم به وحشت افتاده و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نگران نباشید، او پیک جنّ ها است. مردم همچنان به ازدها خیره شده بودند. ناگاه دیدند دهان خود را به نزدیک گوشهای علی علیه السلام برده و با وی تکلم کرد! و سپس از بالای منبر پائین آمده و به راه خود رفت. مردم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: او که بود و چه حرفی داشت؟ امام علی علیه السلام فرمود: (او رسول جنّ ها بود و از اختلاف و کشتار دو قبیله «بنی عامر و بنی عنزه» خبر می داد، و مرا برای آشتی آنان دعوت می کرد، من هم قول دادم که امشب به میان آنها رفته، و آنان را آشتی دهم.) حاضرین در مسجد درخواست کردند: یا امیرالمؤمنین! ما را نیز با خود ببرید. حضرت درخواست آنها را پذیرفت و شب همان روز، بعد از خواندن نماز عشاء، به میان جنّ ها رفتند. همراهان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام او را مشاهده می کردند و سخنان وی را می شنیدند، لکن مفهوم آن را درک نمی کردند. امام علی علیه السلام پس از سخنرانی به زبان جنّ ها، آنان را آرام ساخت و صلح و آشتی را در میان آنان جایگزین نمود. (۴). اگر سیر کوتاهی در این مجموعه پانزده جلدی داشته باشیم، ده ها نمونه از کرامات و معجزات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که تنها بجهت تکرار، از آوردن آن نمونه ها خودداری گردید. ***** در زیارت هفتم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که سید بن طاووس آن را در مصباح الزائر نقل کرده آمده است: اَلسَّلَامُ

عَلَى مُخَاطَبِ الثَّعْبَانِ عَلَى مِثَرِ الْكُوفَةِ بِلِسَانِ الْفَصِيحِ حَآءٍ (سلام بر امامی که اژدها با زبان فصیح عربی در حالی که بر منبر مسجد کوفه نشسته بود با او سخن گفت). اصول کافی ج ۱ ص ۳۹۶ حدیث ۶ (طبق نقل بزرگان، جن و طایفه اجنه، عمر طولانی «دو هزار یا سه هزار سال» دارند). نام یکی از درهای ورودی مسجد کوفه است. خرائج راوندی ج ۱ ص ۱۸۹.

در چشمه سار نهج البلاغه

دعا در میدان جنگ

خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه (وقد سمع قوماً من أصحابه يسبون أهل الشام أيام حربهم بصفين) الاخلاق فى الحرب إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سِبَابِينَ، وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ، كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ، وَأَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ، وَقُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ: اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ، وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ، حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلِهِ، وَيَزْعَوِيَ عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ. ترجمه: خطبه ۲۰۶ (در جنگ صفین شنید که یاران او شامیان را دشنام می دهند فرمود): اخلاق در جنگ من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردار شان را تعریف، و حالات آنان را بازگو می کردید به سخن راست نزدیک تر، و عذر پذیر تر بودید، خوب بود به جای دشنام آنان می گفتید: خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنان که با حق می ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند. ****

دعایی که حضرت همواره می خواند

خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه (كان يدعو به كثيراً) ثناء و دعاء الحمد لله الذي لم يضيع بي ميئاً ولا سقيماً، ولا مضروباً على عروقي بسوءٍ، ولا مأخوذاً بأسوأِ عملي، ولا مقطوعاً دابري، ولا مرتدداً عن ديني، ولا منكراً لربي، ولا مستوحشاً من إيماني، ولا ملتبساً عقلي، ولا معدباً بعذاب الأمم من قبلي. أصبحت عبداً مملوكاً ظالماً لنفسي. لك الحجة علي ولا حجة لي، ولا أستطيع أن آخذ إلا ما أعطيتني، ولا أتقى إلا ما وقيتني. اللهم إني أعوذ بك أن أفتقر في غناك، أو أضل في هداك، أو أضام في سلطانك، أو أضطهد والأمر لك! اللهم اجعل نفسي أول كريمية تتزعجها من كرائمي، وأول وديعة تزجعها من ودائع نعمك عندي! اللهم إنا نعوذ بك أن نذهب عن قولك، أو أن نفتن عن دينك، أو نتابع بنا أهواؤنا دون الهدى الذي جاء من عندك! ترجمه: دعا ۲۱۵ (همواره با این کلمات خدا را می خواند) ستایش و نیایش ستایش خداوندی را سزااست که شیم را به صبح آورد بی آن که مرده یا بیمار باشم، نه دردی بر رگهای تنم باقی، و نه به کیفر بدترین کردارم گرفتار کرد، نه بی فرزند و خاندان، و نه از دین روی گردان، و نه منکر پروردگارم، نه ایمانم دگرگون، و نه عقلم آشفته، و نه به عذاب اتمهای گذشته گرفتارم، در حالی صبح کردم که بنده ای بی اختیار و بر نفس خود ستمکارم. خدایا تو راست که مرا محکوم فرمایی در حالی که عذری ندارم، و توان فراهم آوردن چیزی جز آن چه که تو می بخشایی ندارم، و قدرت حفظ خویش ندارم جز آن که تو مرا حفظ فرمایی. خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی تو، تهیدست باشم، یا در پرتو روشنایی هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه قدرت تو بر من ستم روا دارند، یا خوار و ذلیل باشم در حالی که کار در دست تو باشد. خدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی قرار ده که می ستانی، و نخستین سپرده ای قرار ده که از من باز پس می گیری. خدایا ما به تو پناه می بریم از آن که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم، یا هواهای نفسانی پیاپی بر ما فرود آید، که از هدایت ارزانی شده از جانب تو سرباز زیم. ****

شکوه ها با خدا از ظلم قریش

اشاره

خطبه ۱۷۲ نهج البلاغه الحمد لله الذي لا توارى عنه سماء سماء، ولا أرض أرضاً. ترجمه: خطبه ۱۷۲ ستایش خداوندی را سزااست که نه آسمانی مانع آگاهی او از آسمان دیگر، و نه زمینی مانع او از زمین دیگر می شود.

مناقشه فی يوم الشورى

منها: وَقَدْ قَالَ قَائِلٌ: إِنَّكَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ لَحْرِيصٌ. فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتُمْ وَاللَّهِ لَأَحْرَصُ وَأَبْعَدُ، وَأَنَا أَحْصُ وَأَقْرَبُ، وَإِنَّمَا طَلَبْتُ حَقًّا لِي وَأَنْتُمْ تَحُولُونَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَتَضْرِبُونَ وَجْهِي دُونَهُ. فَلَمَّا قَرَعْتُهُ بِالْحُجَّةِ فِي الْمَلَأِ الْحَاضِرِينَ هَبَّ كَأَنَّهُ بُهَّتَ لَأَ يَدْرِي مَا يُجِنِّي بِهِ! ترجمه: گفتگو در روز شورا شخصی در روز شورا به من گفت: «ای فرزند ابوطالب نسبت به خلافت حریص می باشی». در پاسخ او گفتم، به خدا سوگند! شما با اینکه از پیامبر اسلام دور ترید، حریص تر می باشید، اما من شایسته و نزدیکتر به پیامبر اسلام، همانا من تنها حق خود را مطالبه می کنم که شما بین من و آن حائل شدید، و دست رد بر سینه ام زدید، پس چون در جمع حاضران، با برهان قاطع او را مغلوب کردم، در مانده و سرگردان شد و نمی دانست در پاسخم چه بگوید؟ ****

معاذة علی قریش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ! فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحِمِي، وَصَعَّرُوا عَظِيمَ مُنْزِلِي، وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هُوَ لِي. ثُمَّ قَالُوا: أَلَا إِنَّ فِي الْحَقِّ أَنْ تَأْخُذَهُ، وَفِي الْحَقِّ أَنْ تَتْرُكَهُ. ترجمه: شکوه از قریش بار خدایا، از قریش و از تمامی آنها که یاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می کنم، زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند، و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند، و در غضب حق من، با یکدیگر هم داستان شدند، سپس گفتند: برخی از حق را باید گرفت و برخی را باید رها کرد. (یعنی خلافت حقی است که باید رهایش کنی) ****

معاذة علی الناکثین

فَحَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا تُجْرُ الْأُمَةُ عِنْدَ شَرَائِهَا، مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ، فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا، وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهَا وَلِعَيْرِهِمَا. فِي جَيْشٍ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَانِي الطَّاعَةَ، وَسَمَحَ لِي بِالْبَيْعَةِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فَقَدِمُوا عَلَيَّ بِهَا وَخُرَّانِ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِهَا، فَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا، وَطَائِفَةً غَدْرًا. فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصَبِّئُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ، بَلَا جُزْمِ جَزَّةٍ، لَحَلَّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ، إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا، وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدٍ. دَعَا مَا أَنْتُمْ قَدْ قَتَلُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْكُمْ! ترجمه: شکوه از ناکثین طلحه و زبیر و یارانسان بر من خروج کردند، و ناموس رسول خدا صلی الله علیه وآله را به همراه خود می کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می کشانند، به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگهداشتند. پرده نشین حرم پیامبر صلی الله علیه وآله را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. لشکری را گرد آوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده، و بدون اکراه، و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند، پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمین، و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه و گروه دیگر را با حيله کشتند. به خدا سوگند! اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند و او را عمداً بدون گناه می کشتند کشتار همه آنها برای من حلال بود، زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند، و از مظلوم با دست و زبان دفاع نمودند، چه رسد به اینکه ناکثین به تعداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل کردند. ****

سیمای پرهیزکاران

اشاره

خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه (یصف فيها المتقین) روی آن صاحباً لأمیر المؤمنین علیه السلام یقال له همام کان رجلاً عابداً، فقال له: یا أمیر المؤمنین، صف لی المتقین کأنی أنظر الیهم. فتناقل علیه السلام عن جوابه ثم قال: یا همام، اتق الله و أحسن ف: «ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم مُحْسِنُونَ». فلم یقع همام بهذا القول حتی عزم علیه، فحمد الله وأثنی علیه، وصلى على النبی صلی الله علیه وآله ثم قال علیه السلام: ترجمه: خطبه ۱۹۳ (یکی از یاران پرهیزکار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به نام همام گفت: ای امیرمؤمنان پرهیزکاران را برای من آنچنان توصیف کن گویا آنان را با چشم می نگرم. امام علی علیه السلام در پاسخ او درنگی کرد و فرمود «ای همام! از خدا بترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیزکاران و نیکوکاران است» اما همام دست بردار نبود و اصرار ورزید، تا آن که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تصمیم گرفت صفات پرهیزکاران را بیان فرماید. پس خدا را سپاس و ثنا گفت، و بر پیامبرش درود فرستاد، و فرمود

سیماء المتقین

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ - سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى - خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ عَتِيًّا عَنِ طَاعَتِهِمْ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاةٍ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَةٍ. فَكَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ، وَوَضَعَ لَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ. فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسِيُّهُمْ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشْيُهُمُ التَّوَاضُعُ. غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ. نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نَزَلَتْ فِي الرِّخَاءِ. وَلَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ، شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ، وَخَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ. عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَبَّرُوا مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ، فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا، فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا، فَهُمْ فِيهَا مُعَذِّبُونَ. قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ، وَشُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَأَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ، وَحَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ. صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةٌ طَوِيلَةٌ. تِجَارَةٌ مُرَبِحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ. أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا، وَأَسْرَبَتْهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا. ترجمه: سیمای پرهیزکاران پس از ستایش پروردگار! همانا خداوند سبحان پدیده ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی نیاز، و از نافرمانی آنان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی می رسانند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد، روزی بندگان را تقسیم، و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد. اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است، چشمان خود را بر آن چه خدا حرام کرده می پوشانند، و گوشهای خود را وقف دانش سودمند کرده اند، و در روزگار سختی و گشایش حالشان یکسان است. و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرمود، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدن ها قرار نمی گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنم خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت های آن بسر می برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند. دل های پرهیزکاران اندوهگین، و مردم از آزارشان در امان، تن هایشان فربه نبوده، و در خواستهایشان اندک، و عقیف و پاکدامند. در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پر سود که پروردگارش فراهم فرمود، دنیا می خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند. ****

لیالی المتقین

أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً. يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا، وَتَطَلَعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا، وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنِهِمْ. وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَضَعَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ، وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ، فَهُمْ حَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَأَكْفَهُمْ وَرُكْبَهُمْ، وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ، يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ. ترجمه: شب پرهیز کاران پرهیز کاران در شب برپا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند، وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پر شوق در آن خیره شوند، و گمان می برند که نعمت های بهشت در برابر دیدگان شان قرار دارد و هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند، و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش، در گوششان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود از آتش جهنم را می طلبند. ****

نهار المتقين

وَأَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءٍ، أَبْرَارٌ أَنْفِيَاءُ. قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَزَى الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرْضَى، وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ؛ وَيَقُولُ: لَقَدْ خُوِلُوا! وَلَقَدْ خَا الطَّهْمُ أَمْرَ عَظِيمٍ! لِمَا يَرْضُونَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلِ، وَلِمَا يَسْتَكْتِرُونَ الْكَثِيرَ. فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ، وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا زُكِيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي، وَرَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي! اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ، وَاجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاعْفُؤْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ. ترجمه: روز پرهیز کاران پرهیز کاران در روز، دانشمندان بردبار، و نیکو کارانی باتقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است، کسی که به آنها می نگرد می پندارد که بیمارند اما آنان را بیماری نیست، و می گوید، مردم در اشتباهند! در صورتی که آشفتگی ظاهرشان از امری بزرگ است. از اعمال اندک خود خشنود نیستند، و اعمال زیاد خود را بسیار نمی شمارند، نفس خود را متهم می کنند، و از کردار خود ترسناکند، هرگاه یکی از آنان را بستانند، از آن چه در تعریف او گفته شد در هراس افتاده می گوید: «من خود را از دیگران بهتر می شناسم و خدای من، مرا بهتر از من می شناسد، بار خدایا، مرا بر آن چه می گویند محاکمه نفرما، و بهتر از آن قرارم ده که می گویند، و گناهیانی که نمی دانند بیامرزد» ****

علامات المتقين

فَمِنْ عَلَامَتِهِ أَحَدِيهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ، وَحِزْمًا فِي لِينٍ، وَإِيمَانًا فِي يَقِينٍ، وَحِرْصًا فِي عِلْمٍ، وَعِلْمًا فِي حِلْمٍ، وَقَصْدًا فِي غِنَى، وَخُشُوعًا فِي عِبَادَةٍ، وَتَجَمُّلاً فِي فَاقَةٍ، وَصَبْرًا فِي شِدَّةٍ، وَطَلْبًا فِي حَلَالٍ، وَنَسَاطًا فِي هُدَى، وَتَحَرُّجًا عَنْ طَمَعٍ. يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَحِيلٍ. يُمَسِّي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ، وَيُضِيحُ وَهَمُّهُ الذُّكْرُ. يَبِيتُ حَزِيرًا وَيُضِيحُ فَرِحًا؛ حَزِيرًا لَمَّا حَزِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ، وَفَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِنْ اسْتَصْبَحَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ. قُرَّةُ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ، وَزَهَادَتُهُ فِيمَا لَا يَبْقَى، يَمْرُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ، وَالْقَوْلَ بِالْعَمَلِ. تَرَاهُ قَرِيبًا أَمَلَةً، قَلِيلًا زَلَّةً، خَاشِعًا قَلْبُهُ، قَانِعَةً نَفْسُهُ، مَنْزُورًا أَكْلُهُ، سَهْلًا أَمْرُهُ، حَرِيزًا دِينَهُ، مَيِّتَةً شَهْوَتُهُ، مَكْطُومًا غَيْظُهُ. الْخَيْرُ مِنْهُ مَيِّمٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَيِّمٌ. إِنْ كَانَ فِي الْعَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ، وَإِنْ كَانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ. يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطِي مَنْ حَزَمَهُ، وَيَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ، بَعِيدًا فُحْشُهُ، لَيْثًا قَوْلُهُ، غَانِبًا مُنْكَرُهُ، حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ، مُقْبَلًا خَيْرُهُ، مُدْبِرًا شَرُّهُ. فِي الرِّزَالِ وَقُورٍ، وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ، وَفِي الرِّخَاءِ شُكُورٍ. لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يُبْغِضُ، وَلَا يَأْتِمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ. يَعْتَرَفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ، لَا يُضِيحُ مَا اسْتُحْفِظَ، وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِرَ، وَلَا يَنْبِرُ بِالْأَلْقَابِ، وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ، وَلَا يَسْتَمُتُ بِالْمَصَائِبِ، وَلَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ، وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ. إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ، وَإِنْ ضَحِكَ لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ، وَإِنْ بَغَى عَلَيْهِ صَبَرَ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ. نَفْسُهُ مِنْهُ

فِي عَنَاءٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ. أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَجَتْهُ، وَأَرَّاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ. بُعِدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهَيْدٌ وَنَزَاهَةٌ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ. لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكِبَرٍ وَعَظَمَةٍ، وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ. قال: فصعق همام صعقه كانت نفسه فيها. فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحَافُهَا عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: أَهَكَذَا تَصْبِغُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا؟ فقال له قائل: فما بالك يا أمير المؤمنين؟ فقال عليه السلام: وَيَحِيكَ، إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَسَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ. فَمَهْلًا، لَا تَعُدْ لِمِثْلِهَا، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ! ترجمه: نشانه های پرهیزکاران و از نشانه های یکی از پرهیزکاران این است که او را اینگونه می بینی، در دینداری نیرومند، نرمخو و دوراندیش، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، و با داشتن علم بردبار، و در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، و آراسته در تهیدستی، در سختی ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان، پرهیز کننده از طمع ورزی، می باشد. اعمال نیکو انجام می دهد و ترسان است، روز را به شب می رساند با سپاسگذاری، و شب را به روز می آورد با یاد خدا، شب می خوابد اما ترسان، و بر می خیزد شادمان، ترس برای اینکه دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. اگر نفس او در آن چه دشوار است فرمان نبرد، از آن چه دوست دارد محروم می کند، روشنی چشم پرهیزکار در چیزی قرار دارد که جاودانه است، و آن چه را ترک می کند که پایدار نیست، بردباری را با علم، و سخن را با عمل، در می آموزد. پرهیزگار را می بینی که: آرزویش نزدیک، لغزش هایش اندک، قلبش فروتن، نفسش قانع، خوراکش کم، کارش آسان، دینش حفظ شده، شهوتش مرده، خشمش فرو خورده است. مردم به خیرش امیدوار، و از آزارش در امانند، اگر در بی خبران باشد نامش در گروه یادآوران خدا ثبت می گردد، و اگر در یادآوران باشد نامش در گروه بیخبران نوشته نمی شود، ستمکار خود را عفو می کند، به آن که محروم می ساخته می بخشد، آن کس که با او بریده می پیوندد، از سخن زشت دور، و گفتارش نرم، بدیهای او پنهان، و کار نیکش آشکار است. نیکی های او به همه رسیده، و آزار او بکسی نمی رسد. در سختی ها آرام، و در ناگواریها بردبار و در خوشی ها سپاسگذار است، به آن که دشمن دارد ستم نکند، و نسبت به آن که دوست دارد به گناه آلوده نشود، پیش از آن که بر ضد او گواهی دهند به حق اعتراف می کند، و آن چه را به او سپرده اند ضایع نمی سازد، و آن چه را به او تذکر دادند فراموش نمی کند. مردم را با لقب های زشت نمی خواند، همسایگان را آزار نمی رساند، در مصیبت های دیگران شاد نمی شود، و در کار ناروا دخالت نمی کند، و از محدوده حق خارج نمی شود، اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی کند، و اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی شود، و اگر به او ستمی روا دارند صبر می کند تا خدا انتقام او را بگیرد. نفس او از دستش در زحمت، ولی مردم در آسایشند، برای قیامت خود را به زحمت می افکنند، ولی مردم را به رفاه و آسایش می رساند، دوری او از برخی مردم، از روی زهد و پارسایی، و نزدیک شدنش با بعضی دیگر از روی مهربانی و نرمی است، دوری او از تکبر و خودپسندی، و نزدیکی او از روی حيله و نیرنگ نیست. (سخن امام علی علیه السلام که به اینجا رسید، ناگهان همام ناله ای زد و جان داد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:) سوگند به خدا من از این پیش آمد بر همام می ترسیدم. سپس گفت: آیا پندهای رسا با آنان که پذیرنده آنند چنین می کند؟ شخصی رسید و گفت: چرا با تو چنین نکرد؟ امام علی علیه السلام پاسخ داد: وای بر تو، هر آجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نیافتد و سبب مشخصی دارد که از آن تجاوز نکند، آرام باش و دیگر چنین سخنانی مگو، که شیطان آن را بر زبانت رانده است. *****

اوقات نماز پنجگانه

نامه ۵۲ نهج البلاغه (إلى أمراء البلاد في معنى الصلاة) اوقات الصلوات اليوميّة أَمَا بَعْدُ، فَصَلُّوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حَتَّى تَفِيَءَ الشَّمْسُ مِنْ مَرْبِضِ الْعَنْزِ، وَصَلُّوا بِهِمْ الْعَصِيرَ وَالشَّمْسُ بَيَضَاءَ حَيَّةٍ فِي عَضْوٍ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يُسَارُ فِيهَا فَرْسِيحَانِ. وَصَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرَبَ حِينَ يُفِطِرُ الصَّائِمُ، وَيَدْفَعُ الْحَاجَّ إِلَى مَنَى. وَصَلُّوا بِهِمُ الْعِشَاءَ حِينَ يَتَوَارَى الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، وَصَلُّوا بِهِمُ الْغَدَاةَ وَالرَّجُلُ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ،

وَصَلُّوا بِهِمْ صِلَاءَ أَضْعَفِهِمْ، وَلَا تَكُونُوا قَتَانِينَ. ترجمه: نامه ۵۲ (نامه به فرمانداران شهرها درباره وقت نماز) وقت های نماز پنجگانه پس از یاد خدا و درود! نماز ظهر را با مردم وقتی بخوانید که آفتاب به طرف مغرب رفته، سایه آن به اندازه دیوار خوابگاه بر گردد، و نماز عصر را با مردم هنگامی بخوانید که خورشید سفید و جلوه دارد، در پاره ای از روز که تا غروب می شود دو فرسخ راه پیمود، و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوانید که روزه دار افطار، و حاجی از عرفات به سوی منی کوچ می کند، و نماز عشاء را با مردم وقتی بخوانید که شفق پنهان می گردد تا یک سوم از شب بگذرد، و نماز صبح را با مردم هنگامی بخوانید که شخص چهره همراه خویش را بشناسد، و در نماز جماعت در حد ناتوان آنان نماز بگذارید، و فتنه گر مباشد. ****

فضیلت و جایگاه نماز

اشاره

خطبه ۹۹ نهج البلاغه طلب المعافاة فی الدین نَحْمَدُهُ عَلَى مَا كَانَ، وَنَشِيتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَى مَا يَكُونُ، وَنَسْأَلُهُ الْمَعَاوَةَ فِي الْأَذْيَانِ، كَمَا نَسْأَلُهُ الْمَعَاوَةَ فِي الْأَبْدَانِ. ترجمه: خطبه ۹۹ خدا را بر نعمت هایی که عطا فرمود ستایش می کنیم و در کارهای خود از او یاری می جویم، از او سلامت در دین را خواهانیم آنگونه که تندرستی بدن را از او در خواست داریم.

التحذیر من الدنیا

عِبَادَ اللَّهِ، أَوْصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا، وَالْمُنْيَةَ لِأَجْسَامِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَيْفٍ فُرِّسَ سَبِيلًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأُمُو عِلْمًا فَكَانَتْهُمْ قَدْ بَلَّغُوهُ. وَكَمْ عَسَى الْمَجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا! وَمَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءً مِنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعِيدُوهُ، وَطَالِبٌ حَيْثُ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَمُزْعَجٌ فِي الدُّنْيَا حَتَّى يَفَارِقَهَا رَعْمًا! ترجمه: پرهیز از دنیاپرستی ای بندگان خدا، شما را به ترک دنیایی سفارش می کنم که شما را رها می سازد، گر چه شما جدایی از آن را دوست ندارید، دنیایی که بدن های شما را کهنه و فرسوده می کند با اینکه دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید شما و دنیا به مسافرانی مانید که تا گام در آن نهاده، احساس دارند به پایان راه رسیدند، و تا قصد رسیدن به نشانی کرده اند، گویا بدان دست یافتند، در حالی که تا رسیدن به هدف نهایی هنوز فاصله های زیادی است چگونه می تواند به مقصد رسد کسی که روز معینی در پیش دارد؟ و از آن تجاوز نخواهد کرد! مرگ به سرعت او را می راند، و عوامل مختلف او را بر خلاف خواسته خود از دنیا جدا می سازند. ****

کیفیه مواجهه الدنیا

فَلَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا، وَلَا تَعَجَبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجَزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا، فَإِنَّ عِزَّهَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَضَرَاءُهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ. أَوْلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُزْدَجْرٌ، وَفِي آبَائِكُمْ الْمَاضِيَةِ تَبَصْرَةٌ وَمُعْتَبْرٌ. إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ! أَوْلَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَزْجَعُونَ، وَإِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَتَّقُونَ! أَوْلَسْتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُصِيبُ بَحُونٌ وَيُمْسِدُونَ عَلَى أَحْوَالِ شَيْءٍ: فَمَيِّتٌ يُبْكِي. وَآخِرُ يُعْزِي، وَصَرِيحٌ مُبْتَلِي، وَعَائِدٌ يُعِيدُ، وَآخِرٌ بِنَفْسِهِ يُجُودُ، وَطَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَالْمَيُوتُ يَطْلُبُهُ، وَعَاقِلٌ وَلَيْسَ بِمَعْقُولٍ عَنْهُ؛ وَعَلَى أَثَرِ الْمَاضِيَةِ مَا يَمْضِي الْبَاقِي! أَلَمْآ فَادْكُرُوا هَذَا الذَّمَّ، وَمُنْغَصَّ الشَّهَوَاتِ، وَقَاطِعَ الْأُمِّيَّاتِ، عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْفَيِّحَةِ؛ وَاسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَى أَدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ، وَمَا لَا يُحْصَى مِنْ أَعْدَادِ نِعَمِهِ وَإِحْسَانِهِ. ترجمه: روش برخورد با دنیا پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید، و فریب زینت ها و نعمت ها را نخورید و مغرور

نشوید، و از رنج و سختی آن ننالید، و ناشکیبا نباشید، زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می پذیرد، و زینت و نعمت هایش نابود می گردد، و رنج و سختی آن تمام می شود، و هر مدت و مهلتی در آن به پایان می رسد، و هر موجود زنده ای به سوی مرگ می رود. آیا نشانه هایی از زندگی گذشتگان که بر جا مانده شما را از دنیا پرستی باز نمی دارد؟ اگر خردمندید!! آیا در زندگانی پدران شما آگاهی و عبرت آموزی نیست؟ مگر نمی بینید که گذشتگان شما باز نمی گردند؟ و فرزندان شما باقی نمی مانند؟ مگر مردم دنیا را نمی نگرید که در گذشت شب و روز حالات گوناگونی دارند؟ یکی می میرد و بر او می گریند، و دیگری باقیمانده به او تسلیم می گویند، یکی دیگر بر بستر بیماری افتاده دیگری به عیادت او می آید، و دیگری در حال جان کندن است، و دنیا طلبی در جستجوی دنیاست که مرگ او را در می یابد، و غفلت زده ای که مرگ او را فراموش نکرده است، و آیندگان نیز راه گذشتگان را می پویند. بهوش باشید، مرگ را که نابود کننده لذت ها و شکننده شهوت ها و قطع کننده آرزو هاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، بیاد آورید، و برای انجام واجبات، و شکر در برابر نعمت ها و احسان بی شمار الهی، از خدا یاری خواهید. ****

نماز باران

اشاره

خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه (فی الاستسقاء) ترجمه: خطبه ۱۴۳ (سخنرانی در مراسم دعای باران)

الکون فی خدمه الإنسان

أَلَا وَإِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي تُفْلِكُكُمْ، وَالسَّمَاءَ الَّتِي تُظْلِكُكُمْ، مُطِيعَتَانِ لِرَبِّكُمْ، وَمَا أَضْيَحْتَا تَجُودَانِ لَكُمْ بِيَرَكَيْهِمَا تَوْجَعًا لَكُمْ، وَلَا زُلْفَةً إِلَيْكُمْ، وَلَا لِحَيْرٍ تَوْجُوَانِهِ مِنْكُمْ، وَلَكِنْ أُمِرْنَا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعْتَا، وَأُفِيمَتَا عَلَيَّ حُدُودَ مَصَدِّحِكُمْ فَقَامَتَا. ترجمه: نظام آفرینش برای انسان آگاه باشید، زمینی که شما را بر پشت خود می برد، و آسمانی که بر شما سایه می گستراند، فرمانبردار پروردگارند، و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی یا برای نزدیک شدن به شما، و نه به امید خیری است که از شما دارند، بلکه آن دو، مأمور رساندن منافع شما می باشند، و اوامر خدا را اطاعت کردند، به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند. ****

الغایه من الامتحان

إِنَّ اللَّهَ يَنْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ، وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ، وَإِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ، وَيُقْلَعَ مُقْلَعٌ، وَيَتَذَكَّرُ مُتَذَكِّرٌ، وَيَزْدَجِرُ مُزْدَجِرٌ. وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِتَدْوِيرِ الرُّزْقِ وَرَحْمَةً الْخَلْقِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعِلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعِلْ لَكُمْ أَنْهَارًا». فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ، وَاسْتَقَالَ حَطِيئَتَهُ، وَبَادَرَ مَبْتِئَتَهُ! ترجمه: فلسفه آزمایش ها خداوند بندگان خود را که گناهکارند، با کمبود میوه ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنج های خیرات، آزمایش می کند، برای آن که توبه کننده ای باز گردد، و گناهکار، دل از معصیت بکند، و پند گیرنده، پند گیرد، و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد، و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فروریختن روزی، و موجب رحمت آفریدگان قرار داد و فرمود: «از پروردگار خود آمرزش بخواهید، که آمرزنده است، برکات خود را از آسمان بر شما فرو می بارد، و با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شما را یاری می دهد، و باغستان ها و نهادهای پر آب در اختیار شما می گذارد»(۱). پس رحمت خدا بر آن کس که به استقبال توبه رود، و از گناهان خود پوزش طلبد، و پیش از

آن که مرگ او فرا رسد، اصلاح گردد. **** نوح آیه ۱۰ و ۱۱.

الدعاء لنزول الغيث

اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ مِنْ تَحْتِ الْأَشْيَارِ وَالْأَكْنَانِ، وَبَعَدَ عَجِيجَ الْبَهَائِمِ وَالْوِلْدَانِ، رَاغِبِينَ فِي رَحْمَتِكَ، وَرَاجِينَ فَضْلَ نِعْمَتِكَ، وَخَائِفِينَ مِنْ عَذَابِكَ وَنِقْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاسْقِنَا غَيْثَكَ وَلِمَا تَجْعَلُنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تَهْلِكْنَا بِالْسَنِينِ، «وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَيْكَ نَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، حِينَ أَلْبَأْتُنَا الْمَضَائِقُ الْوَعْرَةَ، وَأَجَاءَنَا الْمَقَاحُطُ الْمَجْدِيَّةُ، وَأَعْيَتْنَا الْمَطَالِبُ الْمُتَعَسِّرَةُ، وَتَلَمَّاحَتْ عَلَيْنَا الْفِتْنُ الْمُسْتَضِيْبَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَلَّا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا تَقْلِبْنَا وَاجِمِينَ. وَلَا تُخَاطِبْنَا بِذُنُوبِنَا، وَلَا تُقَاسِنَا بِأَعْمَالِنَا. اللَّهُمَّ أَنْشُرْ عَلَيْنَا غَيْثَكَ وَبَرِّكْتَكَ، وَرَزَقَكَ وَرَحْمَتَكَ؛ وَاسْقِنَا سُقْيَا نَاقِعَةً مَرْوِيَةً مُعْشِبَةً، تُنْبِتُ بِهَا مَا قَدْ فَاتَ، وَتُحْيِي بِهَا مَا قَدْ مَاتَ، نَافِعَةَ الْحَيَا، كَثِيرَةَ الْمُجْتَنَى، تُزَوِّي بِهَا الْقِيَعَانَ، وَتَسِيلُ الْبُطْنَانَ، وَتَسِيْرُوقُ الْأَشْجَارَ، وَتُرْخِصُ الْأَشْيَارَ؛ «إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ». ترجمه: نیایش طلب باران بار خداوند! ما از خانه ها، و زیر چادرها پس از شنیدن ناله حیوانات تشنه، و گریه دلخراش کودکان گرسنه، به سوی تو بیرون آمدیم، و رحمت تو را مشتاق، و فضل و نعمت تو را امیدواریم، و از عذاب و انتقام تو ترسناکیم. بار خداوند! بارانت را بر ما ببار، و ما را مایوس بر مگردان! و با خشکسالی و قحطی ما را نابود مفرما، و با اعمال زشتی که بی خردان ما انجام داده اند ما را به عذاب خویش مبتلا مگردان، ای مهربانترین مهربانها! بار خداوند! به سوی تو آمدیم از چیزهایی شکایت کنیم که بر تو پنهان نیست و این هنگامی است که سختی های طاقت فرسا ما را بیچاره کرده و خشکسالی و قحطی ما را به ستوه آورده، و پیش آمدهای سخت ما را ناتوان ساخته، و فتنه های دشوار کرد به استخوان ما رسانده است. بار خداوند! از تو می خواهیم ما را نومید بر مگردانی، و با اندوه و نگرانی به خانه هایمان باز نفرستی، و گناهانمان را به رخصمان نکشی، و اعمال زشت ما را مقیاس کیفر ما قرار ندهی. خداوند! باران رحمت خود را بر ما ببار، و برکت خویش را بر ما بگستران، و روزی و رحمت را به ما برسان، و ما را از بارانی سیراب فرما که سودمند و سیراب کننده و رویاننده گیاهان باشد، که آن چه خشک شده دوباره برویاند، و آن چه مرده است زنده گرداند، بارانی که بسیار پر منفعت، رویاننده گیاهان فراوان، که تپه ها و کوهها را سیراب، و در دره ها و رودخانه ها، چونان سیل جاری شود، درختان را پربرگ نماید. نرخ گرانی را پایین آورد، همانا تو بر هر چیز که خواهی توانایی. ****

روانشناسی نیایش

حکمت ۳۱۲ نهج البلاغه التعامل مع الفرائض و النوافل وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا؛ فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ. ترجمه: حکمت ۳۱۲ روانشناسی عبادات و درود خدا بر او فرمود: دل ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وا دارید، و آنگاه که پشت کرده بی نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید. ****

ارزش قرآن

قسمتی از خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه

الْقِيمُ الاخْلَاقِيَّةُ وَخِصَائِصُ الْقُرْآنِ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ، وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ، وَبَحْرًا لَا يَدْرُكُ قَعْرُهُ، وَمِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ، وَشُعَاعًا لَا يُطْلِمُ ضَوْؤُهُ، وَفُرْقَانًا لَا يُحْمَدُ بَرَهَانُهُ، وَبَيِّنَاتًا لَا تُهْدَمُ أَرْكَانُهُ، وَشِفَاءً لَا تُخْسَى أَسْقَامُهُ، وَعِزًّا لَا تُهْزَمُ أَنْصَارُهُ، وَحَقًّا

لَمَا تُخَذَلُ أَعْوَانُهُ. فَهُوَ مَعِيدُ الْإِيمَانِ وَبُحْبُوحَتِهِ، وَبِنَائِبِ الْعِلْمِ وَبُحُورِهِ، وَرِيَاضِ الْعِدْلِ وَغُدْرَانِهِ، وَأَثَائِيِ الْإِسْلَامِ وَبُتْيَانِهِ، وَأَوْدِيَةِ الْحَقِّ وَغَيْطَانِهِ. وَبَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ، وَغَيْوُنٌ لَا يَنْضُبُّهَا الْمَاتِحُونَ، وَمَنَاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ، وَمَنَازِلٌ لَا يَضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسَافِرُونَ، وَأَعْلَامٌ لَمَا يَعْمَى عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَأَكْثَامٌ لَا يَجُوزُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ. جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ، وَمَحَاجِّ لَطُرُقِ الصُّلَحَاءِ، وَدَوَاءً لَيْسَ بَعِيدَهُ دَاءٌ، وَتُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ، وَحَبْلًا وَثِيقًا عَزُوتُهُ، وَمَعْقَلًا مَنِيعًا ذُرُوتُهُ، وَعِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ، وَسَلْمًا لِمَنْ دَخَلَهُ، وَهُدًى لِمَنْ اتَّكَمَ بِهِ، وَغُدْرًا لِمَنْ ائْتَحَلَّهُ، وَبُزْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ، وَفَلْجًا لِمَنْ حَاجَّ بِهِ، وَحَامِلًا لِمَنْ حَمَلَهُ، وَمَطِيئَةً لِمَنْ أَعْمَلَهُ، وَآيَةً لِمَنْ تَوَسَّمَهُ، وَجَنَّةً لِمَنْ اسْتَلَّامَ، وَعِلْمًا لِمَنْ وَعَى، وَحَدِيثًا لِمَنْ رَوَى، وَحُكْمًا لِمَنْ قَضَى. ترجمه: قسمتی از خطبه ۱۹۸ ارزش ها و ویژگی های قرآن سپس قرآن را بر او نازل فرمود. نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله ای است که نور آن تاریک نشود، جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستونهای آن خراب نشود، شفا دهنده ای است که بیماریهای وحشت انگیز را بزدايد، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند، و حقی است که یاری کنندگانش مغلوب نشوند. قرآن، معدن ایمان و اصل آن است، چشمه های دانش و دریاهای علوم است، سرچشمه های عدالت، و نه‌های جاری عدل است، پایه های اسلام و ستون های محکم آن است، نه‌های جاری زلال حقیقت، و سرزمین های آن است، دریایی است که تشنگان آن، آتش را تمام نتوانند کشید، و چشمه هایی است که آتش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند کاهش نمی یابد، منزلهایی است که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد، و نشانه هایی است که رونندگان از آن غفلت نمی کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی گذرند. خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است، قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی شود، ریسمانی است که رشته های آن محکم، پناهگاهی است که قلّه آن بلند، و توان و قدرتی است برای آن که قرآن را برگزیند، محل امنی است برای هر کس که آنجا وارد شود، راهنمایی است برای آن که از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آن که قرآن را راه و رسم خود قرار دهد، برهانی است بر آن کس که با آن سخن بگوید، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند، نجات دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند، و راهبر آن که آن را بکار گیرد، و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد، سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را پوشاند، و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد، و حدیث کسی است که از آن روایت کند، و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند. ****

قسمتی از خطبه ۱۰۱ نهج البلاغه

القرآن والاحکام الشرعیة کتَابِ رَبِّکُمْ فیکُمْ: مُبِیِّنًا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمَنْسُوخَهُ، وَرُخْصَهُ وَعَزَائِمَهُ، وَخَاصَّةً وَعَامَّةً، وَعَبْرَهُ وَأَمْثَالَهُ، وَمُرْسَلَهُ وَمَحْدُودَهُ، وَمُحْكَمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ، مُفَسِّرًا مُجْمَلَهُ، وَمُبِیِّنًا غَوَامِضَهُ، بَیْنَ مَا أُخِذَ مِثَاقُ عِلْمِهِ، وَمُوسِعٌ عَلَى الْعِبَادِ فِی جَهْلِهِ. وَبَیْنَ مُثَبِّتٍ فِی الْکِتَابِ فَرْضُهُ، وَمَعْلُومٍ فِی السُّنَنِ نَسِیْخُهُ، وَوَاجِبٍ فِی السُّنَنِ أَخْذُهُ، وَمُرْخَصٍ فِی الْکِتَابِ تَرْكُهُ، وَبَیْنَ وَاجِبٍ بِوَقْتِهِ، وَزَائِلٍ فِی مُسْتَقْبَلِهِ. وَمُبَیِّنٍ بَیْنَ مَحَارِمِهِ، مِنْ کَبِیرٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ نِیرَانَهُ، أَوْ صَیْغِیرٍ أَرْضَیْدَ لَهُ غُفْرَانَهُ، وَبَیْنَ مَقْبُولٍ فِی أَذْنَاهُ، مُوسِعٌ فِی أَقْصَاهُ. فَلِسْفَهُ الْحِجِّ وَفَرْضَ عَلَیْکُمْ حَرَجَ بَیْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِی جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، یُرْدُونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ، وَرِیَالَهُونَ إِلَیْهِ وَوَلُوهُ الْحَمَامِ، وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سَمَاعًا أَجَابُوا إِلَیْهِ دَعْوَتَهُ، وَصَدَّقُوا کَلِمَتَهُ، وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِیَائِهِ، وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِکَتِهِ الْمُطِیْفِینَ بِعَرْشِهِ. یُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِی مَنْجَرِ عِبَادَتِهِ، وَیَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ. جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَمًا، وَلِلْعَائِدِینَ حَرَمًا، فَفَرْضَ حَقَّهُ، وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَکَتَبَ عَلَیْکُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِيلًا، وَمَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِینَ». ترجمه: قسمتی از خطبه ۱ ویژگی های قرآن و احکام اسلام کتاب پروردگار میان شماست، که

بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مُباح و مَمْنوع، خاصّ و عام، پندها و مَثَلها، مُطلق و مُقَيّد، مُحَكَّم و مُتَشابِه می باشد، عبارات مُجَمَل خود را تفسیر، و نکات پیچیده خود را روشن می کند، از واجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت، و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست. قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، و بعضی از آن، در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است، بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته، که در آینده از بین رفته است، محرمات الهی از هم جدا می باشند، برخی از آنها، گناهان بزرگ است که وعده آتش دارد، و بعضی کوچک که وعده بخشش داده است، و برخی از اعمال که اندکش مقبول و در انجام بیشتر آن آزادند. فلسفه و ره آورد حج خدا حجّ خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه ای که آن را قبله گاه انسان ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن روی می آورند، و همانند کبوتران به آن پناه می برند. خدای سبحان، کعبه را مظهر تواضع بندگان برابر عظمت خویش، و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد، و در میان انسان ها، شنوندگانی را برگزید، که دعوت او را برای حج، اجابت کنند، و سخن او را تصدیق نمایند، و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند، همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می کنند، و سود های فراوان، در این عبادتگاه و محل تجارت زائران، به دست آورند، و به سوی وعده گاه آمرزش الهی بشتابند. خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا، و برای پناهندگان خانه امن و آمان قرار داد، آدای حق آن را واجب کرد، و حج بیت الله را واجب شمرد، و بر همه شما انسان ها مقرر داشت، که به زیارت آن بروید، و فرمود: (آن کس که توان رفتن به خانه خدا را دارد، حج بر او واجب است و آن کس که انکار کند، خداوند از همه جهانیان بی نیاز است)(۱). ***** آل عمران آیه ۹۷.